

# آموزش و پرورش در انقلاب اسلامی

مادامه آموزشی، تعلیمی و اطلاع رسانی برای خانواده  
 دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره شانزدهم، بهمن ۱۳۸۹، شماره بی‌دری ۸۷  
 ۴۸ صفحه، ۳۲۰۰ ریال



حیات شاداب  
 سرمایه گفت و گو  
 فرایند اصولی تغییر ساختارهای آموزش و پرورش  
 ویژه نامه آموزشی درس های تاریخ و هنر

با توجه به کارکردهای تصویرسازی در کتابهای آموزشی - که در شماره‌های قبل گفتیم - سبک و تکنیک کدام یک از تصاویر را برای کتابهای درسی تاریخ مناسب می‌دانید؟ چرا؟

تصویر ۱: تصویرسازی از چهره ابوعلی سینا: تصویرگر: غلامعلی مکنسی

تصویر ۲: تصویرسازی از حمله مغول به ایران: تصویرگر: زهرا زمانی

تصویر ۳: تصویرسازی از واقعه جنگ جمل: کار مشترک امیر تساجی و علیرضا اسفندی

تصویر ۴: تصویرسازی از پیرد حضرت دوداخ: تصویرگر: فرهاد حسینی

تصویر ۵: تصویرسازی از حمورابی و لوح معروفش برای کودکان: تصویرگر: منیره منصوری

تصویر ۶: تصویرسازی از معجزه حضرت عیسی (ع): تصویرگر: موجهر درفته

تصویر ۷: تصویرسازی از واقعه گربالا به سنگ نقاشی قهوه‌خانه‌ای: تصویرگر: حمیدرضا رشیدیان

منتظر پاسخ شما همراهان صمیمی هستیم.







# ششاد آموزش و پرورش

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی  
برای معلمان، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره شانزدهم - بهمن ۱۳۸۹ - شماره پیاپی ۸۷

سال همت مضاعف، کار مضاعف

مدیر مسئول: محمد ناصری  
سرمدیر: محمدرضا حشمتی  
شورای برنامه ریزی و کارشناسی: علی رضا صادقی میاب  
منصور ملک عباسی، علی اصغر جعفریان،  
فرحناز جدادی و لیلی محمدحسین  
مدیر داخلی: فاطمه محمودیان  
ویراستار: کبری محمودی  
طراح گرافیک: مهدی کریمی خانی  
نشانی دفتر: محله تهران، آراشهر شمالی، پلاک ۳۶۶  
مسئول پستی: ۱۶۵۹۵۱۷۹  
تلفن: ۸۸۳۹۰۳۳۷  
تلفن: ۸۸۳-۱۳۴۸  
وبسایت: www.roshdmagar.com  
راینامه: roshdmagazine@roshdmagazine.com  
تلفن پیام گیر: ۸۸۳-۱۳۸۲  
کد مدیرمسئول: ۱۱۳ کد پستی: ۱۱۵ کد مشترک: ۱۱۴  
نشانی: موزه مشترکین: تهران، مسلوب پستی: ۱۶۵۹۵۱۱۱  
تلفن: موزه مشترکین: ۷۳۳۳۶۵۵ - ۷۳۳۳۶۵۵  
شمارگان: ۱۸۰۰۰ نسخه  
جایب شود: اگهی (سهامی عام)

عکس روی جلد: عطا رنجبر از خراسان رضوی  
(شناسن خستناوره عکس رشد)

### فایل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

- مقاله‌هایی که برای طرح در مجله می‌فرستید باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.  
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید این موضوع را قید فرمایید.  
- مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با حاشیه استاندارد باشد.  
- مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی سی‌دی یا فلاپی و یا از طریق رایانه مجله ارسال شوند.  
- متن مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنون لازم متوجه شود.  
- محل قرار دادن جدول، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.  
- مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تعلیم شود.  
- کلمات تخصصی مفاهیم نامابه (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج شوند.  
- مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژهای فرعی در متن و سوبیتور باشد.  
- معرفی نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک نسخه عکس، متون و آثار وی پیوست شود.  
- مقاله در رد قبول، ویرایش و تأیید، مقالاتی رسیده مختار است.  
- مقالات دریافتی بازگرفته نمی‌شود.  
- برای مترجم در مقاله صورتاً مینویسند و نظر مسئولان مجله نیست.

- یادداشت سردبیر
- نعمت انقلاب اسلامی / محمدرضا حشمتی / ۲
- مدرسه زندگی
- تنوع و تفاوتها / سعیده اکبری نظری / ۳
- مدرسه توجه و دیدن / دکتر فریده بوائی سده / ۵
- حیاط شاداب / تمانه ابروانی / ۶
- ارزش‌یابی / الیلی محمدحسین / ۸
- دانش یا تفکر / دکتر بدالله سعیدنیا / ۱۰
- جرم چیست؟ / دکتر محمدعلی شامانی / ۱۴
- پرحرفی در کلاس / معصومه خیرآبادی / ۱۶
- سرمایه گفت‌وگو / کتابون رحیمی‌راد / ۲۶
- نشانه‌های بلوغ / دکتر احمد مختاریان / ۳۰
- داستان
- امید / مرتضی محذرف / ۴
- مرد پریشان / نادر فاضلی / ۱۲
- دنیای ارتباطات
- یادگیری مشارکتی با وبلاگ / سپیده شهیدی / ۱۸
- تجربه‌ها
- فقدان شور و نشاط در کلاس / معصومه لاموت / ۱۵
- آموزش هنر / انقیسه نیات / ۲۰
- تاریخ ماندگار
- دارالفنون / فاطمه محمودیان / ۲۲
- طنز
- داستان ارزش...یابی / مهدی رضاییان / ۲۴
- ماجرای شلوار و شلوارک! / احمد عربلو / ۲۸
- گفت‌وگو
- فرایند اصولی تغییر ساختارهای آموزش و پرورش / زهرا شعبانی / ۳۲
- ویژه‌نامه
- حافظه تاریخی یا تاریخ حفظی / دکتر عباس پرتوی مقدم / ۲۶
- محبت تاریخی / فاطمه خرقاتیان / ۴۰
- خط زیبای معلم / یاسین لطفی / ۳۳
- کتاب‌های کمک‌آموزشی تاریخ و هنر / طیبه الدوسی / ۴۶
- با هم‌راهان
- برندگان مسابقه / ۴۸

# نعمت انقلاب اسلامی

محمدرضا حشمتی

انسان و سلامتی‌اش، انسان و حیثیتش، انسان و عقلش، انسان و دارایی‌اش، انسان و خانواده‌اش، انسان و انسان و انسان و... همه و همه از نعمت‌ها هستند بعضی از ما به «تق زدن» در نداری‌ها عادت کرده‌ایم و کمتر اهل «نقد» و مدح دارایی‌هایمان هستیم. در حالی که به ما گفته‌اند: شکر نعمت، نعمت افزون کند، کفر، نعمت از کف دست بیرون کند. ما در دوران انقلاب اسلامی، غرق در نعمت‌های فراوان سیاسی و اجتماعی شده‌ایم، بر دشمنان بشریت غالب آمده‌ایم، ترس‌مان از مزدوران شاه و آمریکا از بین رفته است، زمینه‌های نعمت ولایت و دل در گرو خدا سپردن متجلی شده و نعمت آزادی، امنیت، استقلال، پیروزی در جنگ تحمیلی و... به برکت وحدت و یکپارچگی بین اقشار مختلف، نصیبمان شده است. لیکن باید مراقب باشیم که مبادا براساس ناسیاسی، زمینه‌ای را ایجاد کنیم که تدریجاً از اثربخشی این نعمت‌ها کاسته و نعمت‌ها یکی پس از دیگری زایل شود.



بر ماست به خود آییم، مانند دوران پیروزی انقلاب اسلامی، با گذشت و صبوری در خدمت‌گزاری به برادران و خواهران خود بیش از پیش کوشا باشیم، خدا را به خاطر همه عظمتش شکر کنیم و از نعمت‌ها غبار بزداییم.

یکی از نعمت‌های ارزشمند انقلاب اسلامی، «محبت» است. ما به عنوان جامعه‌ای که مدار حکومت اجتماعی‌اش را بر توحید و خدادوستی تنظیم کرده و با تشکیل و انتخاب نام جمهوری اسلامی، شعار خود را جمهوری خواهی و اسلام‌دوستی قرار داده است، باید بازار محبت را برای همیشه داغ نگاه داریم. همه باید همدیگر را چون برادران، خواهران و خانواده خود، مورد لطف و محبت قرار دهیم. توجه داشته باشیم، اگر اهل محبت و یاری دادن به دیگران باشیم، روز به روز از نظر معنوی مقتدرتر می‌شویم. امروز مردم ما به شدت محتاج احسان، لطف و محبت از سوی یکدیگر هستند.

خمینی بزرگ، در کرسی احسان و عطا، به مردم، عزت، برادری، عدالت، وحدت و شهادت داد و اینک بر ماست بر مدار ولایت، در حرکتی فراگیر و ملی، بار دیگر به نعمت ماندگار احسان بازگردیم و براساس الگوی زندگی ممتاز بزرگان دین (ائمه معصومین) با مردم رفتار کنیم.



# تفاوت و شباهت

## سعیده اکبری نظری



در مقاله قبلی، بحث مهارت‌های ارتباطی را آغاز کردیم و تنها فرصت شد به مقوله توانایی ارتباط برقرار کردن بپردازیم. ولی همان طور که گفتیم، چگونگی تعامل و ارتباط با دیگران و حفظ آن ارتباط، بسیار پیچیده‌تر و البته مهم‌تر است.

در این رابطه، یکی از مهم‌ترین نکاتی که هم باید یاد بگیریم و هم به فرزندانمان یاد دهیم، شناخت و داشتن دقت نظر در مورد انواع مدل‌های شخصیتی و ویژگی‌های فکری و رفتاری هر یک از این مدل‌های شخصیتی است. اگر ما مدل‌های شخصیتی را به خوبی بشناسیم و بدانیم همه آدم‌ها همان ویژگی‌هایی را دارند که ما داریم، آن وقت نوع انتظارمان از اطرافیان کاملاً متفاوت می‌شود. با ذکر یک نمونه ساده، بیشتر توضیح می‌دهم. مثلاً من وقتی دچار مشکل می‌شوم و ناراحتم، ترجیح می‌دهم با کسی صحبت کنم. در این بین، برایم بیشتر نفس صحبت کردن مهم است، نه رفع مشکل، یعنی لزوماً انتظار ندارم در این گفت‌وگو مشکل حل و بررسی شود، بلکه به قول خودمان فقط دنبال سبک شدن هستیم تا بعد از رسیدن به آرامش نسبی، توان حل مسئله‌ام را پیدا کنم. حال اگر دوست یا همکار یا همسر من یک مدل شخصیتی متفاوت داشته باشد، ممکن است در همین شرایطی که بیان شد، دوست داشته باشد تنهاش بگذاریم تا در خلوت خودش به موضوع پیش آمده و راه حل آن فکر کند.

حال تصور کنید هیچ یک از ما از این ویژگی‌ها اطلاعی نداشته باشیم، قطعاً در این موقعیت، هر یک از ما همان گونه که دوست داریم در شرایط مشابه با خودمان برخورد شود، با طرف مقابلمان برخورد می‌کنیم و آن وقت است که هر دو طرف به ناکامی در برقراری ارتباط می‌رسند. حال باید به

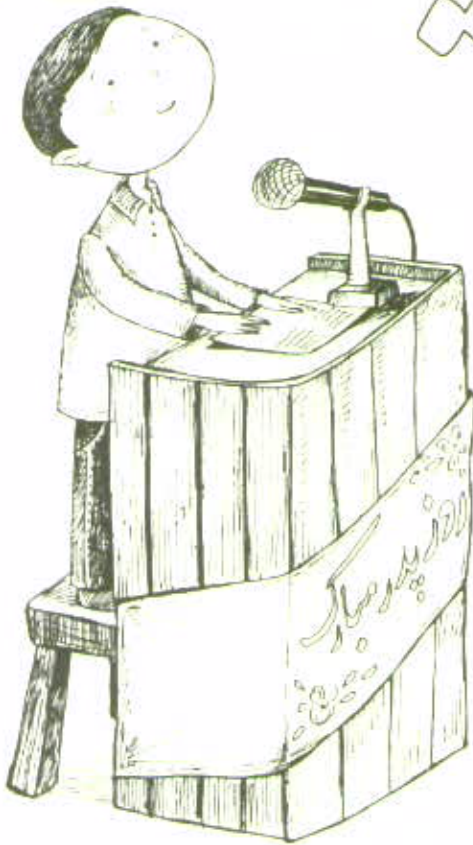
اگر ما مدل‌های شخصیتی را به خوبی بشناسیم و بدانیم همه آدم‌ها همان ویژگی‌هایی را دارند که ما داریم، آن وقت نوع انتظارمان از اطرافیان کاملاً متفاوت می‌شود

این مسئله، تفاوت مدل‌های شخصیتی، تفاوت‌های جنسیتی، فرهنگی، خانوادگی و... را هم اضافه کنیم. آن وقت متوجه می‌شویم که به تعداد انسان‌ها، دیدگاه و رفتار نسبت به یک موضوع واحد وجود دارد و علم به وجود این تفاوت‌ها، اولین قدم برای موفقیت در ارتباط است.

موضوع دیگر در این مبحث آن است که مهارت‌های بسیاری را می‌توان زیر مجموعه مهارت‌های ارتباطی دانست. یعنی هنگامی که دانش آموزانمان را برای مجهز شدن به این مهارت تمرین می‌دهیم، غیرمستقیم مهارت‌هایی مانند ابراز وجود، خوب و دقیق صحبت کردن، توان حل مسئله و خیلی مهارت‌های دیگر را می‌آموزند.



# امید



هفته‌های مهمانی بود که بعدها با سرپرستی آقای امیدی.

مری بی‌بروشی مدرسه مشغول سازگاری جشن روز می‌بودند همه چیز مرتب بود دیوارها پوشیده از نقاشی، روزنامه دیواری و دیگر فعالیت‌های هنری بچه‌ها بود. از منس‌ها پیش‌تر بی‌فراخوانی که مدرسه داده بود، هر یک از بچه‌ها به نوعی می‌گفتند تا ارائه آثار هنری، سهمی در برپایی جشن داشته باشند. روز مراسم همه چیز به جبهه‌ها سپرده شده بود تا گفتن خیر مقدم به برادران و مادران در مقابل تروپودی و راهمایی آن‌ها به داخل سالن گرفته تا پذیرایی و تحویل بوشه حاوی برنامه‌های مراسم و کتابچه‌هایی درباره‌ی خانگه پدر و دیدگاه‌های تربیتی **مولا علی (ع)**

**رسول عزیزاده** قرار بود در میانه‌های مراسم شعری را دکلمه کند. او هفته‌های منگادی تمرین کرده و از حدیث بیس مستطیل در بستن روز جشن بود هنگامی که رسول از خانه بلند شد نگاهی به چهار دیوار و خانه مادر و فدایه موفقی، منس و خوددار پدرش انداخت و بیست بریسون قرار گرفته داشت از سبوق مال تروی آورد. سبوق بیس، رون و ریبا آغاز کرد طوری که همه مدعوین مجنون شعر خواندن او شدند.

بعد ناگهان انگار دنیا نور سبوق شروع به چرخیدن کرد. سبوق به تریخ ضعیف آمد و ناگهان سکوت کرد صورتش از حالت سرخ شد دست‌هایش را با حالتی عسلی به هم گره زد و با صدایی به طرف آقای امیدی برگشت که آن پایین کوی نور بر تر بیون استفاده بود.

آقای امیدی که بارها این شعر را شنیده و کلمه به کلمه‌اش را حفظ شده بود، خواهی‌با که رسول فراموش کرده بود، به یادش آورد و صبح به تکرار عجیبی تغییر کرد و دکلمه رسول، به صورت نمایش نامعنی جذاب درآمد.

رسول مکت می‌کرد و آقای امیدی که اکنون دیگر خودش را درست به کنار تر بیون رسانده بود، به تکرار گفتن دو دقیقه نگذشت که دکلمه رسول تبدیل به دکلمه آقای امیدی و تکرار ایات توسط او شد سرانجام رسول توانست موضوع را جمع و جور کند و شعر را با هر جان کسبی که بود به اتمام برساند.

رسول وقتی که شنید حال غری داشته چون آثار لارستانی و نرم را در چهار دیوار و مادرش دیده بود مدعوین با بی‌حالی گفتند آن‌ها واقعاً دلشان نه حال پس بچه‌های که همه سعی‌اش را کرده اما شکست خورده بود می‌ساخت، مری بی‌بروشی بیست متکروپون قرار گرفت چهارش آرام و خندان بود همه با تکیه گوش دادند تا ببینند چه می‌خواهد بگوید آقای امیدی گفت: «من واقعاً از بازی در جشن رسول متشکرم، قرار بود ما به اتفاق هم نمایش نامه‌ی سبوق خجالتی را بازی کنیم، من می‌دانستم که رسول با استعداد است، ولی کاری که

امروز انجام داد یک بازی خارق‌العاده بود. راستش اگر من در جریان امر نبودم و از قبل با هم هماهنگ نکرده بودیم، واقعاً باورم می‌شد که رسول دستخاسته است!»

همه با حیرت برگشتند و به رسول که حالا در بر حرف‌های آقای امیدی، بی‌شکی با حراف نگه داشته بود و صورتش از جوش خالی بر می‌زد، نگاه کردند. مری بی‌بروشی مدرسه ادامه داد: «قرار بود عزیزانه نشان دهد که چه‌طور بچه‌هایی هم بیس و سال او به سرعت تسلیم می‌شوند و دست از تلاش بر می‌دارند بازی در حالت جشن نفسی، آن هم در مقابل ۲۰۰ نفر، اصفاً به شجاعت و حسرت زیادی نیاز دارد و من واقعاً به آقای رسول عزیزاده افتخار می‌کنم.»

مری بی‌بروشی مدرسه با گفتن این حرف شروع به کف زدن کرد و ناگهان صدای اجتماعات مدرسه را سبوق از تویق و تحسین فرا گرفت. مادر رسول بسیار احساس غرور می‌کرد و بی‌شکی قلم‌ش را از همیشه صاف‌تر نگه داشته بود، رسول حس می‌کرد چیزی بوی گلوش می‌گرفت است و نمی‌تواند حرف بزند. و فقط توانست به رضا دوست صمیمی‌اش که مرد او شنیده بود، این حس را بگوید: «تو نیست دارم معلم بنوم، ولی اشکال ندارد بنوم، پوزی معلم خوبی من آقای امیدی بنوم.»



# مدرسه توجه و دپدین

دکتر فرید براتی سده

در این باره که معلمان چگونه می‌توانند توجه و دلسوزی خود را نسبت به دانش‌آموزان نشان دهند، تجربه شخصی خود معلمان بهترین کمک است. ولی نکات نه چندان بزرگی چون سلامی دوستانه در آستانه در کلاس، گفت‌وگویی کوتاه و فرد به فرد درباره اتفاقاتی که برای دانش‌آموز رخ داده است یا نوشته‌ای کوتاه و تشویق‌آمیز، می‌تواند این حس را به دانش‌آموز القا کند. گوش دادن به دانش‌آموزان هم کمک‌کننده است.

۲. کلاس را تا حد امکان شفاف و عیان سازید. نحوه عمل خود در کلاس، شیوه تدریس، نحوه نمره دادن، پیامدها و عواقب رفتار مطلوب یا نامطلوبی که از آن‌ها سر می‌زند، انتظاراتی که از آن‌ها دارید و... را برای بچه‌ها توضیح دهید. همین کار را با والدین دانش‌آموزان هم بکنید. با این دو کار، در حقیقت نوعی محیط آموزشی خانوادگی ایجاد کرده‌اید. چنین محیطی، دانش‌آموزان را بیشتر به مدرسه پیوند می‌زند و تعلق خاطر آن‌ها را به درس و مدرسه می‌افزاید.

۳. زمینه فعالیت‌های یادگیری مشارکتی را برای شبکه‌سازی سالم، ارتباط یافتن دانش‌آموزان با هم و تسریع و تسهیل اجتماعی شدن آن‌ها فراهم سازید.

۴. در بخشی از ساعت کلاس، به دانش‌آموزان اجازه دهید درباره مسائل تحصیلی و حتی شخصی خود بحث کنند. آنچه بیان شد، تنها مبنی بر نگاه دانش‌آموزان به فضای آموزشی مثبت بود، مسلماً ضروری است این موضوع از نگاه معلمان هم مورد توجه قرار گیرد. در شماره‌های بعدی به این موضوع خواهیم پرداخت.

## منابع

۱. براتی سده، فرید (۱۳۸۸). اثربخشی مداخلات روان‌شناسی مثبت‌گرا در افزایش نشاط و شادی، حسودی از زندگی و معنای زندگی و کاهش افسردگی؛ مدلی برای اقدام پایان‌نامه نوبه دکتر، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
2. Fredrickson, B.L. & Joiner, T. (2002). Positive emotions trigger upward spirals toward emotional well-being. *Psychological Science*, 13, 172-175.
3. Fredrickson, B.L. (2009). *Positivity*. New York: Crown publishers.
4. Peterson, C. (2006). *A Primer in Positive Psychology*. NY: Oxford University Press.
5. Seligman, M.E.P. & Csikszentmihalyi, M. (2000). *Positive Psychology: An Introduction*. *American psychologist*, 55, 5-14.
6. Snyder, C.R. & Lopez, S.J. (2007). *Positive Psychology: The Scientific and Practical Exploration of Human Strengths*. USA: Sage Publications.
7. Watson, M. & Eckman, L. (2003). *Learning to trust: Transforming Difficult Elementary Classrooms Through Developmental Discipline*. San Francisco: Jossey-Bass.

کلیدواژه‌ها: روان‌شناسی مثبت‌گرا، مدرسه مثبت، تقویت احساس ارزشمندی.

## اشاره

در این مقاله از سلسله مباحث مربوط به «روان‌شناسی مثبت‌گرا»، به چهارمین مولفه ایجاد مدرسه مثبت می‌پردازیم: «تقویت احساس ارزشمندی دانش‌آموزان». در این سلسله مقالات کوشیدیم شما خوانندگان مجله را با راهکارهای ایجاد مدرسه مثبت آشنا کنیم. البته نکات مطرح شده، مبتنی بر نگاه دانش‌آموزان به فضای آموزشی مثبت بود. در مقالات بعدی، این موضوع را از نگاه معلمان بی‌خواهیم گرفت.

به دانش‌آموزان کمک کنید تا احساس ارزشمندی و احترام کنند. احساس مورد توجه بودن، به فرد احساس ارزشمند بودن و محترم شمرده شدن را می‌دهد. این احساس نوعی پیوند بین دانش‌آموز با مدرسه و معلمان را سبب می‌شود. تحقیقات نشان داده است، دانش‌آموزانی که احساس پیوند و دل‌ستگی و ارتباط با مدرسه و نظام مدرسه و آموزش (از جمله معلمان) را دارند، کمتر در معرض رفتارهای پرخطر نظیر سوء مصرف مواد یا آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند.

پیوند با مدرسه و احساس ارزشمندی، سبب از بین رفتن احساس بیگانگی با مدرسه می‌شود. احساس بیگانگی با مدرسه، عوامل و دلایل متعددی دارد که بحث درباره آن، مجال و فرصت دیگری نیاز دارد، اما محیط مدرسه و نوع رفتار اولیای مدرسه و معلمان، از جمله این عوامل هستند. اگر معلمان به گونه‌ای با دانش‌آموزان رفتار کنند که آن‌ها حس کنند مدرسه و معلمان به آن‌ها توجه می‌کنند و با آن‌ها گرم می‌گیرند و به آن‌ها احترام می‌گذارند، احتمال ایجاد محیطی مثبت که بر حد شرایط آسیب‌رسان برای دانش‌آموزان است، افزایش می‌یابد. برای این منظور، به موارد زیر توجه کنید:

۱. به دانش‌آموزان نشان دهید که شما صرف‌نظر از موفقیت‌ها و نگرش‌هایی که آن‌ها به تحصیل دارند، به آن‌ها توجه دارید. برایشان دلسوزی می‌کنید و مراقب آن‌ها هستید.





# حیات استادان

در این می‌خوانیم و الان نسیم دبیرستان نسیم هسته یا خودم می‌گفتم، چرا هر سال می‌گوشید مریسه و حیاط را دیدم گفتم ما هم هم زمان می‌شود، یعنی آن طور که ما ناملان می‌خواهیم می‌شود. بار سال همس موقع‌ها گندان می‌باشد، مری ریشی تا کنون می‌گوشید سر بقیه کردند و آن‌ها را در گوشه‌های حیاط و نزدیک در ورودی راهروها گذاشتند اما اعمال که به این گندان ها نگاه می‌کنیم، تمام برگ‌های آن‌ها چیده و برآمده شدند و به جهت حیاط مدرسه را زیباتر نگرداند بلکه به نظرم اجازه ساختن پست و بی نظیر بر شده است.

بی‌گاز بوده و توسط نسیم نظام ارسال در مریسه چه تصمیمات دیگری گرفته‌اند در حیاط می‌چرخید و به طرف صدمی که می‌گفتم، حلالی گوشیدیم در حال بود کارگران در حال خواب کردن آنجوری‌ها بودند چکنی بجهت که فقط در رنگ‌های ورزش از آن‌ها استفاده می‌شد، کنار آنجوری‌ها قرار داشت که داشتند یکی دو تا از آن‌ها می‌آورد می‌آورد می‌آورد، چرا آن‌ها احساس می‌کنیم حتی اگر آن‌ها را تیاره ساختند و با سنگ‌های مرغوب و زیاده‌کار گشتند، مریسه‌ای سطح مدرسه می‌آوردن به دست نمی‌آید به گفت حیاط نگاه کرده که این‌ها را

کلیدواژه‌ها: معماری، حیاط مدرسه، دانش‌آموزان.

### اشاره

در حیاط مدرسه می‌توان از عوامل طبیعی موجود، بیشترین استفاده را برای فعالیت‌های یادگیری کرد. ایجاد بعضی تغییرات برای دل‌نشین‌تر و دل‌بذیرتر کردن این محیط، می‌تواند با نظر دانش‌آموزان صورت گیرد تا فضای باز حیاط، به محیطی سر از آرامش و نشاط تبدیل شود.

«کلاس‌های تابستانی مدرسه‌مان تیاره شده است تا یکی از بچه‌ها قرار ملاقاتی داشتیم که متراکب نزدیک مدرسه بود، به همین دلیل، بعد از دیدن آن، او سری همه به مدرسه زده، مدیر، معاون و معلمان را هم با مدرسه بودیم مدرسه مریسه بود و مانند خانهای می‌مانست که دارند نمیزی می‌کنند خانه نکالی هر ساله، آن‌ها هم در شهر یوز، هر گوشه‌ای از مدرسه را به هم ریخته بودند و می‌خواستند آن‌ها را مریسه کنند و دیوار و مینه‌های نور زامیه‌ها و با بنجرها را هم قرار بود رنگ کنند از این‌ها می‌تواند در این مجموعه»



با مسیرهای خط‌کشی شده رنگ و رورفته‌ای که ما هر روز صبح مجبور به ایستادن روی آن‌ها بوده و هستیم و بعد از آن نیز باید منظم و مرتب وارد کلاس‌ها می‌شدیم. بعضی وقت‌ها خیلی دوست داشتم که روی این خط‌ها نایتم.

به طرف نیمکت‌های سیمانی رفتم که کنار دیوارهای حیاط، برای نشستن بچه‌ها تعبیه شده بود. ساعت ۱۱ قبل از ظهر بود و افتاب مستقیم می‌تابید روی سر من. کاش این‌جا درخت بزرگی بود تا قضا را مطبوع و خنک‌تر می‌کرد و کاش حداقل سایه‌ای این‌جا درست می‌کردند. بعضی وقت‌ها با خودم می‌گفتم، اگر کار آموزشی ما بعضی وقت‌ها جایش را با ما دانش‌آموزان عوض می‌کرد آن وقت بود که متوجه می‌شدند خواسته‌های ما چه هستند و خواهند بود.

همین‌طور که مشغول تماشای کارگران بودم، دیدم آقای وارد مدرسه شد. به جای این که مستقیم برود به سمت در اصلی ساختمان و وارد دفتر مدرسه شود مشغول تماشای حیاط شد. جوری به حیاط نگاه می‌کرد که انگار وارد «موزه‌ای بسیار زیبا» شده است. نه در مدرسه نگاه کرد. دوربین عکاسی بزرگی داشت که سریع شروع کرد به عکس گرفتن از هر جایی که برایش جالب بود. کنج‌کاو رفتارهای او شدم و همین‌طور از دور نگاهش کردم. به طرف کارگران رفتم. دو سه حمتنه‌ای را فکر کنم ردوبدل کردند. بعد هم یک بار از فضای نزدیک عکاسی کرد و یک بار از دور. از نمای مدرسه، از حیاط پستی، از نیمکت‌های سیمانی و فیزی در مدرسه، از گلدان‌های بی‌روح، و حتی از کف مدرسه، یعنی از همان خط‌کشی‌ها نیز عکس گرفت. خیلی دوست داشتم بدانم او چه لذتی از این عکس‌ها می‌برد و با این عکس‌ها می‌خواهد چه کار کند.

شاید یک ساعتی را در حیاط بودم و کاغذ نشستی بود و تمام چیزهایی را ترسیم می‌کرد و گاهی نیز دور بخشی از فضا راه می‌رفت و تأمل می‌کرد. انگار داشت چیزی را تصور می‌کرد و بعد آن را روی کاغذ می‌نوشت. حتی از میله‌های نور والیبال، از تابلوی اعلانات روی دیوار حیاط، از نوشته‌های روی دیوار و از بله‌های رو به دستشویی‌های حیاط و از قفس بزرگ پرندها که همیشه بوی بدی می‌داد عکس گرفت. به میله‌های بخره‌های مدرسه، به سکویی که همیشه آقای مدیر و معاون آن‌جا می‌ایستند، به در آهنی بزرگ مدرسه، به باغچه‌ها و گوشه‌های ساختمان، به حوبی نگاه کرد و علاوه بر عکس، از آن‌ها گروهی‌هایی را در کاغذش کشید دست آخر هم وقتی کارش تمام شد راهی دفتر شد. من هم تا خودآگاه از حیاط مدرسه آمدم به داخل ساختمان.

حندس می‌زدم که این آقای معمار (مهندس آرشیبتکت) باشد همیشه دوست داشتم با یک معمار حرف بزنم و بدانم چه‌طور نقشه می‌کشند؟ صحبت‌هایش با آقای مدیر را به راحتی می‌شد از راهرو شنید می‌گفت حیاط مدرسه باید شاداب باشد و بچه‌ها باید در این حیاط‌ها حضور داشته باشند و مدیر ما می‌گفت بچه‌ها در حیاط مدرسه حضور دارند در رنگ‌های تفریح و در ساعت‌های ورزش. اما آن آقا خندید و گفت، این‌ها اسمش «حضور فعال بچه‌ها» نیست. این‌ها اخبار در برنامه‌های مدرسه است. گفت چرا دارید بخشی از حیاط مدرسه را خراب می‌کنید، بی‌آن که نوعی نگاه کارشناسانه در

آن دخیل باشد؟ همچنین، پرسید آیا تاکنون مسئولیت حیاط را به بچه‌ها داده‌اید؟ آیا از آن‌ها خواسته‌اید بگویند که دوست دارند حیاط مدرسه‌شان چه شکلی باشد؟ آیا از آن‌ها شنیده‌اید که چه جاهایی از حیاط مدرسه را دوست دارند و از کجاها بدشان می‌آید و کجای حیاط آن‌ها را اذیت می‌کند؟

من همین‌طور در راهروی مدرسه روبه‌روی در دفتر نشسته بودم و به صحبت‌های آن آقا گوش می‌دادم. بلند شد تا چیزی را در حیاط مدرسه به مدیر نشان دهد که یکدفعه چشمش به من افتاد. گفت پسرم بیای این‌جا، بیای این‌جا کارت دارم. من با کمی خجالت زخم پیش ایشان. از من پرسید تا حالا شده از برنامه صبحگاهی که هر روز در مدرسه برگزار می‌شود، ناراضی باشی؟ نگاهی به مدیر مدرسه انداختم و سعی کردم خواسته دلم را به وضوح به آقای معمار بگویم. گفتم: بله! خیلی اوقات پرسید تا حالا شده دوست داشته باشی کلاس‌های شما در حیاط مدرسه برگزار شود؟ ... گفتم: بله، بسیار زیاد. اما حیاط ما اصلاً قشنگ نیست. ما فقط به خاطر تنوع دوست داریم بیاییم توی حیاط! ... پرسید تا حالا شده دوست داشته باشی از توی کلاس، حیاط را ببینی؟ و دوست داشتنی حیاط شما خیلی سرسبز باشد؟ ... گفتم بسیار، اما کلاس ما پرده‌های ضخیم دارد و ما نمی‌توانیم حیاط را ببینیم. معلم‌ها می‌گویند حواس بچه‌ها پرت می‌شود. اما من مطمئن هستم که فضای حیاط روی شادابی ما تأثیر می‌گذارد.

این‌جا بود که معمار با تأکید بسیاری رو به مدیر کرد و گفت این‌جاست که من می‌گویم نسل این حیاط‌ها رو به اتمام است. حیاط‌های بی‌روح و داغ و آسفالت شده بدون سایه‌بان؛ حیاط‌های اجباری، حیاط‌های بی‌درد نخور... حیاط‌های سرد... و همین‌طور

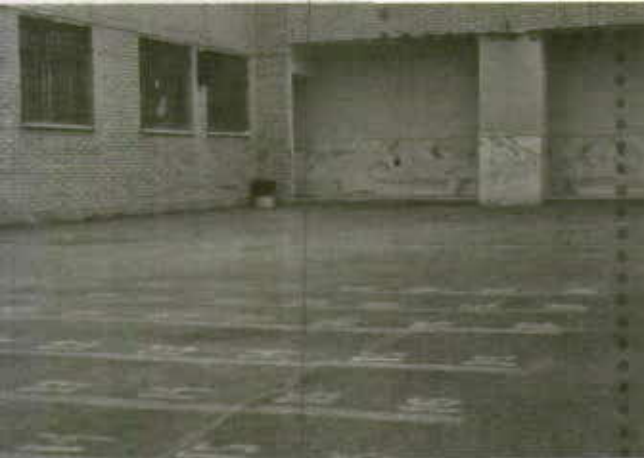
گفت. آقای معمار به من گفت، دفعه بعد که می‌آیم این‌جا، می‌خواهم چند نفر از بچه‌هایی را که می‌دانی دوست دارند مدرسه ایده‌آل داشته باشند، به من معرفی کنی و بعد با هم فکر کنید و به من بگویید دوست دارید حیاط مدرسه رویایی شما چگونه و چه شکلی باشد؟»

**به نظر شما حیاط مدرسه ایده‌آل و رویایی چه ویژگی‌هایی دارد؟ یا رایانامه من در تماس باشید تا بتوانیم تا ماه آینده به معمار مدرسه‌مان جواب بدهیم.**

irvani@gmail.com

**آیا از آن‌ها خواسته‌اید بگویند که دوست دارند حیاط مدرسه‌شان چه شکلی باشد**

**کلاس ما پرده‌های ضخیم دارد و ما نمی‌توانیم حیاط را ببینیم. معلم‌ها می‌گویند حواس بچه‌ها پرت می‌شود**





# ارزش‌یابی

## آموزش و پرورش در جهان

قیمت آن توجه می‌کیم. براساس آن نیز برای تشخیص بهاری از سنجش‌های گوناگون استفاده می‌کنند. بسته به نیاز، سطح آزمایشات، و گفت‌وگو با بیمار درباره این که چه احساسی یا دردی دارد، سؤال این است که چرا سلامت‌کناران آموزشی، گاهی اوقات ترجیح می‌دهند تصمیمات بسیار مهم را فقط براساس یک شاخص (یک نوع اندازه‌گیری) بگیرند؟»

استاندارد شماره ۷-۱۳ انحصار تحقیقات آموزشی تخصص روان‌شناسی و شورای ملی اندازه‌گیری در آموزش آمریکا، سال ۱۹۹۹ تأکید می‌کند: «در شرایط آموزشی، اتخاذ تصمیم با توجه به شخصیتی که بر زندگی دانش‌آموز تاثیر تعیین‌کننده‌ی دارد، نباید فقط براساس یک نمره از مزمون انجام شود. اطلاعات مربوط به دیگر، در صورتی که اعتبار کلی تصمیم را افزایش دهد، باید در نظر گرفته شود.»

نظری به نظام ارزش‌یابی ایران نشان می‌دهد، تصمیم‌گیری‌های مهم از جمله تعیین پایه تحصیلی یا ادامه تحصیل در پایه بعدی دانش‌آموزان، به نمرات آزمونی وابسته است که یک بار در پایان ترم یا سال تحصیلی برگزار می‌شود. در بهترین حالت، از نمره چندین آزمونی که دانش‌آموز در طول سال گرفته و به عنوان نمره آوریایی سمسر ثبت شده است، برای قضاوت درباره عملکرد تحصیلی او استفاده می‌شود. اما واقعاً یک نمره، تصویر کاملی از توانایی دانش‌آموز در یک موضوع درسی را ارائه می‌دهد؟!

می‌دانیم که بسیاری از دانش‌آموزان فقط تست امتحان را لازم دارند تا نمره قبولی بگیرند پس فریب یاددهی - یادگیری در طول سال به چه کاری می‌آید؟ اما نمی‌توان از ابزار متفاوتی برای ارزیابی محتوای درسی استفاده کرد، مثلاً برای درس ادبیات، می‌توان بخشی از محتوا را به شکل سؤال‌های چندگزینه‌ای، بخشی دیگر را با نوشتن چند پاراگراف درباره یک شعر یا نویسنده و بعد بخشی را با گفت‌وگو با دانش‌آموز درباره موضوع مورد نظر ارزیابی کرد. این روش‌ها را می‌توان در آموزش دیگر



کلیدواژه‌ها: ارزش‌یابی، خودارزیابی، یادگیری.

اشاره

بین ما معلمان، دو نگاه متفاوت به ارزش‌یابی تحصیلی کلاسی وجود دارد که عبارت‌اند از:  
- ارزش‌یابی از نتایج یادگیری دانش‌آموزان  
- ارزش‌یابی برای بهبود یادگیری دانش‌آموزان  
در نگاه نخست، ارزش‌یابی آخرین حلقه فعالیت معلم تلقی می‌شود. اما در نگاه دوم، در هر لحظه که یادگیری رخ می‌دهد، ارزش‌یابی حضور دارد. تجربه‌های جدید نشان داده‌اند که آزمون‌سازی توسط خود دانش‌آموزان، پیشرفت درسی بهتر و بیشتری را به دنبال خواهد داشت. در نوشته زیر، با مراحل اجرای این روش آشنا می‌شویم.

### وقتی آزمون‌دهنده‌ها (آزمودنی‌ها) خودشان آزمون‌ساز می‌شوند.

«ما تصمیم‌های مهم زندگی‌مان را براساس یک نوع ارزیابی واحد نمی‌گیریم. مثلاً اگر بخواهیم خانه‌ای بخریم، به مکان جغرافیایی، قدمت، ویژگی‌های خاص معماری و همین‌طور



تبر تعیین داد. روش معمول این است که معلم سؤال طرح کند و دانش‌آموزان پاسخ دهند. ولی تجربه یک معلم آمریکایی نشان می‌دهد، طرح سؤال توسط دانش‌آموزان نه روشی نظام‌مند بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر زیادی دارد. او به این باور رسیده است که آزمون‌های سنی، بارهای دانش‌آموزان را برآورده نمی‌کند و عقیده دارد که از عین‌سازی توسط دانش‌آموزان، برای مرور درس و از بین بردن اضطراب امتحان بسیار مفید است. از این روش می‌توان در دروس متفاوت استفاده کرد. مراحل پیشنهادی او برای اجرای این روش عبارتند از:

● **گام اول:** دانش‌آموزان مطالب و مواد آموزشی بخش مربوطه را مرور و نکات مهم را یادداشت می‌کنند. اولین مرور را دانش‌آموزان در خانه و قبل از کلاس انجام می‌دهند.

● **گام دوم:** معلم در کلاس از دانش‌آموزان می‌خواهد فهرستی از نکات مهم را به شکل بارش فکری بیان کنند. این فهرست کمک می‌کند همه دانش‌آموزان نکات مهم را مرور کنند. همچنین آشکار می‌کند که آن‌ها چه نکاتی را مهم می‌دانند. بعضی دانش‌آموزان ممکن است نکات دانشی را مطرح کنند و بعضی دیگر نکات مفهومی را. گاهی ممکن است نکاتی که دانش‌آموزان فهرست می‌کنند، با نکاتی که معلم در ذهن دارد، متفاوت باشند. این بهترین فرصت است تا معلم به شکل بهتری تأکید کند که دانش‌آموزان چه نکاتی را باید یاد بگیرند.

● **گام سوم:** معلم در کلاس بحث می‌کند که این نکات به چه طریقی ارائه شده‌اند. از راه‌های، نمایش، فیلم، توضیح معلم، بخشی از کتاب درسی، گردش علمی یا جست‌وجو در اینترنت. این گام به دانش‌آموزان یادآوری می‌کند که ممکن است نکات مهم درس به شکل‌های متفاوتی ارائه شده باشند.

● **گام چهارم:** معلم اصول مقدماتی تهیه آزمون را به طور خلاصه برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهد. هم‌چنین توضیح می‌دهد که چگونه سؤال‌های باز و بسته، گونه‌های متفاوتی از دانش را می‌آزمایند. بعد هم تأکید می‌کند که دستورالعمل‌ها و متن سؤال‌ها باید روشن باشند.

● **گام پنجم:** کلاس به گروه‌های پنج نفری تقسیم می‌شود. هر گروه با در نظر داشتن راهنمایی‌های گام قبلی، تقریباً هفت سؤال طرح می‌کند. ایده‌آل این است که دانش‌آموزان مخلوطی از سؤال‌های چندگزینه‌ای و تشریحی تهیه کنند البته نوع سؤال‌های دانش‌آموزان به آزمون‌هایی شسه است که قبلاً دیده‌اند.

● **گام ششم:** هر گروه محصول نهایی‌اش را به کلاس ارائه می‌دهد. هر گاه دانش‌آموزان گروه‌های دیگر، درباره سؤال‌های یک گروه، سؤالی داشته باشند اعضای گروه مربوطه پاسخ می‌دهند. در صورتی که گروه طرح‌کننده سؤال نتواند معنی از ابهامات را برطرف کند، معلم ملاحظه می‌کند و در صورت لزوم بعضی مفاهیم را آموزش می‌دهد.

● **گام هفتم:** معلم تمام سؤال‌های طراحی شده دانش‌آموزان را جمع می‌کند تا آزمون نهایی را بسازد. معلم می‌کوشد از سؤال‌های همه گروه‌ها استفاده کند. معکوس است معلمانی که برای اولین بار

از آزمون‌های طراحی شده توسط دانش‌آموزان استفاده می‌کنند. نخواهند کل آزمون را براساس سؤال‌های دانش‌آموزان طرح کنند. در این صورت بهتر است بار اول، ۵۰ درصد آزمون از سؤال‌های دانش‌آموزان تشکیل شود.

● **گام هشتم:** آزمون اجرا می‌شود. طرح سؤال باعث می‌شود که دانش‌آموزان محتوا را بارها به طور فردی و گروهی مرور کنند. یا این کار، فرصت مناسبی فراهم می‌شود که دانش‌آموزان برای هم نقش معلم را ایفا کنند و به هم کمک کنند تا بر محتوای درسی مسلط شوند. آن‌ها این کار را جدی می‌گیرند، چون مطمئن هستند که باید در این آزمون شرکت کنند. بعضی معلمان ممکن است از این موضوع نگران باشند که دانش‌آموزان به طور عمدی سؤال‌های آسان طرح کنند، ولی تجربه این معلم عکس آن بوده است. سؤال‌هایی که دانش‌آموزان طرح کرده‌اند، همواره از سؤال‌های طرح شده توسط معلم سخت‌تر بوده است. تنها مشکل این روش، وقت‌گیر بودن آن است. این معلم پیشنهاد می‌کند، این روش را حداقل یک بار در ترم انجام دهید، چون منافع آن برای یادگیری دانش‌آموزان، به مراتب ارزشمندتر از وقتی است که برای اجرای این روش از دست می‌دهیم.

**پی‌نوشت**

1. Brookhart S. M. (2009). The Many Meanings of "Multiple Measures" in Educational Leadership, Vol. 67, No.3, November 2009, www.ASCD.org  
 2. Smith Kari (2009). From Test Takers to Test Makers, in Educational Leadership, Vol. 67, No.3, November 2009, Ps (26- 30), www.ASCD.org

**طرح سؤال توسط دانش‌آموزان به روشی نظام‌مند، بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر زیادی دارد**

**سؤال‌هایی که دانش‌آموزان طرح کرده‌اند، همواره از سؤال‌های طرح شده توسط معلم سخت‌تر بوده است**



دکتر عبدالله سعیدنیا

# دانش با تجربه

کلیدواژه‌ها: دانش، تفکر، الگو

اشاره

در شماره قبل، به سه اصل جدید رسیدیم که با اصول ذکر شده در نوشتار اول، در تقابل کلی بود. این سه اصل عبارت بودند از:

۱. خود را از مقام مسئول آموزش کودکان بودن خلع کنیم.

۲. معلم بسیار مهم است، ولی نباید در آموزش نقش پررنگی داشته باشد. در عوض، در ایجاد زمینه برای یادگیری، نقش مهمی دارد.

۳. هر فرد با توجه به نیاز و شرایط شخصی خود یاد می‌گیرد.

در این شماره، به تلاش برای رسیدن به اصول جدید ادامه می‌دهیم.

راهنمای ما در یافتن این اصول، نگاه نوس - یا همان نگاه همسنگی ولی با توجهی جدید به انسان است که در شماره‌های قبل به آن تصریح شد و خلاصه‌اش این بود:

۱. انسان‌ها قنبره تفکر دارند.

۲. انسان‌ها قنبره انتخاب دارند.

۳. انسان‌ها به طور فیزیکی به دنبال کمال هستند.

۴. انسان‌ها می‌توانند با انگار بر سه سر وی بهترین راه را

برای خود بیابند.

۵. انسان‌ها ذاتاً پاک‌اند و به دنبال سکوقایی و سبن آن‌چه

یادشوند هستند.

۶. هر فرد بهترین تصمیم را بر بی خودش می‌تواند بگیرد.

با مرور دوباره این نگاه که مخالف نگاه فربه سابقه و

اثرانه است، می‌توانیم به اصول دیگری در آموزش برسیم. برای

مثال می‌توان گفت، آموزش‌ها باید بهترین تفکر را مهیا کنند آن‌که

سرفا دانش‌های آماده را به افراد بدهد اگر این اصل جدی گرفته

شود، به این معنی است که جمعاً در کلاس:

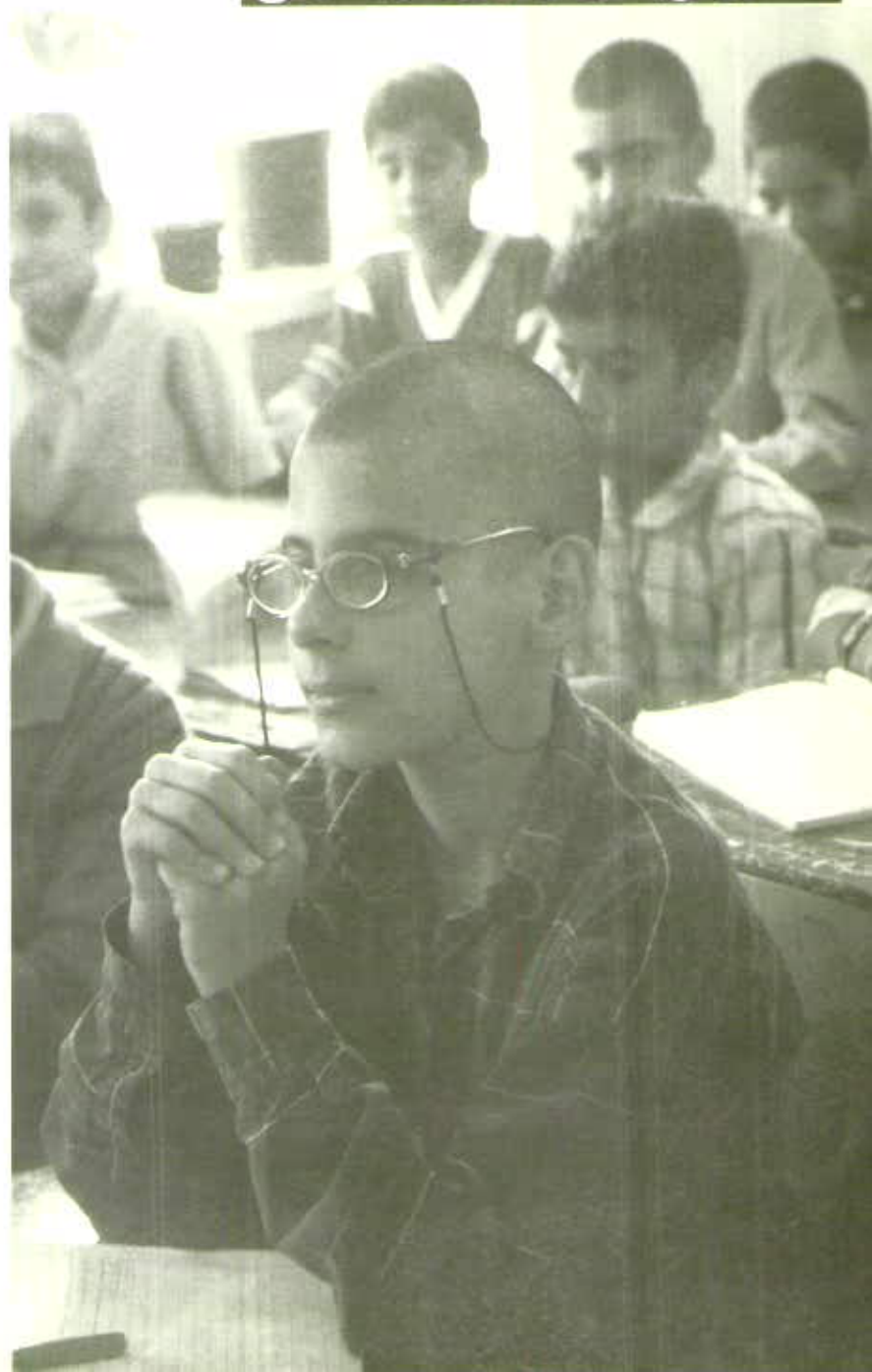
● تاریخ را حفظ نمی‌کنند و به سوالاتی مانند این که فلان اتفاق

کجا افتاد جواب نمی‌دهند.

● تعریف فلان را از بر نمی‌کنند و لازم نیست به آن‌ها تکریم فلان

ارو یا کدام است.

## نقد روش‌های جاری در مدارس





● لازم نیست تعریف بانک را بدانند و در امتحان اجتماعی انواع بانک را نام ببرند.

● لازم نیست اثبات قضیه فیثاغورس را در امتحان بنویسند.

● لازم نیست بتوانند انواع بلبلچه را با رسم شکل توضیح دهند.

### بلکه

● در مورد علت برخی پدیده‌های مورد علاقه طبیعی بحث می‌کنند.

● در مورد راه‌های کاهش آلاینده‌های محیطی تحقیق می‌کنند.

● در مورد نوع فرهنگ‌های جوامع نظر می‌دهند.

● در مورد قوانین فیزیک بحث می‌کنند و برای فهم آن‌ها دست به آزمایش می‌زنند.

● در مورد نحوه اندازه‌گیری حجم اجسام جامد روش‌هایی را پیشنهاد می‌دهند.

این فهرست که نوعاً با موضوعات اهداف درسی معمول تفاوت زیادی دارد، می‌تواند بسیار فراگیر باشد در دنیای امروز، دانش، پیش پا افتاده‌ترین کالای آموزشی است و هر کسی می‌تواند به راحتی به آن دست یابد. تمرین تفکر از این جهت ضروری است که ابزار تشخیص انسان است و هر چه بیشتر باید قریه شود. لذا به جای انباشتن ذهن فراگیر از دانش‌ها که نتایج آماده و دست‌یخت دیگران است، هنر تولید دانش را باید فرا بگیرد. بدون تمرین تفکر و قریه شدن قدرت تشخیص، قدرت انتخاب نیز بیهوده خواهد بود.

در این جا به مناسبت، به برداشتی نادرست از دیدگاه نگارنده، ولی بسیار پذیرفته شده اشاره می‌شود که امید است در این نکته خاص، نقلیهایی از طرف خوانندگان دریافت شود. وقتی از تمرین تفکر و تقویت قدرت منطق و استدلال صحبت می‌شود، معمولاً به اموختن ریاضی و هندسه توصیه می‌شود. این توصیه باسخی هم برای معلمانی فراهم می‌کند که در برابر این پرسش بچه‌ها که «این مطالب سخت ریاضی به چه کار ما می‌آید؟ ما که نمی‌خواهیم مهندس شویم!» (هر چند که بسیاری از مطالب ریاضی متوسطه، حتی به درد برخی مهندسان هم نمی‌خورد)، جوابی ندارند.

به نظر می‌رسد که تقویت تفکر، هیچ رابطه‌ی یکاکی با ریاضی و هندسه ندارد. قدرت تفکر می‌تواند در همه علوم تقویت شود و تنها به نوع کاری که در آن علم انجام می‌شود، ارتباط دارد. در جامعه‌شناسی، باستان‌شناسی، جغرافی و... می‌توان به صورت تحلیلی وارد شد و تفکر در آن را تمرین کرد. وقتی به بررسی دلایل تشکیل تمدن‌ها می‌پردازیم، شیوه‌های جدید یافتن آثار پیشینیان را ارائه می‌دهیم، و وقتی به تشخیص انواع آب و هوا می‌پردازیم، قدرت تفکر در حال تمرین است.

یکی از اصول پذیرفته شده در نظام حاضر که در نگاه جدید دچار تغییر می‌شود، اصل الگو دهی است. این موضوع عمدتاً پذیرفته و تأکید می‌شود که «معلم باید کاری کند تا بچه‌ها او را دوست داشته باشند الگوی آن‌ها شود. احساس احترام بچه‌ها را برانگیزد، اینبت داشته باشد و در او احساس شکوه کنند.» تجربه شخصی ما نیز از معلمان خوب در گذشته، احتمالاً با این احساس مترادف است که: «آن قدر اینبت داشت که همواره نرسی همراه با احترام در ما ایجاد می‌کرد تا جایی که مشکل می‌شد تصور کرد او هم مثل ما غذا می‌خورد، می‌خوابد، دست‌شویی می‌رود.» اما این موضوع، نوعی تأثیر شدید روی انسان‌ها می‌گذارد که مانع قدرت تشخیص و

انتخاب است. شخصیت‌های کارزماتیک (قره‌مند) همواره در تاریخ انسان‌هایی را به دنبال خود کشیده‌اند که عمدتاً بدون تفکر، از دیدگاه آن‌ها پیروی می‌کرده‌اند.

بنابراین، در نگاه جدید باید از الگو دهی، الگوپذیر کردن و دنباله‌رو کردن بچه‌ها پرهیز و در عوض آن‌ها را به انتخاب آزادانه و بر مبنای تشخیص خود و رها شدن از دنباله‌روی احساسی تشویق کرد.

بر این مبنای، باید در کلاس درس، اتفاقات متفاوتی نظیر آنچه در پی می‌آید، رخ دهند:

- معلم از وابسته کردن بچه‌ها به خود (از لحاظ عاطفی) بپرهیزد.

- معلم از ایجاد تصورات غیرواقعی از خود یا حتی ذکر برخی واقعیات که او را در ذهن بچه‌ها بیش از حد بزرگ می‌کند، خودداری کند.

- معلم رضایت شخصی خود از بچه را عامل تشویق و تنبیه او برای درس خواندن قرار ندهد.

- معلم از دادن اطلاعات بسیار جهت‌دار، مخصوصاً اگر بچه زیاد به او عواطف نشان می‌دهد، خودداری کند.

- مدرسه از محدود کردن بچه‌ها برای ایجاد ارتباط با معلمان و یا مربوط کردن بسیاری از مسائل دانش‌آموز به یک معلم خودداری کند.

- مدرسه از محدود کردن بچه‌ها برای ارتباطات بیرون از مدرسه و دادن احساس برتری زیاد مدرسه بر افراد بیرون خودداری کند.

احتمالاً به اندازه کافی متعجب و شگفت زده شده‌اید! اگر این شیوه را با روش جاری در تناقض ببینید طبیعی است. اما اگر به ذهن شما می‌آید که این اصل با روش اشاره شده در قرآن که «برای شما در رسول اکرم الگوی حسنه‌ای قرار دادیم» تناقض دارد، باید گفت که نه تنها چنین نیست، بلکه این آیه و سنت دینی، تأکیدی است بر این اصل، زیرا قرآن رسول خدا را الگو قرار داد، یعنی این که مانند رسول خدا باشیم که بر همه الگوهای تحمیلی و قدرتمند زمان خود تردید کرد و نهایتاً به تشخیص عقل خویش آن‌ها را بی‌اهمیت شمرد.

علاوه بر این، این آیه می‌گوید که رسول خدا اسوه حسنه است. اما تشخیص این که او رسول است را به تشخیص عقل واگذارده است (همان گونه که فقه به اتفاق تأکید دارد که اصول دین تقلیدی نیست)، وقتی به قدرت عقل تشخیص دهیم که فردی رسول خداست، کدام انتخاب آزادانه‌تر از تبعیت از اوست؟

در این جا برای جلوگیری از سوء تفاهم لازم است توجه شود که آنچه در این نوشتار از آن نهمی می‌شود ایجاد الگو و الگوپذیر کردن کودکان است نه الگوگیری و الگوپذیری.

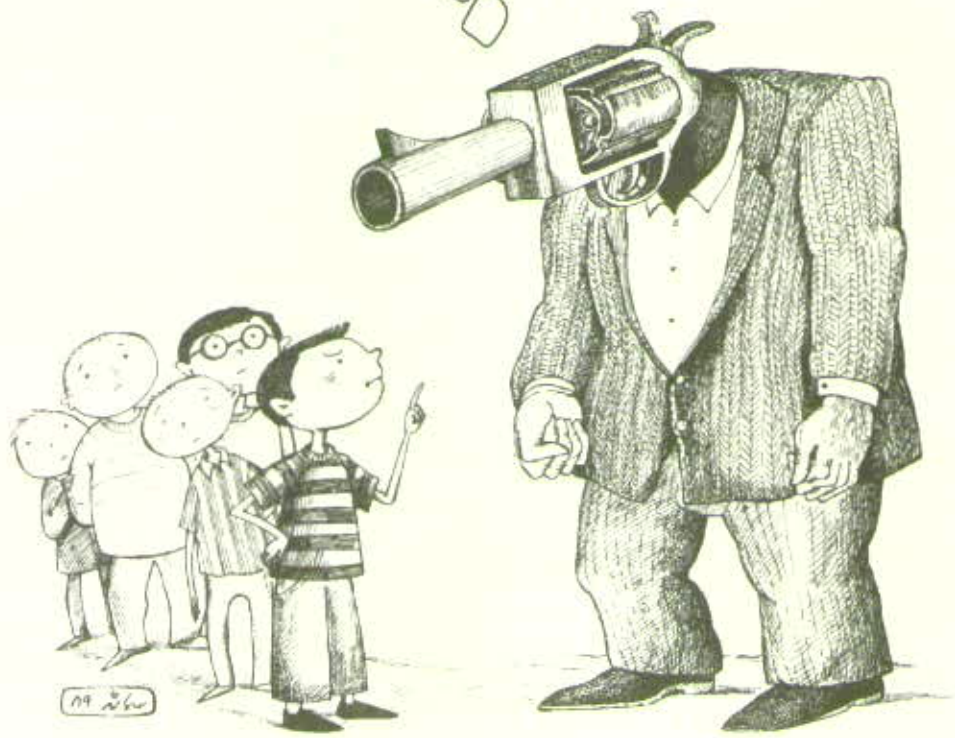
الگوگیری رفتاری طبیعی در انسان است که در یادگیری مهارت‌ها، زبان، و بسیاری دیگر، نقش مهمی دارد. انسان با توجه کردن به رفتار دیگران، به طور طبیعی از برخی افراد و رفتارها که برایش حالب است و آن را می‌پسندد، الگو می‌گیرد. نکته نظری که در این جا مورد نظر است ایجاد فضایی برای فرد است که به تبعیت از الگو بدون تفکر، تحلیل، و انتخاب می‌انجامد.

### منابع

1. Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1985) Intrinsic motivation and self-determination in human behavior. New York: Plenum.  
2. مجیدی، اردوان. نظام برتر، آینده آموزش و آموزش آینده. نشر ترمه.

بدون تمرین تفکر و قریه شدن قدرت تشخیص، قدرت انتخاب نیز بیهوده خواهد بود

# مرد در کلاس



س. ۱۹۹

بج تخی کرد و گفت: «عجب، عجب، عجب! بچه هنوز دهانش بوی شیر می‌دهد، آن وقت برای من شعار سناسی می‌نویسد، آن هم به این بزرگی و واضحی و روشنی!»  
 همه آن‌هایی که همراه آقای مدرس بودند، تا یک حرکت هماهنگ کردن گشیدند و زل زدند به نخته ساه، آقای برتاش که کت و شلوار آنو کشنده‌ای پوشیده، کراوات بسته، عنکب دودی به چشمانش زده و خیلی هم آجر کرده بود، با انگشانش بیج و تابی به سبیل‌هایش داد و سا کتابه به آقای مدیر گفت: «واسه شما نوشته‌اند، این کار بوهن به ۲۵۰۰ سال پادشاهی ایران است!»

یک‌دفعه تمام مایه‌ها بر از همه‌ی و شامه شد، مثل این که بمب منفجر شده باشد، همه فهمیدند که نوی کلاس ما چه اتفاقی افتاده است، یک نفر از خدا یا خیر! با خط ترشت وسط نخته ساه نوشته بودت «مرگ بر شاه».  
 بچه‌ها که تازه وارد کلاس شده بودند، هاج و واج به نخته نگاه می‌کردند، هنوز در تکابوی نشستن سر جواهرتشان بودند که ناگهانی آقای مدیر و ناظم و چند نفر از معلم‌ها ریختند داخل کلاس! همه آن قدر کنجکاو و آشفته بودند که فرصت نریا و نرجانیش نیامد، آقای مدیر عینکش را روی چشمانش جابه‌جا کرده و با دقت زل زد به بچه و با یک دست روی دست دیکرش کوبید و با نااستف فریادش زیر لب



**آقا رحمت**، سراینده مهربان مدرسه که تازه از راه رسیده بود، از روی تمسخر نگاهی به آقای پریشان انداخت. آخر آقای پریشان توی آن شلوغی‌ها و تظاهرات، همواره سعی می‌کرد که خودش را از عوامل رژیم معرفی کند با حرکات و حرف‌هایش می‌خواست به همه بگوید که در میان عوامل شاه نفوذ دارد و به قول خودش کارهای است و اخبار و اطلاعات خرابکاری‌ها را به مأموران حکومت شاه می‌دهد مدام زست می‌گرفت و سر هر کلاسی که می‌رفت، برای خودش آرد می‌داد و الدرهم بلنرومی راه می‌انداخت که بیا و ببین! شاید هم رفت و آمدی در ساواک داشت، اما زیادی به خودش می‌بالید.

آقا رحمت بعد از این نگاه سنگین، گفت: «مرد حساسی، این حرف‌ها کدام است؟ چرا شلوغش می‌کنی. پاک کنید بروید پی کارش.»

و رفت سمت تخته که ناگهان آقای پریشان فریاد زد: «دست نزن! می‌خواهی سبک جنایت را پاک کنی؟ می‌خواهی آخر عمری شریک جرم چهار تا اوباش شوی؟ باید تکلیف کسی که این جمله خانمان برانداز را نوشته است، معلوم شود.»

آقای مدیر که معلوم بود خیلی دلش می‌خواست ماجرا ختم به خیر شود و همه چیز در مدرسه‌اش به روال عادی برگردد و نه سیخ بسوزد و نه کباب، با حالتی توأم با خواهش، رو به آقای پریشان کرد و گفت: «ای آقا! حالا یک کسی نادانی کرده و یک چیزی نوشته. آقا رحمت بپراه هم نمی‌گوید، پاک می‌کنیم و...»

آقای پریشان از کوره در رفته دوباره فریاد زد: «آقای محترم، این حرف‌ها کدام است؟ از کجا معلوم که اگر امروز این جمله وقیح را پاک کردید، فردا دوباره چیزی نویسند؟ این موضوع باید ریشه‌ای حل شود باید نویسنده این جمله خانمان برانداز مشخص شود و به اشد مجازات برسد تا برای دیگران درس عبرت شود. اگر این کار را نکنید من تمام جریان را گزارش می‌کنم!»

یکی از معلم‌ها گفت: «آقای پریشان شما موضوع را خیلی بزرگ کرده‌اید احتیاجی به این پلیس بازی‌ها نیست. اگر دوباره نوشتند، بروید گزارش کنید.»

آقای پریشان گفت: «تخم مرغ دزد، شتر مرغ دزد می‌شود! این شخص باید پنداشته شود، و گرنه فردا پدر و مادرش هم می‌روند توی کوچه و خیابان شعار می‌نویسند!»

شاگردها با تعجب به این جر و بحث گوش می‌دادند بعضی‌ها حساسی ترسیده بودند. آقای پریشان برای این که خیال همه را راحت کند گفت: «من این ماجرا را به پاسگاه گزارش داده‌ام، باید صورت جلسه‌ای بنویسیم و برای آن‌ها ببریم؛ و گرنه همه ما شریک جرم محسوب خواهیم شد!»

آقای مدیر کمی ترسید گفت: «ها از جهل تا دانش آموز که نمی‌توانیم اقرار و اعتراف بگیریم.»

می‌توانیم! می‌گیریم!

چه طوری؟ آن‌ها را فلک کنیم؟

آقای پریشان عینکش را برداشت و نگاه شیطنت‌آمیزی به بچه‌های کلاس انداخت و گفت:

«من خودم ختم این کارها هستم، می‌دانم چه طوری نویسنده این جمله سیاه و زشت را پیدا کنم.»

چه طوری؟

«صبر کنید همین حال خواهید دید!»

همه منتظر بودند که ببینند آقای پریشان چه ترفندی به کار خواهد گرفت. و او ناگهان حرفی زد که همه تعجب کردند:

«الان تمام این دانش آموزان، یکی یکی می‌آیند پای تخته و یک جمله می‌نویسند و می‌روند از روی دست خط‌ها، به راحتی می‌فهمیم نویسنده این شعار زشت کیست!»

آقای پریشان از عمد این حرف را زد تا بلکه قبل از اجرای برنامه‌اش، دانش آموزی که شعار را نوشته است، خودش را معرفی کند با تهدید گفت: «کسی که این کار را کرده است، مثل یک مرد خودش را معرفی کند» اما وقتی که دید کسی این کار را نکرد، برنامه‌اش را شروع کرد معلم‌هایی که داخل کلاس بودند، زیر لب غر می‌زدند:

«یعنی چی آقا؟ مگر این جا پاسگاه است یا اداره پلیس؟»

«حالا مگر چی نوشته‌اند؟ سرتاسر کوچه و خیابان پر از این حرف‌هاست.»

اولین دانش آموز پای تخته رفت:

«آقای اجازه؟ چی بنویسیم؟»

«من چه می‌دانم، بنویس شوهر عمه من آدم خوبی است!»

دانش آموز نوشت، اما دست خط او هیچ شباهتی به شعار روی تخته سیاه نداشت، دانش آموز دوم رفت. او هم زیر نگاه سنگین آقای پریشان، با ترس جمله‌ای نوشت و سر جایش نشست.

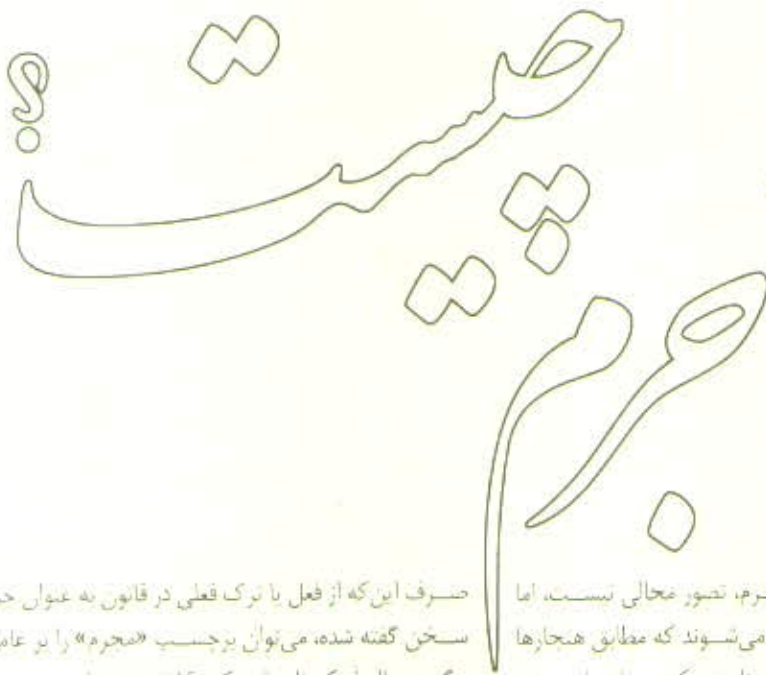
نفر سوم هم رفت دستش می‌لرزید خط او هم بی‌ربط بود. بچه‌ها همگی سر به زیر انداخته بودند. نفر بیست و یکم هم رفت. او هم سوزۀ مورد نظر آقای پریشان نبود. توبت به مهدی رسید آرام به سمت تخته سیاه رفته مثل یک مرد قدم برمی‌داشت. گنج را در میان انگشتانش گرفت و شروع به نوشتن کرد.

ناگهان همه جا پر از زمزمه شد. مهدی در میان بهت و حیرت همه، درست مثل همان جمله را در گوشه دیگر تخته نوشته در مدت چند ثانیه، همه چیز روشن شد. مهدی، همانی بود که آن شعار را نوشته بود.

آقای پریشان دود از کله‌اش بلند شد دندان‌هایش را چنان به هم فشرد که انگار خرد شدند مشت‌هایش را گره کرد و مثل یک حیوان وحشی، به طرف مهدی حمله کرد.

عده‌ای سعی کردند جلوی او را بگیرند. هیاهو و شلوغی عجیبی پیش آمد. بچه‌های کلاس که از زیر آن سکوت وحشتناک خلاص شده بودند، جیغ و داد می‌زدند و سوت می‌کشیدند. آقای پریشان داد می‌زد و به هر کس که جلوی‌اش سبز می‌شد حمله می‌کرد!

وسط آن شلوغی، آقا رحمت، با زیرکی مهدی را از زیر دست و پا نجات داد و به سرعت او را از مدرسه خارج کرد.



دکتر محمدعلی شامانی



صرف این که از فعل یا ترک فعلی در قانون به عنوان جرم سخن گفته شده، می توان برچسب «مجرم» را بر عامل برگزید، حال آن که تا زمانی که تکلیف جرم یا بزه نسبت داده شده، در دادگاه مشخص نشود، عنوان مجرمانه نخواهد داشت. و برخی مناسبانه «متهم» را مترادف با «مجرم» می یابند که از خطاهای رایج گفتاری و نوشتاری ماست. برای مثال، نمونه ای از جرایم در قانون مجازات اسلامی را بیان می کنیم؛ جعل مدارک اشغال به تحصیل یا فارغ التحصیلی یا تأییدیه یا ریز نمرات تحصیلی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی جرم است. ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی: «هر کس مدارک اشغال به تحصیل یا فارغ التحصیلی یا تأییدیه یا ریز نمرات تحصیلی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی داخلی یا خارج از کشور یا ارزش نامه های تحصیلی خارجی را جعل کند، یا با علم به جعلی بودن، آن را مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جرمان خسارت، به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.» و یا ماده ۵۴۱ قانون مجازات اسلامی که مقرر می دارد: هر کس به جای داوطلب اصلی هر یک از آزمون ها، اعم از کنکور، ورودی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی، دانش سراها، مراکز تربیت معلم، اعزام دانشجو به خارج کشور یا امتحانات داخلی و نهایی واحدهای مربوط، یا امتحانات دبیرستانی مدارس راهنمایی و هنرستان ها و غیره، در جلسه امتحان شرکت نماید، حسب مورد، مرتکب داوطلب، علاوه بر مجازات اداری و انتظامی، به جزای نقدی محکوم خواهد شد.

تصور جامعه بدون جرم، تصور محالی نیست، اما همواره در جامعه افرادی پیدا می شوند که مطابق هنجارها و ارزش های پذیرفته شده رفتار نمی کنند و نافرمانی بیشه می کنند. این رفتارها، زمینه برخورد و تراجم را در جامعه ایجاد می کنند.

تردیدی نیست که پایه و اساس بقای جامعه انسانی، در گرو آرامش، امنیت و صلح است.

هر گاه عملی امنیت عمومی، حیات، شرافت و آزادی فردی و اموال دیگران و... را مورد تعرض قرار دهد، جامعه دچار التهاب و آسیب خواهد شد.

از همین رو، برای ایجاد امنیت در جامعه، اعمال ممنوعه (جرایم) در آن با دقت تعریف شده اند و مجازات هایی برای مرتکبین آن ها در نظر گرفته شده اند.

گاه این جرایم آن قدر ساده به نظر می آیند که ما هرگز از درجه جرم به آن ها نگاه نمی کنیم. همه ما کم و بیش درباره جرایم خوانده یا شنیده ایم. به راسی جرم چیست؟ چه موقع یک عمل جرم است؟ در حقوق کیفری ایران، «هر فعل یا ترک فعل که مطابق قانون، قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، جرم محسوب می شود و هیچ امری را نمی توان جرم دانست، مگر به موجب قانون برای آن مجازات و یا اقدامات تأمینی یا تربیتی تعیین شده باشد.» و البته اصل سی و ششم قانون اساسی تصریح کرده است، هیچ عملی جرم نیست، مگر قانون آن را جرم شناخته باشد و هم چنین هیچ مجازاتی قابل اعمال نیست، مگر آن که قانون آن را تصریح کرده باشد.

پس در صورتی می توان عملی را جرم دانست که قانون آن را جرم دانسته باشد. بسیاری از مردم گمان می کنند به

بی نوشت

۱. ماده ۲. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۶۱



# فقدان

## شور و نشاط در کلاسی

معصومه لایموت  
دبیر منطقه ۱۱ تهران

چکیده یک گزارش اقدام پژوهی

کنم؛ به شخصیت بچه‌ها بپردازم؛ با دانش آموزان و خانوادشان ارتباط خوب برقرار سازم؛ اعتمادبه‌نفس بچه‌ها را تقویت کنم؛ از روش‌های تدریس فعال استفاده کنم؛ دانش آموزان را در امر تدریس مشارکت دهم؛ هنگام خستگی، چند حرکت نرمشی و کششی در کلاس انجام دهم؛ همراه با دانش آموزانم در نماز جماعت شرکت کنم؛ بچه‌ها در درس انشا، نقاشی انشایی را که می‌نویسند، بکشند؛ بچه‌ها را به اردوها و پارک‌های اطراف مدرسه ببرم تا انرژی آن‌ها تخلیه شود.

### میزان تاثیرگذاری راه‌حل

پس از اجرای راه‌حل‌های ذکر شده، دانش آموزان مدرسه شور و نشاطشان بیشتر شد. یادگیری آنان افزایش



یافت. با شور و شعف در کلاس درس حاضر شدند و در بحث‌ها فعالانه شرکت داشتند.

### میزان اعتبار راه‌حل

نتایج به دست آمده نشان داد روش‌های به کار رفته، مثبت بود و باعث بهبود فعالیت‌های تدرسی و پرورشی و ورزشی دانش آموزان شد. همه اولیای مدرسه و دانش آموزان با توجه به شور و نشاط حاکم در مدرسه، در طول سال رضایت کامل داشتند. در فرم نظرسنجی هم که در اردیبهشت ماه به دانش آموزان داده شد، فریب به ۸۰ درصد آن‌ها در ردیف «ایجاد شور و شوق در کلاس و مدرسه» خیلی زیاد را علامت زدند و این حاکی از موفقیت طرح بود.

### مسئله مورد بررسی

چگونه توانستم با استفاده از شیوه‌های تکریم شخصیت، برقراری ارتباط عاطفی و شور و نشاط را در ساعات ادبیات در بین دانش آموزان افزایش دهم و آن‌ها را به فعالیت‌های بیشتر درسی تشویق کنم؟

### توصیف مسئله

در ابتدای سال تحصیلی ۸۹-۸۸ متوجه شدم برخی از دانش آموزانم شور و نشاط یادگیری درس را ندارند و چه بسا اگر به همین روال پیش می‌رفت، دچار افت تحصیلی می‌شدند. لذا تصمیم گرفتم پژوهش و بررسی کنم که به راستی چرا بعضی از شاگردان شور و شعف اموختن درس را ندارند و نمی‌توانند درس را بهتر فرا بگیرند؟

### جمع‌آوری اطلاعات

با مدیر مدرسه و همکاران مشورت کردم و برای جمع‌آوری اطلاعات، قرار شد جلسات پایه‌ای تشکیل دهم و دبیران هر پایه را در جریان زندگی خانوادگی بچه‌ها قرار دهم. دانش آموزان مسئله‌دار (از لحاظ خانوادگی، عاطفی و اقتصادی...) شناسایی شدند. دعوت از اولیای دانش آموزان هم در جمع‌آوری اطلاعات کمک زیادی به ما کمک کرد.

### شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد مسئله

علل فقدان شور و نشاط در کلاس‌ها: الف) وجود مشکلات خانوادگی؛ ب) ارتباط خوب برقرار نکردن با دبیر؛ ج) عدم علاقه دانش آموزان به درس؛ د) سحرخیز نبودن دانش آموزان؛ و) خجالتی بودن دانش آموزان؛ ه) وضعیت نامناسب کلاس و...

### تفکر و جست‌وجو برای پیدا کردن راه‌حل و

### اجرای آن

با توجه به تجربیات ۲۰ ساله تدریس و نیز با استفاده از همفکری همکاران و دوستان و مطالعاتی که در زمینه‌های گوناگون آموزشی و پرورشی داشتم، به این نتایج رسیدم که باید سعه صدر داشته باشم و با توکل به خداوند راهکارهایی را اجرا

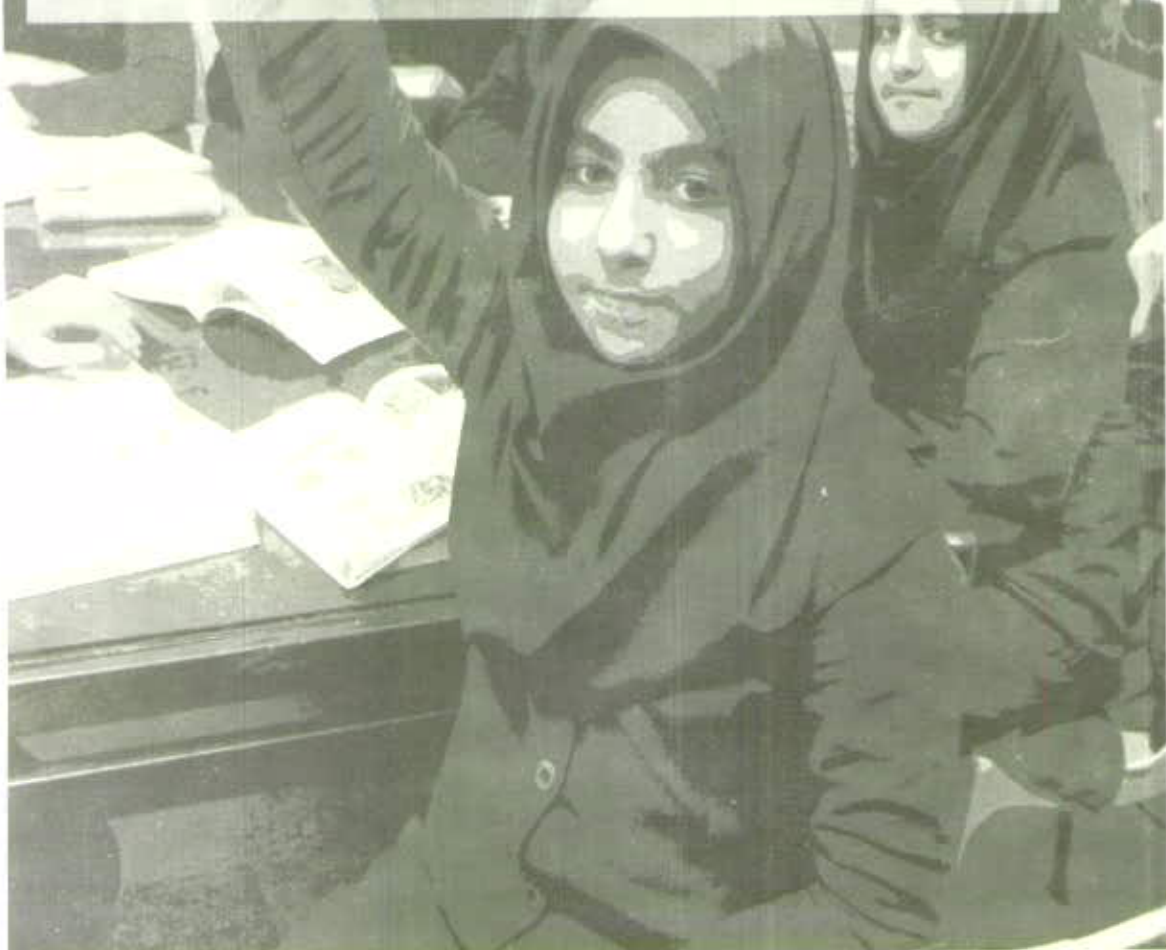
ترجمه: معصومه خیرآبادی

# پر حرفی در کلاس

کلیدواژه‌ها: صحبت کردن، کلاس، دانش‌آموزان.

## اشاره

معمولاً معلمان از حضور دانش‌آموزان پر حرف در کلاس درس شکایت می‌کنند. بعضی از دانش‌آموزان به جای توجه به مطالب درسی یا انجام تکالیف کلاسی، مرتب دربارۀ مسائل غیرمرتبط صحبت می‌کنند. در کنترل این پدیده، واکنش معلم هنگامی که متوجه می‌شود دو نفر از دانش‌آموزان مشغول صحبت کردن دربارۀ موضوعی غیردرسی هستند، بسیار مهم است. در این نوشته کوتاه، توضیحاتی در این باره داده شده است.





با سرعت داشته باشد، برای دانش‌آموزانی که قانون‌شکنی می‌کنند، جریمه‌های منطقی و متناسب در نظر بگیرید. بسیاری از معلمان تصور می‌کنند با تأکید بر این گونه قوانین، محبوبیت خود را بین دانش‌آموزان از دست خواهند داد، اما واقعیت چیز دیگری است. دانش‌آموزان به خاطر وضع و اجرای این قانون در کلاس شما را تحسین خواهند کرد، زیرا این کار به آن‌ها اطمینان می‌دهد که در کلاس شما تبعیض وجود ندارد و همگی به میزان برابر می‌توانند در فرایند یادگیری مشارکت داشته باشند. این کار هم چنین الگویی را برای کارهای گروهی بدون حضور معلم به دانش‌آموزان ارائه می‌کند که برای حضور آن‌ها در اجتماع بسیار مؤثر است. بدون شک، اگر دانش‌آموزان متوجه شوند شما سعی دارید از حق آن‌ها حمایت کنید تا بدون مزاحمت مطالب درسی را یاد بگیرند، بیش از گذشته با شما همراهی خواهند کرد. بنابراین، لازم است برای آن‌ها توضیح دهید که شما مسئول ایجاد محیط مناسب برای یادگیری آن‌ها هستید نه خودشان.

بسیاری از معلمان بر حرفی را عامل هرج و مرج می‌دانند و یا آن به شدت برخورد می‌کنند. این گونه برخوردها می‌تواند دانش‌آموزان را به انزوا بکشاند و بر یادگیری تأثیر منفی بگذارد.

بعضی از معلمان این رفتار را نادیده می‌نگارند و واکنش محدودی در مقابل آن نشان می‌دهند. اگرچه صحبت نکردن دانش‌آموزان در کلاس، نشانه نداشتن تمایل به مشارکت و یادگیری است، اما به همان نسبت، صحبت کردن بدون اجازه نیز به اتلاف وقت منجر می‌شود. یادگیری دانش‌آموزان دیگر را مختل و برای معلم و کلاس ایجاد مزاحمت می‌کند. حتی ممکن است صحبت کردن بیش از اندازه درباره مطالب درسی هم به بی‌نظمی منجر شود و حق دانش‌آموزان دیگر را صایع کند. صحبت کردن بدون اجازه و آزادانه در کلاس درس، مانند رانندگی کردن یا اتومبیلی فرسوده است که به حرکت درمی‌آید، ولی هرگز به سرعت مطلوب نمی‌رسد. این رفتار، صرف‌نظر از نقش بازدارنده‌ای که در یادگیری دارد، نوعی بی‌ادبی هم محسوب می‌شود.

می‌توان از تمایل دانش‌آموزان به صحبت کردن، به عنوان فرصتی برای بحث‌های کلاسی و مشارکت آن‌ها در مطالب درسی استفاده کرد. هنگامی که تعداد زیادی دانش‌آموز در کلاس حضور دارند، تنها راه مطمئن برای اجرای عدالت این است که از آن‌ها بخواهید برای صحبت کردن دست خود را بلند کنند و اجازه بگیرند. هر یک از دانش‌آموزان حق دارند در کلاس مشارکت داشته باشند و همگی باید به میزان برابر به بحث‌های کلاسی دسترسی پیدا کنند. نه این که تنها دانش‌آموزان برون‌گرا، پرتکاپو و مهاجم‌تر این امکان را به دست آورند.

این معلم است که تصمیم می‌گیرد چه موقع، هر چند وقت یک بار و هر وقت به چه میزان باید به دانش‌آموزان اجازه صحبت کردن بدهد. در صورتی که اجازه گرفتن در کلاس شما به عنوان یک قانون تعریف نشده است، پیشنهاد می‌شود آن را بین دانش‌آموزان نهادینه کنید و اگر این رفتار بخشی از برنامه شما برای مدیریت کلاس است، باید مانند قوانین دیگر بر اجرای آن پافشاری کنید. اگر می‌خواهید کلاس درس شما مانند ماشین مسابقه، حرکتی یکنواخت و

می‌توان از تمایل دانش‌آموزان به صحبت کردن، به عنوان فرصتی برای بحث‌های کلاسی و مشارکت آن‌ها در مطالب درسی استفاده کرد

#### منبع

۱. مطلب ذکرشده بخشی از نظرات مایکل لینسین و برگرفته از سایت [www.smartclassroommanagement.com](http://www.smartclassroommanagement.com) است. مایکل لینسین نویسنده کتاب «کلاس رویایی: چگونه رفتار هر یک از دانش‌آموزان در کلاس درس را آن گونه که می‌خواهید تغییر دهید؟» است که در سال ۲۰۰۹ به چاپ رسیده و برنده جایزه شده است. وی در دو دهه گذشته تدریس در تمامی سطوح (از پیش‌دبستانی تا متوسطه) را تجربه کرده و در رشته مشاوره آموزشی مدرک کارشناسی ارشد دارد.

#### پی‌نوشت

1. Dream Class How to Transform Any Group Of Students Into the Class You've Always Wanted



# یادگیری مشارکتی با

# وبلاگ



سپیده شهیدی

## استفاده از وبلاگ، افراد دیگری را نیز در امر آموزش درگیر می‌سازد

همان‌گونه که پیشتر بر شماره سند وبلاگ برار قدرتمندی است که این امکان را فراهم می‌آورد، با هزاران نفر عقاید یا دانشه‌های خود را در آن بیان کنند و هزاران نفر دیگر این مطالب را بخوانند تا به آن‌ها پاسخ دهند. در واقع، در وبلاگ نویسنده و خواننده وارد نوعی فضای بحث آزاد می‌شوند که می‌تواند برای هر دو نفر و سایر افرادی که مباحث را دنبال می‌کنند، بسیار مفید باشد.

هنگامی که مطالب درستی تک کلاس در وبلاگ آموزش به اشتراک گذاشته می‌شود، علاوه بر این که دانش‌آموزان و معلمان همان کلاس یا مدرسه، درگیر مباحث آموزشی می‌شوند، افراد دیگری هم در فضای وب، به فراخور سلیقه خود، از این بحث‌ها استفاده می‌کنند. برای مثال، ممکن است معلم دیگری از مدرسه، به‌تر یا روشی دیگری وارد فضای وبلاگ شود و مطالب مطرح شده، پاسخ‌گویی سوالات او یا دانش‌آموزان او نیز باشد، چرا که بسیاری از مشکلات آموزشی در نقاط متفاوت یکسان است. از سوی دیگر، همان معلم ممکن است دیدگاه‌ها یا نظرات متفاوت و درستی را بیان کند که به ذهن معلم بیداورنده وبلاگ یا دیگر دانش‌آموزان خطور نکرده باشد. سایرین، از این طریق بومی انتقال تجربه و به اشتراک‌گذاری دانشه‌ها بین افراد ایجاد خواهد شد.

علاوه بر این ممکن است ورود سایر افراد که در میان آن‌ها افراد آگاه، متخصص یا با تجربه نیز وجود داشته



### اشاره

در شماره پیش گفتیم، استفاده از وبلاگ باعث می‌شود تا در حین پیشرفت دانش‌آموز، اشتباهات او نیز تصحیح شود و چون تصحیح این اشتباهات در وبلاگ ثبت می‌شود و برای دانش‌آموز قابل دسترسی است، احتمال این که دوباره همان اشتباه تکرار شود، کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، روند تغییرات دانش‌آموز، به صورت تدریجی در وبلاگ ثبت و ضبط می‌شود و برای معلم، دانش‌آموز یا والدین او به راحتی قابل دسترسی و استناد است. همچنین چون در بسیاری از محیط‌های رسمی، برای دانش‌آموز تنش و اضطراب ایجاد می‌شود، ممکن است یادگیری او دچار اختلال گردد. در وبلاگ می‌توان با رعایت برخی حدود و شرایط، فضا را کمی غیررسمی‌تر کرد تا دانش‌آموز با احساس راحتی بیشتری مطالب را بیاموزد و سوالات خود را طرح کند.



باشد. باعث پرمحتواتر شدن فضای وبلاگ شود و در نتیجه مستأفان یادگیری بیشتری به سمت وبلاگ جذب شوند و محیط آموزشی و تعاملی مناسبی در آن به وجود آید البته در این جا نقش معلم به عنوان مدیر وبلاگ برای بررسی مطالب و تشخیص درست یا نادرست بودن آن ها بسیار مهم است. همچنین از طریق ایجاد وبلاگ، سایر مسئولان مدرسه مانند مشاور، معاون و مدیر نیز می توانند در جریان روند آموزشی کلاس قرار گیرند و درباره جنبه های درسی یا حتی غیردرسی دانش آموزان اطلاعاتی را کسب کنند. وبلاگ در کلاس های درس را به روی سایر اولیای مدرسه باز می کند و دست اندرکاران امور آموزشی مدارس می توانند نوعی گزارش دانی آن لاین را از دانش آموزان و روند کار آن ها در کلاس ها داشته باشند. در نتیجه، مسائل آموزشی مربوط به هر دانش آموز، به طور دقیق تری قابل پی گیری خواهد بود.

## وبلاگ، امکان استفاده از ابزارهای چندرسانه ای را آسان تر می کند

اهمیت استفاده از ابزارهای چندرسانه ای (عکس، فیلم، صدا، انیمیشن و...) در امر آموزش، بر کسی پوشیده نیست. غالب انسان ها برای آن که مطلبی را بهتر و عمیق تر بیاموزند، نیازمند آن اند که تصویر ذهنی درستی از آن برای خود پدید آورند؛ تصاویری که برداشت های ذهنی اشتراعی را که بعضاً با واقعیت فاصله زیادی دارد، تصحیح کند. این موضوع در آموزش درس ها به دانش آموزان از اهمیت بیشتری برخوردار است، چرا که در بسیاری موارد ممکن است این اولین باری باشد که آن ها با موضوع مورد بحث برخورد می کنند و چنان چه تصویر اشتباهی در ذهن آنان نقش بندد، جعبه تصحیح این اشتباه نیازمند صرف وقت و هزینه های بسیار زیادی باشد. از این رو بهتر است در همان ابتدای تدریس هر موضوع، با استفاده از ابزارهای چندرسانه ای، مانع از بروز چنین خطاهایی در ذهن دانش آموزان شویم.

در گذشته، نباید دسترسی به ابزارهای چندرسانه ای بسیار سخت و مستلزم پرداخت هزینه های زیاد بود، اما امروزه با ظهور اینترنت، به راحتی و در بسیاری موارد به طور رایگان، می توان به چنین منابعی دسترسی داشت و از آن ها در کلاس درس استفاده کرد. استفاده از این ابزارها علاوه بر این که آموزش را تعمیق می بخشد، باعث ایجاد

شوق و هیجان در کلاس درس و جلوگیری از یکنواختی روند تدریس می شود.

ولی مشکلی که گاه در این زمینه به چشم می خورد، این است که استفاده از این ابزارها، تنها یک بار و در کلاس درس صورت می گیرد و پس از آن دانش آموزان غالباً امکان دسترسی به آن ها را ندارند. به همین خاطر ممکن است پاره ای از مطالب به دست فراموشی سپرده شود. استفاده از وبلاگ آموزشی این امکان را فراهم می کند تا استفاده دانش آموزان از این منابع، تنها به کلاس درس محدود نشود و بتوانند در فرصت کافی در خانه یا هر محل دیگری از ابزارها استفاده کنند.

در حال حاضر، بعضی از سایت های ارائه دهنده سرویس وبلاگ مانند «Blogger» این قابلیت را دارند که مستقیماً فایل های عکس، فیلم یا صدا را از رایانه شخصی شما به روی وبلاگ منتقل کنند. اما اگر سایت سرویس دهنده فاقد چنین امکانی باشد، باید از سایت های دیگری استفاده کرد که قابلیت بارگذاری<sup>۱</sup> این فایل ها را داشته باشند؛ سپس از نشانی اینترنتی مشخص شده برای هر فایل<sup>۲</sup> استفاده کرده و آن را در وبلاگ گذاشت. اگر عکس، فیلم یا... داخل فضای اینترنت قرار داشت، می توان به راحتی لینک قسمت مورد نظر را در وبلاگ درج کرد تا دانش آموزان با کلیک روی آن، به قسمت مورد نظر وارد شوند.

یکی از بهترین مکان ها برای جست و جوی ابزارهای چندرسانه ای، سایت google است. در این سایت می توان با استفاده از گزینه هایی که بالای صفحه قرار دارند، به راحتی، هر نوع ابزار مدنظر را جست و جو کرد.<sup>۳</sup>

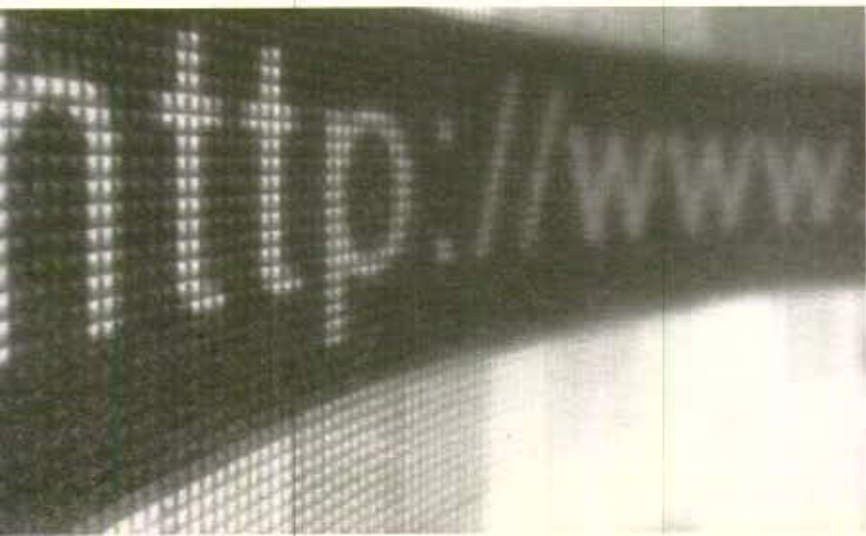
پی نوشت

1. multimedia
- 2.upload
- 3.URL

۲ در این باره به مجله رشد مدرسه فردا، شماره ۱ (مهرماه ۸۹) مراجعه کنید.

در وبلاگ، نویسنده و خواننده وارد نوعی فضای بحث آزاد می شوند که می تواند برای هر دو نفر و سایر افرادی که مباحث را دنبال می کنند بسیار مفید باشد

وبلاگ در کلاس های درس را به روی سایر اولیای مدرسه باز می کند و دست اندرکاران امور آموزشی مدارس می توانند نوعی گزارش دانی آن لاین را از دانش آموزان و روند کار آن ها در کلاس ها داشته باشند



## آموزش در دوران اسارت

میرزا ابوبکر: نقیسه بیات

# آموزش

### اشاره

یکی از مهم‌ترین مسائل دنیای اسارت، حفظ و افزایش روحیه مقاومت ازادگان در زندگی اردوگاهی است. یکی از دوستان به نقل از سید ازادگان مرحوم حاج آقا ابوترابی (سلام الله علیه) می‌گوید: «حاج آقا می‌گفت، هر کاری که می‌توانید انجام بدهید، تا نشاط و شادی بین اسرا زیاد شود، تا روحیه بچه‌ها بالا برود.»

زندگی بدون روحیه و امید، آن هم در اسارت دشمن، سخت و دشوار است. اجرای تئاتر در دهه فجر، با لطایف و ظرایف خاص خود، یکی از روش‌های افزایش روحیه و مشغول کردن تعداد زیادی از اسرای ایرانی بوده است تا هم یادی شود از گذشته و هم ابزاری باشد برای ایجاد شادی، شور و شعف.





مهربوتی خدا کو؟ خلقت خدا کو؟ بابا منم دلہ منی خواہ  
بینم، زندگی کنم. آدم کور هیچی نداره.

نه، تو دلت روسته. صفای دل تو کجا و اونایی که هر  
روز با همین چشم هزار تا گناه می کنن کجا؟

تو هم که مثل منی. صفای دل من رو کجا می بینی؟  
همه جا تاریکیه، همه جا بسته.

عصا را می کویدم روی معواهای کف سن، راه پیدا  
می کردم و می رفتم جلو. دوباره دایره را نور می زدم تا به  
بچه‌هایی که جلوی سن نشسته بودند نخورم. گریه می کردم  
و داد می زدم «من از این دنیا خسته‌ام، منم چشم می خوام،  
منم می خوام دنیا رو ببینم.»

بچه‌ها هم یا به پای من گریه می کردند. از ته سن  
**حسن محمدی** دوید طرفم، بغلم کرد: «می دونی چه خبره؟  
امام اومده. می یای بریم دیدنش، همه دارن می رن‌ها.»

سرم را برگرداندم، بسش زدم: «اونایی که دارن می زن،  
می بینش. من و تو که نه. بریم چه کنیم؟»

خب ما هم با دلمون می بینمش، بو می کشیم، پیداش  
می کنیم.

دیگر کسی نمی توانست جلوی بچه‌ها را بگیرد. جوری  
گریه می کردند که ما تو تئاتر بی اختیار شده بودیم. صدای  
هل هله...

پشت سن با پتو قضایی درست کرده بودیم که شده بود  
پشت صحنه. بچه‌ها از آن پشت هل هله می کردند که امام آمد  
حسن نوید سمت صدا. من توی سن تنها شدم، از حال رفتم  
و افتادم یک گوشه. صدا از پشت صحنه گفت: «می شنوی  
صدای مردم رو؟ دارن می گن بوی خمینی آمد، می شنوی؟»

بلند شدم سر جابم نشستم. دست کشیدم دور و برم تا  
عصایم را پیدا کنم. گریه می کردم «آره می شنوم... من تو  
دنای کوری امام رو می بینم، می بینمش، من بوش رو حس  
می کنم.»

گروه سرود از پشت سن، سرود بوی گل و سوسن و  
یاسمن آمد را می خواندند. غوغا شده بود توی آسایشگاه. باید  
بچه‌ها را آرام می کردیم، و گرنه کار دستمان می دادند.

پهمن ۶۴ بود. کم کم اردوگاه موصل سر و شکل  
می گرفت؛ گروه تئاتر هم. حسن محمدی برای نقش اصلی  
نمایشش دنبال بازیگر می گشت. دانشکده هنرهای زیبا  
درس خوانده بود. یکی دو سالی از من بزرگتر بود، خوب  
می نوشت. من هر چی شنیده بودم سر هم می کردم، می شد  
نمایش نامه، ولی او بلد بود. صدایم کرد: «**سجاد**، به نقش  
اصلی دارم، موندۀ رو زمین. می یایی بازی کنی؟»

گفتم: «چی هست؟»

یه آدم کوره که پشت کرده به دنیا. نقش مقابلشم  
منم؛ یه کور که امیدواره. یک جورایی وضعیت خودمونه تو  
اردوگاه. بعضی‌ها خیلی ناامیدن، بعضی‌ها سرخال...

قبول کردم، نمایش نامه را بردیم پیش آقای احدی،  
روحانی اردوگاه. کار را تأیید کرد و تمرین‌ها شروع شد. یک  
گروه دکور می زدند، دکورها با گونی برنج و کارتون گوشت و  
حاشیه بتو بود. با همین چیزها، طرح عملیات‌های جنگی را  
هم دکور می زدیم. آن قدر طبیعی و قشنگ که انگار با کلی  
تجهیزات پیاده‌اش کرده‌ایم. یک گروه فقط برای نگهداری  
بودند و یک گروه پشت صحنه کار می کردند. گرمی جدا  
بود که وسایلش را باید جور می کردند. سر جمع سی چهل  
نفر می شدیم. فکرش را هم نمی کردیم این طوری از آب  
در بیاید. با تمرین‌ها خیلی فرق داشت، تماشاچی‌ها حس  
دیگری به کار داده بودند و فضا ما را هم گرفته بود.

تئاتر نه خضیره و فرار شاه را خودم نوشته بودم، ولی مثل  
این سروصدا نکرد. ۱۰ روز تمام در تمام آسایشگاه‌ها اجرائش  
کردیم. بعضی‌ها قاچاقی خودشان را توی آسایشگاه‌های  
دیگر جا می زدند تا دوباره نمایش را ببینند. ما هم چیزی  
نمی گفتیم. به قول **روح الله** می گذاشتیم کیفشان را بکنند.  
گاهی یک تئاتر یک ساعته، سه چهار ساعت طول می کشید،  
سربازها که به پنجاه متری آسایشگاه می رسیدند، وضعیت  
فرمز می شد. سن و دکور و تمام تشکیلات جمع می شد و  
می رفت توی جاسازی‌ها. گرمی بچه‌ها سریع پاک می شد و  
همه برمی گشتند سر کارشان تا اوضاع رو به راه می شد و  
دوباره بچه‌ها آماده می شدند. یک بار دو بار که نبود، چند  
نفر فقط مسئول همین کارها بودند که قایم کنند، پاک کنند  
و دوباره از نو بچینند.

آموزش تئاتر در گروه‌های آموزشی ما جا گرفته، ولی با  
ویژگی‌ها و شرایط خودش. فقط نمایش نامه‌نویسی و تربیت  
بازیگر و طراح دکور و گرمی نبود، یک عده برای وضعیت  
فرمز تئاتر آموزش می دیدند که چه‌طور همه چیز را در  
کمترین زمان پنهان کنند تا آب از آب تکان نخورد. همین‌ها  
بود که بچه‌ها را در اسارت سرپا نگه می داشت. پنجاه نفر  
چند ماه کار می کردند و استرس تمرین‌های پر سروصدا  
را تحمل می کردند که شاید فقط پنجاه دقیقه بچه‌های  
اردوگاه را سرگرم کنند و روحیه‌شان را بالا ببرند. فقط  
تئاترهای تراژدیک و حماسی نبود، طنز هم کار می کردیم.  
گاهی بعضی از سربازهای عراقی هم می آمدند سر اجراء ولی  
نمی گذاشتند کسی بفهمد.

پنجاه نفر چند ماه کار  
می کردند و استرس  
تمرین‌های پر سروصدا  
را تحمل می کردند  
که شاید فقط پنجاه  
دقیقه بچه‌های اردوگاه  
را سرگرم کنند و  
روحیه‌شان را بالا ببرند

دارالفنون

تاریخ آموزش و پرورش در ایران

تاریخ آموزش و پرورش



فاطمه محمودیان

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش، امیر کبیر، دارالفنون

اشاره

دارالفنون اولین مدرسه‌ای بود که به همت امیر کبیر، توسط دولت و از خزانه عمومی به وجود آمد. این مدرسه بیشتر جنبه نظامی داشت، اما هندسه، جراحی، علم معدن و... هم از جمله رشته‌های آن بودند. پس از دارالفنون، سه مدرسه تخصصی دیگر نیز در تبریز، اصفهان و تهران دایر شدند. در پی حوادثی، دارالفنون به تدریج به صورت دبیرستانی معمولی درآمد.

گفته شد که نظام آموزشی اسلامی، باعث رشد و توسعه علوم و معارف دینی شد و دانشمندان و اندیشمندان بزرگی را به چرخان غرورانه دانستند اما مسأله با حاشیه معرمان، سایرین و این مراکز علمی و مدارس روز به روز برای گذشتن و توسعه و بزرگ شدن علمی ایران به دست دشمن گشته شدند. جمله معروفی بر

بار دیگری باعث تخریب مدارس و مراکز علمی شد زیرا در عصر حضوران و تاریخی بافتن مذهب تشیع، تعدادی مدارس مهیو در شهرهای بزرگ ایران نظیر اصفهان و مشهد و تبریز تاسی شد که همه اکنون نیز بسیاری از آن‌ها وجود دارند. اما با روی کار آمدن حکومت قاجار در کشور و رعایت مبارزات گسترده برخی از فقه‌های اسماعیلی اروپا بر سر سلط بر ممالک دیگر، ایران به مطالعه سرزمین با و بزرگی‌های خاص، شدیداً مورد توجه دولتهای استعمارگر روس و انگلیس قرار گرفت.

تکلیف‌های مکرر روس و پسته، توجه فکری را از چرخش نوینی را به این موضوع حقت کرد که تنها با دستن عجزان مجتهد به اصلاح جدید و مدرن به علمی و علم نظامی تقویت می‌یوان در مقابله دشمنان مجتهدی گنبدگی گنبدگی خانه جنگ‌های ایران و روس و بعداً جهنده‌های جدید و سایرین، بسیاری از نظامی فرانسه و انگلیس به ایران آمدند و هر یک به ویس و بنا به نیروی‌های علمی خویش، برانجام دادند نظامی



ارتش ایران مبادرت ورزیدند. عدم کارایی حضور هیئت‌های خارجی از سویی و لزوم آشنایی و فراگیری صنعت و علوم و فنون جدید از سوی دیگر، موجب شد که قدم دیگری برداشته شود و آن اعزام محصل، کارگر و صنعتگر به ممالک اروپایی بود. با اعزام این افراد که اکثراً از درباریان و اشراف بودند، به تدریج علوم و فنون غربی در ایران رواج یافت؛ اما این حرکت نیز علاوه بر این که نیاز و وابستگی به غرب را کاهش نداد، وابستگی فرهنگی را نیز در میان اشراف و درباریان ایجاد کرد. این جوانان که برخی با تحمیل هزینه‌های سنگین بر دولت به خارج اعزام می‌شدند، در بازگشت با مهارت‌های جدیدی نیاموخته بودند، با آن چه را آموخته بودند، در این کشور به کار نمی‌آمد و در مقابل به دلیل آشنایی اندک با نگرش‌ها و طرز زندگی غربی، شقیه اروپا شدند. در این دوران، علاوه بر اعزام محصل به خارج از کشور، اجاره تأسیس مدارس به مبلغان مذهبی نیز داده شد. مدارس جدید در ایران، ضمن انتشار فرهنگ و زبان خود، به تبلیغ دین مسیحیت نیز می‌پرداختند و روش آموزش در این مدارس تحت نفوذ و تأثیر آموزش‌های دینی مسیحیت بود.

## تأسیس دارالفنون

**میرزا تقی خان امیر کبیر** مقدمات تأسیس دارالفنون را فراهم کرد، ولی در موقع گشایش آن، در قین کاشان در تبعید به سر می‌برد و ۱۳ روز بعد نیز به قتل رسید. بنای دارالفنون به همت و دستور امیر کبیر در سال ۱۲۶۶ م. آغاز شد. نقشه ساختمان مدرسه دارالفنون توسط **میرزا رضا مهندس باشی** طراحی گردید و **محمد تقی خان**، معمارباشی دربار، مأمور ساختن آن شد. دارالفنون اولین مدرسه‌ای بود که توسط دولت و از خزانه عمومی به وجود آمد.

ناصرالدین شاه در پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۸ م.، دارالفنون را با شش معلم اتریشی و یک معلم ایتالیایی و چند مترجم و در حدود یکصد نفر از اولاد شاهزادگان نظام، امراء اعیان و رجال دولت افتتاح کرد. رشته‌های تحصیلی این مدرسه عبارت بود از: مشق بیادمنظام، توپخانه و سواره‌نظام، هندسه، طب، جراحی، علم دواسازی و علم معین و...

در طول فعالیت مدرسه دارالفنون، به تدریج علاوه بر معلمان اتریشی و آلمانی که در مدرسه تدریس می‌کردند، برخی از اروپاییان که در آن زمان در ایران به سر می‌بردند نیز به جمع مدرسان این مدرسه پیوستند. به جز معلمان خارجی، تعدادی از ایرانیان نیز به تعلیم ادبیات و شریعات و یا به شغل مترجمی معلمان اروپایی در مدرسه اشتغال داشتند. همچنین، عده‌ای از ارامنه آنریباخان و حلقا نیز به دلیل آشنایی با برخی

از علوم جدید و با زبان‌های خارجی، در آن مدرسه به تعلیم و ترجمه مشغول بودند.

مدرسه دارالفنون به مثابه نخستین مدرسه متوسطه عالی جدید دولتی، بیشتر جنبه نظامی داشت. در مدرسه، زبان فرانسه، علوم طبیعی، ریاضی، تاریخ و جغرافیا تدریس می‌شد و بعدها زبان انگلیسی و روسی، نقاشی و موسیقی را در برنامه‌ها وارد کردند. به این ترتیب، مدرسه شامل دروسی از متوسطه و مواردی از تعلیمات عالیّه فرضی بود. در سال‌های بعد که شاگردان از طبقات گوناگون پذیرفته می‌شدند، فارسی و عربی نیز به دروس مدرسه اضافه شد. با آن که معلمان مدرسه، اتریشی و آلمانی بودند، به دلیل نداشتن مترجم زبان آلمانی به تعداد کافی، دروس دارالفنون به زبان فرانسه تدریس می‌شد. کتاب‌های درسی دارالفنون در آغاز به زبان فرانسه بود، اما در همان سال‌های اول، معلمان ایرانی کتاب‌هایی را به منظور استفاده شاگردان به فارسی ترجمه و یا تألیف کردند. فارغ‌التحصیلان دارالفنون هر یک به مقامات عالی‌ای رسیدند.

از خدمات معلمان، مترجمان و فارغ‌التحصیلان دارالفنون این بود که بسیاری از کتاب‌های درسی را به فارسی منتشر کردند و این کار باعث اشاعه علوم و فنون جدید شد. موضوع بعضی از این کتاب‌ها عبارت بود از: علوم طبیعی، مکانیک، جغرافی، جراحی، طب، کالبدشناسی، شیمی، فیزیک، ریاضی، دزسازی، توپخانه و زبان فرانسه.

با پایان یافتن اولین دوره مدرسه، عده‌ای از فارغ‌التحصیلان آن به امر ناصرالدین شاه به منظور تکمیل تحصیلات خویش، به خارج از کشور (فرانسه) اعزام شدند. اما متأسفانه به مرور توجه شاه به مدرسه کم شد.

همچنین، در دوره مشروطیت و به دلیل عدم ثبات دولت‌های ایران در سال‌های پیش از جنگ جهانی اول و همچنین حوادث دوران جنگ جهانی، از توجه به مدرسه کاسته شد. تا آن که با جدا شدن قسمت‌های طب و نظام از دارالفنون و نیز ایجاد مدارس عالی در سطح کشور، به تدریج این مدرسه به صورت دبیرستانی درآمد.

از طرف دیگر به دنبال تأسیس دارالفنون، دولت سه مدرسه تخصصی دیگر نیز در تبریز، اصفهان و تهران دایر کرد که به تقلید از دارالفنون، به تعلیم علوم و فنون نظامی و پزشکی می‌پرداختند.

### منابع

۱. العاصی، علی محمد. تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، امیرکبیر، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۲
۲. درسی، کمال. تاریخ آموزش و پرورش ایران، قبل و بعد از اسلام، سمت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰
۳. صدوق، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران، دانشگاه تهران، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۳۹.





# داستان ارزش

مفهوم ارزش یابی برای برخی معلمان روشن نیست.

ارزش یابی وسیله‌ای است برای شناختن توانایی‌ها و زمینه‌های علمی دانش‌آموزان و تصمیم‌گیری برای انجام دادن فعالیت‌های بعدی آموزش.



خب پسر، طول ترمین واپس‌ان رو اشتباه نوشته بودی، ولی با ارفاق بهت ۲۰ میدم.

گاهی معلم نقش خود را که فراهم کردن موقعیت و امکانات مناسب آموزشی و پرورشی و هدایت فعالیت‌های آموزشی شاگردان به منظور رشد همه جانبه آنان است، فراموش می‌کند و تنها به انتقال حقایق علمی و اندک‌گیری بی‌توان شایسته آن‌ها توسط فراگیرندگان به منظور عبورشان از کلاس به کلاس دیگر می‌پردازد.



تکلیف سنجش دانش معذور و مفهوم محور کاری به ارزیابی مهارت‌های شناختی سطح بالاتر مثل مهارت‌های روشنی و تکراری و عادت مطلوب یادگیری ندارد و فقط میزان آموختن محتوای علمی و کلاسیک کتاب را می‌سنجد.





# یابی



در کنار ارزش یابی پیشرفت تحصیلی فرآیندگان باید کارایی معلمان در امر تدریس نیز ارزیابی شود و میزان موفقیت یا عدم موفقیت معلمان همراه با عوامل مؤثر در آن، مشخص شود. معلم باید پس از بررسی میزان پیشرفت تحصیلی شاگردان و تعیین عوامل مؤثر بر آن، برای رفع نواقص و اشکالات موجود، اقدامات لازم را به عمل آورد.

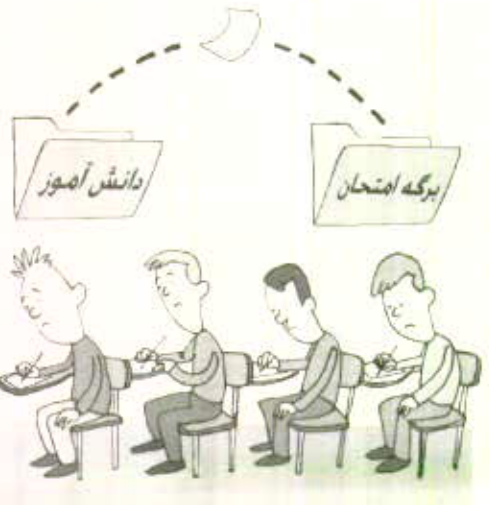
مهدی رضاییان

## copying...



در نظام سنجش دانش معصوم که هیچ شباهتی به نظام آموزشی ما ندارد، کتاب درسی و محتوای دانشی آن تقریباً تنها شاخص و استنادی است که رعایت محتوای آن ضروری به نظر می‌رسد.

## paste...



## Deleteing...



نظام امتحانی و سنجش سنتی، هر آنچه را که در کتاب عینیت دارد، پی‌گیری می‌کند و آن را مورد سؤال قرار می‌دهد.

این اطلاعات اظهار شده، بعد از امتحان ارزش و کاربرد دیگری ندارند و دانش آموز خیلی زود می‌تواند از شهر آن‌ها خلاص شود.

# سرمایه گفت و گو

کتابتون رجیبی راد

سرمایه‌هایی که قرار است سزای دهنده کلام آن‌ها کنند، کلامی که قرار است ردوبدل شود و معمولاً به رنگ و شکل خاصی در نمی‌آید و هیچ تحسینی نمی‌یابد.

به بعد از آن برداشته‌های ما از این کارگاه نگاه کنید. گفتگو را شما هم چنین کارگاه‌هایی برقرار کنید و برداشته‌های خود را برای ما بفرستید. مطمئن باشید کارهای بدیع شما را در صفحه خود ختم آوردیم تا سایر همکاران همان هم استفاده کنند.

این ابزارها را بهتر بگویید همان سرمایه‌ها را به بحث‌های اثری به ذهنی عبرت در منطقه ۱۴ تهران داده و از آن‌ها جو سهم برای گفتگو میان دایره و مستطیل از آن‌ها استفاده کنید به جمال یاد خاطر نشان هستیم که این جو شکل قرار بود در فضای یک صفحه سفید با هم حرف بزنند نه آن‌ها گفتیم که این یکی از این جو شکل است دیگری باز است و سزا به این باز آری را نشان دهند و برای رفع این کمبود تلاش خود را بکنند از آن جا که تلاش ما برای این مدرسه از مجموع گفتگوهای ما هیچ خبری نداشتند خیلی راحت با موضوع کنار آمدند و بیس تاوری آن‌ها در موضوع ما مانده بگرد و هر کسی به راحتی از رعب خود با موضوع گفتگو آرزو برقرار کرد.

با مطرح کردن این سوالات می‌خواهیم شما را چه نه فضای فکر کردن یک معلم قبل از کارگاه گفتگو بربیم.

وقتی می‌خواهیم حرف بزنیم چه می‌کنیم؟ معنی دقیقاً از کجا شروع می‌کنیم؟ کجای حرفی را که در ذهن داریم بخواهیم بزنیم و حق گوئیم؟ آیا اصلاً حرفی را که می‌خواهیم بزنیم باید از قبل در ذهنمان داشته باشیم؟ آیا ما فقط بازگو کننده حرف‌های هستیم که مستط کردیم؟ این پرسش است که برخی کمال می‌کنند برای حرف زدن فقط باید کلماتی را که بلد هستیم بر زبان آوریم؟ چه طور برخی فکر می‌کنند برای برقراری رابطه با دیگران فقط باید آن‌ها را کاملاً شناخت و از نظر ایشان اطلاع داشته باشیم و بدانیم آن‌ها حرف زد و یا نه گفته برخی درباره‌ی آن چه می‌فکرند؟ مورد گفتگو قرار گرفت فقط باید مهارت لازم وجود داشته باشد؟ این‌ها و هر روز در عبور دیگر هر کدام می‌تواند در جای خود درست و مناسب باشد.

اما آیا حتماً درباره‌ی واژه اطلاع لازم است تا بتوان درباره‌ی آن سخن گفت یا با آن کسی حرف زد؟ آیا حتماً لازم است تا درباره‌ی یک موضوع خودمان دانش داشته باشیم یا می‌توانیم به دیگران



را بر آن که باز هم متوجه اوقات است همان می‌شود. عزیزان می‌خواهیم اما نام نمی‌آید معجزاتی را که به سبب این حال‌های بی‌سرس است، برای شما بگویم.  
گفته این ابزارها که در شکل ۱۱ آنرا می‌بینید به فایز رنگی بودن در صفحه سه چند آمده‌اند. همه است. به دون نگاه کنید شاید با یک کلاس از آن‌ها و بعد از آن صفحه اما می‌خواهیم بر آن باز و بیشتر بکنیم. در آن‌ها نگاه کنیم. این‌ها در کارگاه گفتگو می‌تواند سرمایه افراد هستند.



کنیم؟ و یا می‌توان از طریق گفتگو، درباره موضوعی دانشی کسب کرد و با طی کسب اطلاع درباره آن موضوع، درباره اش گفتگو کرد؟ اصلاً گفتگو مسأله یک جریان سازنده است یا مخرب؟ آیا خودش به خودی خود می‌تواند مخرب یا سازنده باشد؟ آیا مورد نقد قرار دادن و مورد نقد قرار گرفتن می‌تواند به نوعی گفتگو باشد، یا به نوعی گفتگو تبدیل شود؟ اما نقطه نظر ما درباره موضوعی ناشناخته، می‌تواند موضوع یک گفتگو باشد؟ آیا حدسیات و احتمالات ما می‌توانند حوراک جوی برای تناوب گفتگو باشند؟ آیا هر گفتگویی لزوماً باید با واقعیت مطابقت داشته باشد؟ آیا به نظر شما نمی‌توان گفتگو را به منظور پرورش خلاقیت دانش‌آموزان، به عنوان یک موضوع قرار داد و از آن، برای بهره گرفتن از تمام پتانسیل‌های دانش‌آموزان در تمام طول تحصیلتان استفاده کرد؟ اگر بجهت‌های کلاس ما قرار است در آموزش و پرورش کنونی باز بیایند، آیا واقعاً می‌توان به وسیله آموزش گفتگو، از تمام مهارت‌های آن‌ها برای خلق موقعیتهای مساعد برای پرورش قدرت تفکر و کلام استفاده کرد؟ این‌ها همه سؤالاتی هستند که وقتی به یک کارگاه گفتگو می‌رویم، با آن‌ها روبه‌رو می‌شویم.

سیاری از ما درباره مسأله‌ای که در زندگی‌مان پیش می‌آید، فضاوت‌های شخصی زیادی داریم که می‌توانیم به راحتی نامش برداریم. این‌ها گناشت، فرقی است میان هدایت کلاس به سمت موضوعی خاص مثل حل مسأله، نوعی از طریق گفتگو از یک سو و ایجاد پیش‌داوری در ذهن افراد کارگاه از سوی دیگر. چنین اتفاقی معمولاً در کارگاه‌ها از سوی همکاران ما به شکل ناخودآگاه روی می‌دهد. فقط کمی صبور می‌شویم تا به نام عجله برای رسیدن به هدف منظر کارگاه نسیم. اگر ما فقط اجازه دهیم صحرای گفتگو میان دانش‌آموزان باز شود و به صرفاً کانال حرف زدن، نه آن‌ها کمک کردیم تا بسنجند و سپس اندیشه‌های خود را به کلام درآیند. فارغ از این‌که این اندیشه‌ها خجیل است، حدس است یا قطعیت دارد می‌توانیم مهارت گفت و شنید فعال را با صبور می‌توانیم از آن‌ها آموزش داد. وقتی بی‌ارامی موضوعی گفتگو می‌کنیم که هنوز به ماهیت آن پی نبرده‌ایم، می‌خواهیم سر حرف را درباره آن باز کنیم، می‌توانیم از این مطلب بهره بگیریم تا از دانش‌آموزان خود بخواهیم انرژی خود را در راه پیدا کردن یک پاسخ با ما همپوشانند. نه این‌که ترس، گفتگو به هم‌افزایی انرژی ما در کلاس کمک می‌کند نه آن‌که مانع از رسیدن ما به هدف درسیمان شود.

تبدیل این نهاد به «کارگاه بجهت‌ها سر کلاس حرف‌پرند کارمانش نمی‌رود»، به فرصتی برای ارتقای سطح حدیث کلاس و البته مشارکت بیشتر دانش‌آموزان، توانمندی معلم را در به خدمت درآوردن کلیه مهارت‌های دانش‌آموزان در راستای یادگیری مطلب جدید می‌رساند ما می‌توانیم در گفتگو مسیر پرورش بحیالات و حدسیات بجهت‌ها را هم‌سازیم و بسته به آن‌که برای پرورش چه مهارتی قرار است از گفتگو استفاده کنیم، آن‌ها را بیشتر هموار کنیم. مثلاً اگر قرار است از نظر آن‌ها درباره چگونگی رفع کنورت عیان دو بهره استفاده کنیم، اجازه دهیم آن‌ها خودشان باشند و حرف دلشان را به راحتی بزنند و از گفتن و نشان دادن آن‌ها آبرویی نداشته باشند. شاید عداوتی منظم اندیشیدن و منظم گفتن را یاد نگرفته‌اند، اما حتماً در میان آن‌ها هم اختیاراتی یافت می‌شود که می‌توان آن

مزیتهای را متذکر شد و به دنبال آن، اهداف متعالی‌تری را نشانمان داد تا خودشان مسیر ویژه خود برای رسیدن به آن را بیابند. مثلاً در شکل ۳، این دانش‌آموز حرف‌هایش را شلوغ نشان داده است، اما از پتانسیل تصویری حرف زدن و فکر کردن او نباید غافل شویم. با گفتن این جمله که تو مهارت تصویری فکر کردن را داری، می‌توانیم به او بیگویم که برای حضور در گفتگویی منظم، باید نظم را به تصاویر ذهنی خود بیفزاید و سپس گفتگو کند. به این ترتیب، نه تنها هدف دیگری را فرای آن‌چه خودش دارد به او متذکر شدیم، بلکه او را نسبت به توانمندی‌اش آگاه کردیم.

نکته دیگر این‌که از دور هم نشستن بجهت‌ها برای انجام کار مشارکتی ترسیم که این خودش به نیروی کلاس می‌افزاید. دانش‌آموز سرشار از انرژی، سر کلاس می‌خواهد صحبت کند. خیلی برایش مهم نیست چه می‌گوید او بیشتر از آن‌چه می‌خواهد بگوید به گفتن وابسته است. فرصت گفتن را از او دریغ نکنیم. اگر معلم این امکان را فراهم آورد که بجهت‌ها برای کسب رقابت سالم حرف بزنند، ناخودآگاه حسن حرف‌های آن‌ها، با درس و کارگاه آموزشی آن‌ها مرتبط خواهد شد. توانمندی معلم خوب کارگاه، او را قادر می‌سازد که نه تنها جلوی حرف زدن بجهت‌ها را نگیرد بلکه آن‌ها را به گفتگو تشویق کند. البته گفتگویی از جنس درس، در راستای درس و درباره موضوعات مرتبط با درس.

گاهی برخی افراد خلاقیت‌های دانش‌آموزان را به دلیل این‌که مطلب طرح شده آنان رابطه چندان مستقیمی با موضوع درس ندارد، نادیده می‌گیرند و یا حتی خدای ناگفته مورد استهزا قرار می‌دهند. پس چقدر خوب است که پیش از هر کاری، به موضوعاتی که بجهت‌ها طی کارگاه به موارد منتظر ما می‌افزایند خوب فکر کنیم تا مبدا استعداد فردی را به واسطه بی‌دقتی خود نادیده بگیریم و در ضمن، اگر احیاناً کسی از بجهت‌های کارگاه بنای سر به سر گذاشتن معلم و جدی نگرفتن جریان کارگاه را دارد، با برخورد درسیمان، موجدات اصلاح رفتار و گفتارش را فراهم آوریم. مثلاً با گفتن این مطلب که «شاید بشود از موضوعی که دوستان گفت استفاده کرد و به رفع کنورت عیان دو بهره خاتمه داد»، به او بفهمانیم که نظر تو هم به اندازه سایر نظرات، برای من معلم مهم است. پس بهتر است دلیل خودت را به درستی مطرح کنی.

با این نگاه که بجهت‌ها سرمایه‌های ما و سرمایه‌های آن‌ها افکار آن‌ها هستند، به خوبی راه‌های جدیدتر و خلاق‌تری را خواهیم یافت تا به این سرمایه‌ها کمک کند که در مملکت خودمان سرمایه‌گذاری شوند.

### پی‌نوشت

1. interference

۲. البته ممکن است به دلیل ندانستن هیچ‌گونه ذهنیت قبلی، مجبور شویم بیشتر برایشان توضیح دهد یا حتی مثال‌هایی بیاوریم، اما فراموش نکنیم که توضیحات به قدری برایشان انحراف از موضوع ایجاد نکند که همه سریع مثال شما بروند، در این نکته تأکید کنید که این موضوع ممکن است کاملاً برای هرکسی شخصی باشد و فقط برای شما اتفاق افتاده باشد یا فقط شما از آن خبر داشته‌اند.

۳. شکل ۱. مدرج در صفحه سه عدد.

۴. شکل ۲. همان.

۵. شکل ۳. همان.

۶. شکل ۴. همان.

از دور هم نشستن بجهت‌ها برای انجام کار مشارکتی ترسیم که این خودش به نیروی کلاس می‌افزاید. دانش‌آموز سرشار از انرژی، سر کلاس می‌خواهد صحبت کند. خیلی برایش مهم نیست چه می‌گوید او بیشتر از آن‌چه می‌خواهد بگوید، به گفتن وابسته است. فرصت گفتن را از او دریغ نکنیم.



نمی دانم این مرض پر خوابی از کجا به جامم افتاده بود. من که این جویری بودم! گمانم یک عفت و ایواند اساسی نوی سیستم بدنم پیدا شده بود! چپ می رفتم، راست می آمدم، حرکت می گرفتم و گوشه های می خوابیدم! انگار هزار سال کسر خواب داشتم. کم کم این ماجرای پر خوابی من بین بچه های رزمده بیچند هم کسی که مرا می دید یک جوکی، ملکی یارم می کرد:

- بچه! احمد آقای خواب زده! ساعت تازه ۱۲ ظهره، به این زودی بیدار شدی؟

- احمد اقا! فرض خواب بدم خدمتون؟ این جویری که تو بیمار می مونی، می ترسیم خدای با کرده جسمات از بی خوابی سوره و خشک شه...

- بابا می انصاف! تو که از ۲۴ ساعت، دو ساعت خوابی بیداری! پس کی می خوابی؟!

اما من بیدی نبودم که با این بیش و کتابه ها به خودم بپررم! با خندای غرض توپ و تانک هم بیدار نمی شدم، بچه ها به به سرم می گذاشتند، به زور بیدارم می کردند: «تو بوتین های مارو ندیدی؟!»

فقط می توانستم بگویم نه و دوباره می خوابیدم. آن ها هم دوباره مرا بیدار می کردند: «بوتین هاسمان پیدا شد، بگیر بخواب!» می خواستند مرا کلافه و بد خواب کنند، اما هزار دریغ که چنین چیزی محال بود، تنها کسی که با موضوع خوب رن های من کنار آمده بود و همیشه سعی می کرد با مهربانی با من برخورد کند، حاج اقا ایمانی، روحانی گردان بود. او اهل ادب است و شعر و شاعری بود و کتابه هایش هم به زبان شعر بود. از آن جا که مثلاً امدادگر بودم، حاج اقا هر وقت مرا خواب الود می دید، با طبع شمرینش فی البداهه شعری می ساخت و برایم می خواند:

همت امدادگری را بین!

احمد ما پا شده است کم کمک!

او نمک تیل گردان ما است

وای به روزی که بگنند نمک!

احمد عربلو



# ماجرای شلوار و شلوارک!



تصمیم گرفته بودم در اولین فرصتی که به مرخصی رفتم، خودم را به یک دکتر درست و حسابی نشان بدهم. اما عملیات در پیش داشتیم و حالا حالاها از مرخصی خبری نبود.

آخرین بار، کنار حسینیۀ گردان بود که جرت می‌زد، داخل حسینه مراسم دعا و نیایش بود. شب‌های عملیات، حسینه چنین حال و هوایی پیدا می‌کرد. حاج آقا به همراه چند رزمنده برای دعا به حسینه می‌رفتند که چشمش به من افتاد. لبخندی زد و گفت:

عاشقان را همه گر آب برد

خوب‌رویان، همه را خواب برد!

معنی و مناسبت شعرش را نفهمیدم. فوراً خودم را جمع‌وجور کردم. یکی از رزمندها با خنده از حاج آقا پرسید: «حالا ایشان از عاشقان است یا خوب‌رویان؟»

حاج آقا گفت: «همی دانم. اما با این خواب‌آلودگی، گمان می‌کنم خوب‌رویی است که در خواب غرق شده است!»

بعد حاج آقا سرش را نزدیکم آورد و کنار گوشم گفت: «بلند شو. بیا داخل حسینه. امشب دیگر شب خواب نیست. بخواهی نخواهی، خواب از سرت می‌پرد!»

عظمتن شدم که شب عملیات است. گفتم: «چشم حاج آقا. الان خدمت می‌رسم.» و پشت سر آن‌ها داخل حسینه شدم.

\*\*\*

ساعتی از نیمه شب نگذشته بود که عملیات شروع شد. خواب من و عراقی‌ها با هم آشفته شد. چنان معرکه‌ای به پا شد که مجال بود خوابم ببرد. صدای تلیک گلوله و فریاد رزمندها تمام فضا را پر کرد. عملیات سنگینی بود. دائم مجروح می‌آوردند و من به سرعت کارهای اولیه را انجام می‌دادم تا به پشت خط منتقل شوند.

ناگهان متوجه شدم از وسایل امدادی که همراهم داشتم چیزی باقی نمانده است. اولین مجروحی که بعد از تمام شدن وسایلم آوردند، یک رزمنده بود که پایش صدمه دیده بود. فرصت عقب رفتن نداشتم. خون‌ریزی شدیدی داشت.

بی‌اختیار کمربندم را باز کردم و پایش را بستم تا جلوی خون‌ریزی گرفته شود و او را عقب ببرند. وقت سر خاراندن نداشتم. پشت سر هم مجروح می‌آوردند. دلم می‌خواست یک کامیون وسایل امدادی داشتم تا زخم‌هایشان را می‌بستم. اما دستم خالی بود. چاره‌ای نداشتم. استین‌های پیراهنم را با تیغ بریدم و با آن زخم دو نفر را بستم. نمی‌دانستم چه کار کنم؟!

دو زخمی دیگر را هم آوردند. دوباره با تیغ پاچه‌های شلوارم را بریدم و به جای باند، با آن‌ها زخم آن دو را هم به هر زحمتی

بود، بستم!

آخرین نفری را که زخم پایش را با پارچه شلوارم بستم، نای راه رفتن نداشت. به ناچار او را کول گرفتم و با زحمت زیاد به عقب آوردم تا آمبولانس برسد و او را به عقب ببرد. کم‌کم رسیده بودم که احساس کردم تمام رزمندها یک جور عجیبی نگاهم می‌کنند. انگار که شاخ درآورده بودم!

نزدیک بهداری که رسیدیم، ناگهان حاج آقا ایمانی سر را هم سبز شد. تا مرا دید، جلو آمد. نگاهی به سر تا پایم انداخت. چهره‌اش در هم رفت. دیگر از آن مهربانی همیشگی خبری نبود. سرم فریاد زد: «مرد حسابی! این چه وضعیه که برای خودت درست کردی؟ خجالت نمی‌کشی با این ریخت و قیافه اومدی جنگ؟ قباحت داره والا!»

تعجب کردم. دهانم را باز کردم حرفی بزنم. حاج آقا نگذاشت. با خشم گفت: «شورش را درآوردی! بازم خواب بودی؟ همین جوری با این لباسای خواب پا شدی دویدی توی خط؟ به نگاه به خودت بنداز!»

نگاهی به خودم انداختم. از بس پاچه‌های شلوارم را بریده و تبدیل به باند کرده بودم و دست و پای زخمی‌ها را با آن‌ها بسته بودم، شلوارم به شلوارک کوتاه تبدیل شده بود. پیراهنم هم بدون استین بود! از سر و وضع خودم خجالت کشیدم! تازه فهمیدم که چرا توی راه رزمندها آن همه محو تماشای ما شده بودند.

حاج آقا که هنوز نزدیکم بود، این بار ملایم‌تر گفت: «ترشته پسر! با لباس خواب آمدی بجنگی؟ زود باش برو به دست لباس بگیر و این‌ها را عوض کن! آخه این چه وضعیه؟ شلوار بی‌پاچه و پیراهن بی‌استین؟»

کم‌کم دوباره داشت درجه عصبانیت حاج آقا بالا می‌رفت که مجروح همراهم، با ناله به دست زخمی‌اش اشاره کرد و گفت: «حاج آقا! قسمتی از پاچه شلوارش این جاست. بقیه‌اش هم تن دیگرانه! باند نداشت. پاچه‌های شلوار و استین پیراهنش به داد ما رسیدند.»

منظره خنده‌داری بود. با شلوارک و پیراهن بدون استین ایستاده بودم. روبه‌روی حاج آقا.

ناگهان حاج آقا متوجه ماجرا شد. بغض کرد و خیلی زود به گریه افتاد. سر و رویم را بوسید و هزار بار از من معذرت‌خواهی کرد. در میان گریه‌اش شنیدم که این شعر را زمزمه می‌کرد:

اگر با من نبودش هیچ میلی

چرا ظرف مرا بشکست لیلی

و من باز هم معنی شعری را که می‌خواند، نفهمیدم!





## ب) علائم جسمانی و بدنی

از دیدگاه علمی، این نشانه‌ها به دو بخش تقسیم می‌شوند: علائم مشترک و نشانه‌های ویژه

### ۱. علائم مشترک

این نشانه‌ها میان دختر و پسر یکسان‌اند و در هر دو جنس رخ می‌دهند.

- رشد استخوان‌ها و بلند شدن قد

- درد در ناحیه کشاله ران (محدوده مفصل ران و لگن

خاصه)

- درشت و کلفت شدن استخوان‌ها

- رشد پستان‌ها. این رشد در دختران بیشتر است، قدرت شیردهی را به آن‌ها عطا می‌کند و برای همیشه به همان حالت باقی می‌ماند. اما در پسرها کمتر است و پس از مدت کوتاهی به حالت گذشته خود بازمی‌گردد.

- بزرگ شدن و احیاناً دردناک شدن عضلات قوی زیر بغل.

این حالت نیز پس از مدت کوتاهی از بین می‌رود.

- پیدایش جوش به ویژه در صورت که به جوش‌های غرور

یا جوش‌های جوانی شهرت دارند. این جوش‌ها نیز پس از مدتی از بین می‌روند.

- تغییر طنین صدا. زنانه شدن صدا در دختران و مردانه شدن

آن در پسران.

- پیدایش موهای جدید در بدن، ویژگی این موها ضخیم بودن آن‌هاست. اصلی‌ترین محل‌هایی که موهای جدید در آن‌ها پیدایش می‌شوند، عبارت‌اند از: زیر بغل، سینه و شکم (در برخی پسرها). ناحیه شرمگاهی (اطراف مجرای ادرار)، ناحیه نشیمنگاهی (اطراف محل دفع مدفوع). البته در اکثر افراد، موهای دست‌ها و پاها که از قبل وجود داشته‌اند، تغییری نمی‌یابند.

- تغییر در دستگاه و اندام‌های تولید مثل. این تغییرات در

جنس علائم ویژه خواهند آمد.

### ۲. نشانه‌های ویژه

این نشانه‌ها فقط در یک جنس دیده می‌شوند و به همان

جنس اختصاص دارند.

## علائم اختصاصی دختران

- رشد و بزرگ شدن لگن خاصره

- افزایش حجم دائمی سینه‌ها و پستان‌ها

- فعال شدن دستگاه تولید مثل، مهم‌ترین نشانه فعال شدن

این دستگاه، بروز پدیده‌ای است به نام «خون‌روش» یا «قاعدگی» یا «عادت ماهانه» یا «رگل شدن» یا «حیض دیدن».

این پدیده معمولاً از حدود ۱۱ تا ۱۳ سالگی شروع می‌شود و در حدود ۴۵ تا ۶۰ سالگی از بین می‌رود.

این پدیده دو ویژگی مهم دارد:

● خروج خون از دستگاه تولید مثل یعنی رحم (از همان) و واژن (مهبل) به مدت ۵ تا ۱۰ روز که در روزهای اول زیاد است و در روزهای آخر کاهش می‌یابد و قطع می‌شود.

● این پدیده به طور منظم هر ماه (هر ۲۸ تا ۳۰ روز) یک بار رخ می‌دهد.

## علائم اختصاصی پسران

- روییدن موهای جدید در صورت و بالای لب (ریش و سبیل)

- فعال شدن دستگاه تولید مثل، مهم‌ترین نشانه‌های فعال شدن این دستگاه عبارت‌اند از:

● رشد اندام تولید مثل مردانه

● رشد بیضه‌ها

● خروج مایعی به نام منی. این مایع که حاوی سلول‌های تولید منی (اسپرم) و چند ویتامین و قند و برخی ترکیبات دیگر است، غالباً به رنگ سفید و لزج و چسناک و دارای بویی خاص است و با فشار و جهش، در خواب یا بیداری، از طریق مجرای ادرار خارج می‌شود.

در شماره‌های آینده، توصیه‌های بهداشتی مربوط به بلوغ تقدیم خواهد شد.



یکی از تغییرات بسیار مهم روحی در این دوران، گرایش به رفتارهای جنسی و به طور خاص جنس مخالف است که البته این افزایش علاقه، امری طبیعی و در راستای تولید نسل است.

# فرایند اصولی تغییر ساختارهای آموزشی و پرورشی

کتاب: کو: زهرا شعبانی

## بخش اول: فرایند تکوین ساختار دوره راهنمایی تحصیلی

«برای این که یک دوره در ساختار نظام آموزش و پرورش شکل بگیرد، نیاز یک متخصص که در دو حوزه نظری و تجربی فعالیت دارد، موضوع را مطالعه و آمیختن را که با منابع مرتبطها و اهداف آن دوره در کشور است استخراج می کند به همین خاطر، در هر کشوری، هر دوره آموزشی اهداف و فلسفه خاص خود را دارد.»

ساختار ۳-۳-۶ حدود ۲۰۰ سال پیش در اروپا مطرح شد و بعدها بسیاری از کشورها از این الگو گرفتند. برای ایران نیز بعد از سال ۱۳۹۰ که همه مدارس گسترش داشتند به موجب قانون اساسی معارف که اولین قانون آموزشی آموزش و پرورش در ایران محسوب می شد، ساختار اجلی ۶-۶ معرفی شد. تاثیر این ساختار را از نظام آموزشی فراتر انداختند کردیم.»

استاد در قدم بعدی به سال ۱۳۴۳ باز می گردد. زمانی که مطالعاتی با محوریت موضوعی «اصلاح ساختار نظام آموزش و پرورش» شروع و نتایج آن در چند جلد تنظیم شد:

«در چند نخست از این دوره، این ساختار پیشنهاد شد: دوره بیس دبستانی یکده تا دو سال، دوره ابتدایی پنج سال و برزی اولین بار شکل اول متوسطه به نام دوره راهنمایی تحصیلی و سه ساله مطرح شد برای دوره متوسطه نیز چهار سال در نظر گرفتند قرار بر این بود که طرح به تدریج در کشور اجرا شود. بنابراین طبق برنامه در سال تحصیلی ۴۵-۴۶ دوره ابتدایی به عنوان اولین دوره از ساختار جدید اجرا شد بعد از پنج سال یعنی در سال تحصیلی ۵۱-۵۰، اولین فارغ التحصیلان نظام جدید به دوره راهنمایی تحصیلی رفتند و همین عمده در سال تحصیلی ۵۲-۵۱، بیس دبستان آموزش و پرورش دوره متوسطه شد. تحول تحصیلی



باز هم بهانه‌ای دست داد تا با اسد احمد صافی، حول یکی از دغدغه‌های نظام آموزش و پرورش، گف و گفتی دانسته باشیم، و چه بهانه‌ای بهتر از تغییر بررسی ساختار نظام آموزش و پرورش در دوره راهنمایی از بزرگ دکتر صافی. چهار دهه پیش، درست چهار سال قبل از عملیاتی شدن طرح دوره راهنمایی تحصیلی در ساختار ۳-۳-۶، با هدف کارآمدی اجرای طرح، در مقطع کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره، آموزش دیده است. ما حاصل مطالعات کتاب‌خانه‌ای و میدانی ایسان در این زمینه و موارد مشابه، حدود سی عنوان کتاب است که از منابع ارزشمند دانشگاهی محسوب می‌شوند.

بارها و بارها درباره ساختار و محتوای دوره راهنمایی تحصیلی بحث و تبادل نظر شده است، اما این بار بای سخنان کسی می‌نشینیم که در نقش معلم مسئول معهد نظام آموزش و پرورش، با سابقه چند دهه تجربه نظری و عملی، موضوع را از زوایای گوناگون بررسی کرده است.

همراه آقای حسینی، سردبیر محترم مجله، گفت‌وگو را با سوالی درباره پیشینه تاریخی ساختار و محتوای دوره «راهنمایی تحصیلی» در ایران آغاز کردیم و اسد با دقت و آرامش پاسخ داد.

سابقه طرح مطالعاتی  
راهنمایی تحصیلی به سال  
۱۳۳۷ باز می‌گردد که در  
سال ۵۰ اجرا شد



تر این ساختار ۱۲ سال و با احتساب پیش‌دستانی، به ۱۴-۱۳ سال می‌رسید.»

**مطالعات دوره راهنمایی در سال ۱۳۴۳ آغاز و برای اولین بار در سال تحصیلی ۵۱-۵۰ اجرا می‌شود. در این فاصله زمانی، مطالعات به بلوغ می‌رسند. استاد سیر تکاملی مطالعات را به این شکل شرح دادند:**

«اولین مسئله این بود که برای اجرای دوره به معلم نیاز است. در سال ۱۳۴۶ طرح خالی با عنوان «طرح تربیت و تأمین معلم دوره راهنمایی تحصیلی در رشته‌های گوناگون» نوشته شد و در سال ۱۳۴۸، دانش‌سراهای راهنمایی در ایران، با هدف تربیت معلم تأسیس شدند. دو سال قبل از شروع دوره راهنمایی، اولین معلمان این دوره از دانش‌سراها فارغ‌التحصیل و استخدام شدند تا معلم نویست و پنجاه هزار دانش‌آموز این دوره شوند.»

در سال ۱۳۴۶، یعنی چهار سال قبل از اجرای دوره راهنمایی تحصیلی، طی یک فراخوان، از هر استان دو نفر در آزمون ورودی کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره که برای بار اول در ایران اجرا می‌شد، شرکت می‌کنند.

سال ۴۸، اولین گروه کارشناسی ارشد این رشته، با هدف اجرای صحیح طرح راهنمایی دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل می‌شوند. استاد صافی یکی از فارغ‌التحصیلان این دوره است:

«برای دوره راهنمایی تحصیلی، اهداف حالتی تعریف شده بود که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کشف، پرورش و سنجش استعدادها اشاره کرد. هدایت دانش‌آموز هم یکی چهارم است. برای این که حق این دوره به درستی ادا شود، تصمیم گرفتند از نظام راهنمایی و مشاوره کمک بگیرند. به همین خاطر، من و عده‌ای از دوستان، به عنوان اولین دانشجویان این رشته، به مدت دو سال در دانشگاه تربیت معلم تحصیل کردیم تا هر کدام به عنوان کارشناس ارشد راهنمایی و مشاوره در مدارس راهنمایی، اهداف دوره را پی‌گیری کنیم.»

سال ۴۷ یعنی سه سال قبل از اجرای دوره راهنمایی، یک دفتر ستادی به نام دفتر راهنمایی تحصیلی وزرات آموزش و پرورش تأسیس می‌شود که استاد صافی یکی از کارشناسان آن است.

«به این نکته توجه کنید که مقدمات اجرای دوره راهنمایی از چند نظر فراهم شد که یکی از آن‌ها مشاوره بود. بعد از طرح اصلاح ساختار نظام آموزش و پرورش، مجموعه برنامه‌های درسی دوره‌ها تدوین شدند. این کار تا سال ۵۰ در دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی که امروز سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است انجام می‌شد تا این که دفتر ستادی راهنمایی تحصیلی تشکیل شد.»

**برایمان جالب است که بدانیم استادان طرح تربیت کارشناسان ارشد مشاوره و راهنمایی چه کسانی بودند.**

«استادان همان نویسندگان طرح بودند که برای تأمین نیروی دبیر و مشاور، با دانشگاه تربیت معلم به تعامل پرداختند. بین وزرات آموزش و پرورش و دانشگاه تربیت معلم، قراردادی منعقد شد که براساس آن، سالانه پنجاه نفر از کل معلمان که لیسانس علوم تربیتی داشتند، از طریق آزمون، در رشته کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره پذیرفته شدند. استادان ایرانی و خارجی که این طرح را اجرا می‌کردند، با اهداف دوره راهنمایی آشنا بودند.»

**استاد می‌گوید، در واقع سابقه طرح مطالعاتی راهنمایی تحصیلی به سال ۱۳۳۷ باز می‌گردد که در سال ۵۰ اجرا شد. البته طرح در سال ۱۳۳۷ نظام یافته نبود، بلکه در سطح یک تفکر مطرح شد. در این تفکر، مسئولان معتقد بودند، بهتر است دانش‌آموزانی که از سیکل اول به سیکل دوم می‌روند، راهنمایی شوند.**

در همان زمانی که تفکر «راهنمایی تحصیلی» دانش‌آموزان دوره شش ساله متوسطه مطرح می‌شود، کتاب‌هایی با محوریت این موضوع سفارش داده می‌شود که کتاب ارزشمند آقای دکتر کاردان یکی از آن‌هاست.

«طی این مطالعات، کشورهای که این دوره را اجرا کرده بودند نیز بررسی شدند. یکی از متخصصان مرکز مشاوره فرانسه، در مطالعه این طرح حضور داشت.»

**افرادی که جمع شده بودند تا در نظام آموزش و پرورش وقت‌نواوری کنند، به این نتیجه مهم می‌رسند که باید برای پیش‌گیری از افت تحصیلی و هدایت درست و اصولی به شاخه‌ها، شناخت و پرورش استعداد و ایجاد رغبت در دانش‌آموزان، ساختار راهنمایی دوره متوسطه تغییر کند و از سه نوع راهنمایی استفاده شود؛ راهنمایی تحصیلی، راهنمایی شغلی و راهنمایی سازشی. استاد می‌گوید، سابقه هر کدام به سال ۱۹۰۰ میلادی باز می‌گردد. زمانی که نظام‌های تحصیلی دنیا، این دوره حساس را در ساختار نظام آموزشی خود وارد کردند. به قول استاد، به این نکته ظریف رسیدند که هر جا تنوع رشته و شاخه هست، باید راهنمایی و مشاوره هم باشد. او این سه نوع راهنمایی را که ظاهراً از هم مستقل‌اند و در واقع به نوعی در هم ادغام شده‌اند، به دقت تبیین می‌کند.**

«بین این سه نوع راهنمایی، راهنمایی تحصیلی جایگاه مهم‌تری دارد. سر در مدارس هم از اصطلاح «راهنمایی



در هر قسمت از نظام آموزشی «انتخاب» وجود داشته باشد، به هدایت تحصیلی نیاز داریم. زیرا فلسفه حقیقی «راهنمایی تحصیلی»، وجود رشته، شاخه و واحدهای درسی متنوع است

تحصیلی» استفاده شده است. اگر این دوره را به خوبی بسازیم، دیگر مردودی با بی‌رغبتی نسبت به رشته تحصیلی را نخواهیم داشت. زیرا این دوره برای همین هدف طراحی شده است.

### استاد یکی دو مورد از اهداف این دوره را یادآوری می‌کند تا در ادامه بحث به آن‌ها استناد کند.

«یکی از اهداف مهم این دوره، کمک و راهنمایی دانش‌آموزان برای یادگیری بهتر و پیشرفت تحصیلی است. تا سه فرهنگ اصیل را به خوبی ترک کند؛ فرهنگ اسلامی، ایرانی و جهانی. تفاوت اساسی این دوره با سایر دوره‌ها در این است که ضمن یادگیری، به دانش‌آموزان کمک می‌کنیم تا استعدادهایشان شناخته و شکوفا شود.

هدف دوم، کمک در انتخاب شایسته و رشته تحصیلی و هدایت دانش‌آموز به دوره متوسطه است.»

استاد معتقد است تغییر نظام متوسطه در سال ۷۰ و انتقال هدف دوم از دوره راهنمایی به سال اول متوسطه، هیچ استدلال دقیقی ندارد. دانش‌آموزان ما هم اکنون در متوسطه، مشکل تحصیلی (مردودی) قابل ملاحظه‌ای دارند.

«ساختار انتخاب شایسته و رشته، ساختاری درجه‌ای است که می‌تواند بهترین ساختار برای نظام آموزش و پرورش باشد. ابتدا دوره‌های عمومی برگزار می‌شود تا استعدادهای عمومی شکوفا شود. این مسئولیت به دوره‌های ابتدایی و راهنمایی واگذار می‌شود. پایان دوره راهنمایی، پایان شکوفایی استعدادها و عمومی است و در پایان دوره متوسطه، شاهد تنوع استعدادها و بروز اختصاصی آن‌ها هستیم.»

### بخش دوم: تغییر ساختار و راهکارهای اجرایی آن

در این بخش از گفت‌وگو با استاد صافی، درباره تغییر ساختار نظام آموزش و پرورش در دوره راهنمایی صحبت کردیم. تشریح پیشینه تاریخی ورود دوره «راهنمایی تحصیلی» به ساختار نظام آموزش و پرورش و تبیین اهداف آن توسط استاد، یک بازه زمانی نسبتاً طولانی را شامل می‌شود: از سال ۳۷ که تفکر آن شکل گرفت تا سال ۵۰ که برای اولین بار به اجرا درآمد. از استاد می‌پرسیم، طرح تغییر ساختار در سال ۸۹ نیز با همین وسواس و دقت نوشته شده است و قابلیت عملیاتی شدن را دارد؟

«اگر می‌خواهیم ساختار را تغییر دهیم و تحول اساسی داشته باشیم، بهترین نقطه شروع، دوره پیش‌دستایی است. فرض کنید که نمی‌خواهیم پیش‌دستایی را اجباری و عمومی کنیم، آن وقت سال اول دبستان، بزرگ‌ترین دوره است. بزرگی هر دوره، تمام ابعاد را با هم در نظر بگیریم: از معلم، کتاب و ساختمان گرفته تا مسائل خانگی. در وقتی می‌خواهیم

ساختار را تغییر دهیم، باید از صفا شروع کنیم و برنامه‌ریزی برای تمام دوازده سال تحصیلی یک‌جا بی‌بررسی نبود. هم‌چنین هر دوره در عملی شدن اهداف مشخص و سپس به کتاب تبدیل شود. زبدهای محتوای کتاب‌های هر دوره، محتوای ترمین دوره‌های اصلی است. پس کار منطقی این است که از دوره ابتدایی شروع کنیم، عدوی می‌گویند دیر است. همین استدلال در تغییر ساختار نظام آموزش و پرورش، در سال ۶۷ هم مطرح شد. آن وقت هم می‌خواستند از ابتدایی شروع کنند. اما گفتند در این دوره مسائل دوره متوسطه زیاد است، بهتر است بود. در این دوره شروع کنیم تا سریع‌تر نسخه بگیریم. آن زمان هم تفکر این اصل بود که بهتر است از پیش‌دستایی شروع شود، اما عملاً به این نسخه رسیدیم.»

استاد می‌گوید، زمانی می‌توانیم تشخیص دهیم امکان تغییر ساختار به صورت بررسی وجود دارد که طرح عملیاتی نوشته شده باشد.

«از تجربه‌های گذشته درس بگیریم و برای ساختار

۱۲+۲۰۳+۶ مستندات علمی پژوهشی ارائه دهیم.»

### در طرح ساختار جدید، بر ضرورت اهداف

«راهنمایی تحصیلی» تأکید شده است؟

«بعداً در سطح یک پیام‌آوانه است. اجرای آن مستلزم این است که به دانشگاه‌ها بفرستیم بیست تیروی که قرار است این اهداف را عملی کنند، داده شود.»

عده‌ای معتقدند، این دوره نتوانسته است به

اهدافش برسد و در اصل و بنیاد دوره‌ای

بی‌هویت بوده است. پاسخ شما به این عده

چیست؟

«اگر این دوره توانسته است به اهداف واقعی خودش برسد، به معنای آن نیست که در محتوای جدول و اهداف آن مشکل وجود دارد، بلکه نشان می‌دهد که ما در اجرای آن به قدر لازم نرسیده‌ایم. به نظر می‌رسد بین مشکل به ساختار مربوط نیست.»

استاد از یک اصل می‌گوید:

«در نظام آموزشی چه مدرسه چه در دانشگاه ارائه درست خدمات راهنمایی و مشاوره در تمام سطوح، یک اصل است. اولین خدمت راهنمایی، خدمت اطلاعاتی با اطلاع‌رسانی است. همه دوست دارند بدانند در چه رشته تحصیلی چه شغلی موفق‌ترند. اگر این ارتباط درست نشان داده شود، ارتباط دیگری و رضایت‌بخشی در افراد جامعه دیده می‌شود. در مطالعاتی در یکی از کشورهای، موجه عدم دانش‌آموزان در پیش‌دستایی با مشاغل آشنا می‌شوند. برای مثال، در باره‌های عمیق، به یکی از بانک‌های نزدیک مدرسه می‌روند و رئیس و کارمند بانک درباره شغلیشان با آن‌ها صحبت می‌کند.

در خدمت اطلاعاتی می‌تواند ارزش‌هایی بدون کرد که در آن رشته‌های آشنایی با مشاغل کودکان و خانواده‌های

وقتی می‌خواهیم ساختار را تغییر دهیم، باید از صفا شروع کنیم و برنامه ملی برای تمام دوازده سال تحصیلی یک‌جا بی‌ریزی شود. هم‌چنین سهم هر دوره در عملی شدن اهداف مشخص و سپس به کتاب تبدیل شود

اگر نیروی لازم تربیت نشود، شکست طرح معنا ندارد. نکته مهم‌تر این است که اهداف را به طرح‌های قابل اجرا تبدیل کنیم که بتوان آن‌ها را پی‌گیری کرد. به اعتقاد بنده، تداوم اندیشه در طرح‌های ما کم بوده است



دانش‌آموزان به آن‌ها فراهم شود. در این روند، بهتر است اطلاعات دست اول و به روز باشند.

خدمت دوم، ارزیابی همه‌جانبه دانش‌آموزان است. این خدمت شامل جمع‌آوری همه‌جانبه اطلاعات، کاربرد روش‌ها و ابزار ساخت و تجربه و تحلیل اطلاعات و استفاده از اطلاعات عینی درباره هر دانش‌آموز است.

خدمت سوم، خدمات مشاوره‌ای است. در این فرایند خودشناسی فرد تسهیل می‌شود تا مشکل موجود راحت‌تر حل و فصل شود.

خدمت چهارم، خدمات طرح‌ریزی تحصیلی، شغلی، ارجاع و پی‌گیری است. هدف عمده این خدمات، یاری دانش‌آموزان در دوره‌های گوناگون تحصیلی است تا بتوانند در تهیه طرح‌های آینده تحصیلی و شغلی و بهره‌وری از فرصت‌ها و امکانات مدرسه و بازار کار موفق یابند.

### استاد حضور این چهار نوع خدمت را با چند پرسش تحلیلی، الزامی می‌شمارد:

«اگر این خدمات از دست‌انداز به دانش‌آموز اراده شود، باز هم دچار مشکلات متعدد تحصیلی خواهد شد؟ راهنمایی قبل از این که به درمان بپردازد، پیش‌گیری می‌کند. به نظر شما تا اجرای این خدمات، باز هم ردی و اخراجی خواهیم داشت؟ آمار دانش‌آموزانی که به رشته تحصیلی خود رغبتی نشان نمی‌دهند، به چه عددی خواهد رسید؟»

### اهداف دوره راهنمایی تحصیلی از نگاه برخی از مسئولان زیر سؤال رفته است. نظر شما چیست؟

«نکته مهم این است که اهداف پی‌گیری نشده‌اند. اگر در گذشته چند سال قبل از شروع دوره راهنمایی تحصیلی، کارشناس ارشد در رشته مرتبط تربیت می‌کردیم، پس امروز توانایی تربیت افراد با صلاحیت‌های بالاتر در مقاطع دکترا را داریم. اگر نیروی لازم تربیت شود، شکست طرح معنا ندارد. نکته مهم‌تر این است که اهداف را به طرح‌های قابل اجرا تبدیل کنیم که بتوان آن‌ها را پی‌گیری کرد. به اعتقاد بنده، تداوم اندیشه در طرح‌هایی ما کم بوده است.»

### به نظر شما طرح برنامه درسی ملی تا چه اندازه قابل اجراست؟

«تلاش‌های ارزشمندی در برنامه درسی ملی صورت گرفته و لازم است که با سند ملی آموزش و پرورش هماهنگ شود. نکته قابل توجه این که نمی‌دانیم توانایی‌های اجرایی طرح یاد شده چه اندازه است. فقط این را می‌دانیم که تا آمادگی لازم صورت نگیرد، نمی‌توانیم شروع کنیم. مسئولیت مجریان طرح مسئولیت بزرگی است، زیرا نه دنبال تغییر بنیادین هستند، نه تنها تغییر و تحولی اصلاحی!»

باید به اصل نیروی انسانی، فضای آموزشی و برنامه‌های درسی را در کنار و ملازمت هم آماده کنند تا طرح به بهترین شکل اجرا شود.»

### صحبت‌های پایانی دکتر صافی، چند توصیه دوستانه به مسئولان نظام آموزش و پرورش است:

«در قدم اول، معلمان، مدیران و کارکنان تمام دوره‌های تحصیلی را با اصول و اهداف راهنمایی به ویژه راهنمایی تحصیلی و شغلی آشنا کنیم که بخشی از این اطلاع‌رسانی می‌تواند از طریق محله شما هم صورت بگیرد. در مرتبه دوم، تکلیف دوره متوسطه و دانشگاه مشخص باشد تا بجهت قبل از ورود به این دوره‌ها، اطلاعات درست کسب کنند و بدانند مسیری که در آن هستند، به کجا می‌رسد.

توصیه سوم این است که در تمام این مراحل، میزان شناخت دانش‌آموز از خودش و همین‌طور شناخت خانواده از او را بالا ببریم.

توصیه چهارم این که لازم است به ساختار واقعی اهمیت دهیم و تحول نظام آموزش و پرورش را در ابعاد گوناگون آن در برنامه پنجم توسعه مورد توجه قرار دهیم.

عقل به این چهار نکته، مستلزم این است که در تربیت معلم و بازارموری آن‌ها، دوره‌های کاربردی‌تر پی‌ریزی شوند. در محتوای کتاب‌های درسی نیز می‌توانیم شناخت مشاغل و رشته‌های تحصیلی و رغبت نسبت به آن‌ها را لحاظ کنیم.»



### گفت‌وگو با دکتر صافی را با پیشینه تاریخی دوره راهنمایی تحصیلی آغاز کردیم و در آخر، روند صحیح تغییر ساختار نظام آموزشی را فرا گرفتیم. این چند جمله استاد را برای همیشه به خاطر سپردیم:

«برای عملی کردن هر فکر درستی، به افرادی نیاز داریم که اهل نظر باشند و ثبات و پی‌گیری امور از نوشتن قانون تا تصویب و اجرای آن، از ویژگی‌های آن‌ها باشد. ما در عملی کردن افکارمان کم توانیم، البته با کمی تأمل می‌توان از این سد هم گذشت!»



وزارتخانه آموزش عالی  
وزارت آموزش عالی

# حافظه تاریخی یا تاریخ حفظی

دکتر عباس پرتوی مقدم

کارشناس مسئول گروه درسی تاریخ  
دفتر برنامه‌ریزی و مآلف کتب درسی

اشاره

می‌شود. با چنین تعریفی از تاریخ به مثابه گذشته، عمیق تاریخ عبارت از توصیف و شرح زندگی انسان و فرمان‌روایان و گزارش‌های طولانی و مفصل دربارهٔ جنگ‌ها، کشمکش‌ها و دسیسه‌ها و نیز رشادت و سنجش‌سوری‌های قهرمانان است. محصول بهایی چنین علمی، مجموعه‌ای از وقایع تکراری‌های سیاسی - نظامی است که بر حسب زمان وقوع مرتب شده‌اند و دهن موج مانند تک‌آهنگ‌ها را منعکس می‌سازد. چنین تعریف و نسی از تاریخ و علم تاریخ، آثار و الزامات خاصی بر آموزش درسی تاریخ دارد:

**تحدید و تقلیل علم تاریخ:** محدود کردن تاریخ به فضایی سیاسی و نظامی و با محور و اساس قرار دادن این فضا در تاریخ، موجب حذف و یا مغفول ماندن بخش مهمی از گذشتهٔ انسان‌ها و حوامع انسانی مانند حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، از قلمرو تاریخ و علم تاریخ می‌شود. در غیاب چنین مباحث و موضوع‌های ریز و پودانی از متن برنامهٔ درسی تاریخ، قانع کردن مخاطبان اصلی برنامهٔ درسی به این که تاریخ علمی شودمند و مؤثر است و گری هر چند ساده، از مشکلات بی‌شمار آنان در نیای کنونی می‌گساید، بسیار دشوار و سخت خواهد بود. از طریق ستر هم بندی کردن مضمی از رخدادهای ریز و درشت به برسد زمان وقوع، ولی فاقد چارچوب و ملرخی هدفمند، تک بعدی، به دور از تعادل و توازن و بی‌ربط، مانند و نمی‌توان از دانش آموزان انتظار عبرت‌آمیزی و کسب تجربه داشت. با نگاهی گذرا به عناوین بخش‌ها، سرفصل‌ها، عنوان درسی‌ها و سیرهای برنامهٔ درسی تاریخ، می‌توان به غلبهٔ چنین نگاهی بر حوزهٔ آموزش درسی تاریخ پی برد. بیشتر این عنوان‌ها به سلسله‌های حکومتی، خاندان‌های سلطنتی، امیران، خلفا و یا رویدادهای سیاسی و نظامی اختصاص یافته، اما ذکر گویی‌ها و تحولات اجتماعی

آموزش درسی تاریخ، در نظام آموزشی ایران، در مجموع وضع مطلوبی نداشته و قادر به تحصیل اهداف و انتظارات مورد نظر نبوده است. علت این امر، وجود کاستی‌ها و نقایصی در حوزه نظر، روش و ارزش‌یابی آموزش درسی تاریخ است. نگارنده در حد بضاعت ناچیز علمی و تجربه چندین سال تدریس درسی تاریخ، به طرح باره‌ای از این نقایص و کاستی‌ها در حوزهٔ نظر می‌پردازد. ذکر این نکته در ابتدای سخن واجب است که این نوشته به هیچ وجه، قصد زیر سوال بردن و یا نادیده گرفتن تلاش‌ها و زحمات بی‌شائبهٔ برنامه‌ریزان، مؤلفان کتاب‌های درسی و دبیران درسی تاریخ را ندارد، بلکه غرض طرح اسباب‌ها، مشکلات و محدودیت‌هایی است که بر اثر سایه سنگین یک نگرش و نحله تاریخی، گریبان گیر برنامهٔ درسی تاریخ شده است.

## نارسایی‌ها و کاستی‌های حوزهٔ نظر

تعریف و نسی دقیق، علمی و به دور از عصبیت، فلسفهٔ وجودی و مبانی نظری رشته و عادهٔ درسی، اهمیت و ضرورت سرمی برای معلمان و مدرسان این رشته و عادهٔ درسی دارد. واژهٔ تاریخ، هم بر عنوان تک علم و هم بر موضوع آن دلالت دارد. اولی و اساسی‌ترین ایراد و اشکال در حوزهٔ آموزش درسی تاریخ، تعریف و نسی نارسا و غیرعلمی از تاریخ به مفهوم گذشته (موضوع علم تاریخ) و نیز تاریخ به معنای علم تاریخ است. در نگاه سنتی که تاکنون بر آموزش درسی تاریخ حاکم بوده است، تاریخ عموماً با گذشتهٔ صاحبان قدرت و نخبگان سیاسی و نظامی مترادف است. از این منظر، تاریخ به حیطهٔ سیاسی، نظامی و جداگانهٔ اداری محدود و منحصر





در تاریخ‌نگاری سنتی، سیاست و نظامی‌گری، قضا را بر فرهنگ و حوزه تمدنی نیز تنگ و محدود ساخته است. سازندگان واقعی فرهنگ و تمدن شناخته نمی‌شوند و یا حداقل نقش و سهم آنان به روشنی بیان نمی‌گردد. اصلاً این نحله تاریخی، دغدغه چنین بحث‌هایی را ندارد و حداکثر به این اکتفا می‌کند که فرضاً تمدن ایران در عصر هخامنشیان و یا در زمان فلان شاهنشاه و امیر به عظمت و شهرت رسید و از معدودی دانشمند و عالم سرشناس نام ببرد. سخنانی که بیان‌کننده و نسنیدن آن‌ها فرق چندانی ندارد، زیرا عناینی به زمینه‌ها، عوامل و دلایل شکل‌گیری، توسعه، تحول و سقوط فرهنگ و تمدن و یا ویژگی‌های عام آن ندارد؛ این در حالی است که در تاریخ دیرپای ایران، از یک سو جنبه و جهات فرهنگی بر سایر جنبه‌ها غلبه دارد و تلاومی مستمر و معنادار در این بخش مشاهده می‌شود که کمتر در تاریخ سایر جوامع و کشورها ملاحظه می‌گردد و از سوی دیگر، تحقق و تحصیل هدف‌های تربیتی و فرهنگی درس تاریخ، فقط با تکیه و تأکید بر تاریخ فرهنگ، تمدن و سیر و تحول آن امکان‌پذیر خواهد بود.

بنابراین، اگر در عصر ارتباطات کنونی که کره زمین به دهکده جهانی تعبیر شده، این همه از هویت ملی سخن به میان می‌آید و بر ضرورت درک شاخصه‌های هویت جمعی و نقش تاریخی آنان در هویت‌بخشی به یک ملت تأکید می‌شود، باید به این نکته توجه کرد که قسمت اعظم مؤلفه‌های هویت ملی، عناصر فرهنگی هستند و فقط از طریق کنش‌ها در تاریخ فرهنگی، می‌توان مؤلفه‌های هویتی و کارکرد تاریخی آن‌ها را شناخت و تعریف و باز تعریف کرد. بدون شک با پیش‌تاریخی مبتلا به فقر نظریه و فقر تفکر منطقی و بیگانه با روش شناختی علمی، نمی‌توان از عهدۀ این امر خطیر برآمد و وقایع‌نگاری‌های سیاسی و نظامی صرف، ظرفیت و توان نیل به این هدف‌ها را ندارند؛ پس به ناچار باید طرح دیگری در انداخت.

**نقص و نارسایی در فهم گذشته:** گذشته انسان‌ها و جوامع، مجموعه‌ای از حیطه‌های متعدد و متکثر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است که به شکلی در هم تنیده و مرتبط با هم نقش‌آفرینی می‌کنند. وجود و کارکرد هر جزء وابسته و منوط به وجود و کارکرد اجزای دیگر است. بنابراین، شناخت هر جزء و یا درک کلیت این موجود، به فهم تمام اجزا و روابط و تأثیر و تأثر متقابل آن‌ها منوط است. رهیافت نظری سنتی از تاریخ، حتی قادر به تبیین دقیق و درست تحولات سیاسی و نظامی نیست، تا چه رسد به این که بخواهد گذشته انسان‌ها و جوامع را درک و تحلیل کند. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، علم تاریخ را به دانش انبارداری تنزل می‌دهد و حافظه متعلمان را از وقایع ریز و درشت، نام‌ها و تاریخ‌ها انباشته می‌سازد. این وضعیت و شرایط، پرسش‌های متعددی را به ذهن متبادر می‌کند که پاسخ گفتن به آن‌ها اهمیت اساسی

حایی در میان آن‌ها ندارند و یا سهم بسیار ناچیزی دارند؛ زیرا نگرش تاریخی بیش گفته، از یک سو نسبت به چنین مباحثی کم‌التفات است و از سوی دیگر به سبب فقر تئوریک و ضعف روش، از درک این‌گونه موضوع‌ها ناتوان است. حتی حوزه تاریخ سیاسی و نظامی نیز که بسیار قریه است، در جنبه و سیطره جزئیات و مباحث کم‌اهمیت گرفتار آمده و از درک و شرح ساخت قدرت، مکانسیم تولید و توزیع قدرت و فرایند تلاوم و تحول قدرت سیاسی - نظامی در تاریخ ایران، عاجز و قاصر است. بنابراین، در برنامه درسی و آموزشی مبتنی بر این پیش‌تاریخی، خصوصیات و تمیزات مشترک و عام تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران که همواره در سراسر تاریخ تلاوم یافته و به جامعه ایرانی هویت بخشیده‌اند، محلی از اعراب نمی‌یابند. موضوع و محثی که باید جزو اهداف اصلی آموزش درس تاریخ در حوزه آموزش عمومی باشد، عملاً مطرح نمی‌شود. در نتیجه، شهروندان این اجتماع فرهنگی، شناختی کلی و درکی واقعی از گذشته زندگی جمعی خود و سیر تحولات آن پیدا نخواهند کرد؛ برای نمونه، فصول و یا عنوان‌های متعددی از کتاب درسی به شرح جنگ‌های سپاهیان مسلمان عرب یا ارتش ساسانی و جریان فتح ایران اختصاص دارد، اما درباره موضوع مهم‌تری مانند ورود اسلام به ایران و چگونگی گرویدن ایرانیان به دین اسلام، عنوان و یا حتی مطلبی دیده نمی‌شود. زندگی سکنه روستایی، شهری و عشایری و بالطبع تاریخ شهر و روستا، دیگر حلقه مفقوده و مغفوله بزرگ تاریخ‌نگاری و وقایع‌نگاری‌های سیاسی و نظامی است و این سبک و مکتب تاریخی، توجه و عناینی به این مباحث ندارد و در توان و حوصله آن نیست که به این قلمروها ورود کند. در حالی که حوزه وسیع زندگی اجتماعی و موضوعات جذاب و گریزناپذیر از قبیل شکل پوتش، نوع تعدیه، آداب و رسوم، و نیز تلاوم و تحول آن‌ها در طول زمان، ظرفیت مناسبی برای خارج کردن درس تاریخ از خشکی و زمختی مباحث سیاسی و نظامی دارد.

تاریخ تحولات اقتصادی به مراتب بیش از حوزه تاریخ تحولات اجتماعی در تاریخ‌نگاری سنتی و برنامه درسی متکی بر آن، مسکوت مانده است، گاهی به صورت پراکنده و غیرمسجم، از مالیات‌ها و تجارت ذکری به میان آمده است، اما ساخت اقتصادی جامعه، مناسبات و نیروهای تولیدی و در یک عبارت، فرایند تولید و توزیع قدرت اقتصادی، هیچ بیانی در آن برنامه پیدا نمی‌کند. شرح جنگ‌های طولانی و مکرر اشکانیان و ساسانیان با رومیان، با اب و تاب فراوان بیان شده است و به درستی، رشادت و سلحشوری سرداران و سربازان ایرانی در دفاع از مرزبوم ایران زمین مورد تحلیل و تکریم واقع شده، اما چون رهیافت نظری به تاریخ، مبتنی و متکی بر تاریخ سیاسی و نظامی جز، نگر است، به هزینه‌های هنگفت مالی ایس نبردها و تأمین‌کنندگان آن، یعنی کشاورزان، کارگران، پیشه‌وران و بازرگانان ایرانی هیچ اشاره‌ای نمی‌شود.

**آیا این شکل از آموزش تاریخ، می‌تواند موجب، مسبب و ماده‌ای برای تفکر، نقد و نقادی باشد**



ویژه نامه آموزش درس تاریخ

دارد. ۱. سبب امروز و مخاطبان اصلی برنامه درس تاریخ تا چه اندازه حوصله و تحمل دانش آموزانی را دارد؟ ۲. میزان درس تاریخ تا چه اندازه قادر به جذب توجه و خلاقیت متعلم به درس تاریخ با این ویژگی‌ها هستند؟ ۳. به نظر سیرت صرف حوادث و رویدادهای روز و درنگ عمیق به گذشته‌های دور و نزدیک، در تئوری آموزشی، چه نفعی برای حافظان آن‌ها دارد؟ ۴. درس انفرادی چگونه می‌تواند موجب شکوفایی استعدادها و بروز جلالتهای دانش آموزان شود؟ ۵. آیا این شکل از آموزش تاریخ، می‌تواند موجب سبب و ماندهای برای تفکر، نقد و نقدی باشد؟

برخی از تحلیل‌های سطحی از تحولات سیاسی و نظامی ایران در کتابهای درسی، که جای هیچ انتقادی برای گذشته باقی نمی‌گذارد، نسخه همی نگاه بقدرت و ابروی گذشته به تاریخ و علم تاریخ است. برای مثال حضور جوامع سیاسی و فئودالی باستان و سقوط آنها به دست فغانان، سبب و باعث تحمل گرایی، خوش گذشتن و غشایی تخریب فرمال و ابالی بگونه بحث این سلسله‌ها، تحلیل می‌شود. از جنبه فلسفی و نظری از تاریخ، عاجز از فهم ریشه‌ها و علل مرکب و جداگانه تحولات تاریخی است و به این گونه تحلیل و تفسیرهای تارو و پوسل و پمک می‌جوید.

بی‌توجهی و ناآشنایی تاریخ نگری سوسیالیستی در فهم، نقد و سنت رخدادهای تاریخی و یکدیگر و نگاه صحت تئوری تحولات گذشته، غرضی شده است که در برنامه آموزشی درس تاریخ، ابزارها و هدفها حفظ شوند، بر آن بر جای هدف نیست و فرغ بر اصل برتری جوید، بدین سان، اساس برنامه ترمیمی و آموزشی تاریخ، در نهایت به حفظ وقایع، ناهنجاریها و حلاله و خیم می‌شود و تمام کوشش دنیای راهتمایی و هدایت متعلم به جهت حفظ کردن سطحی ترین مفاهیم و موضوعهای تاسی معطوف می‌شود. رفع و غلظی بر آنکه در هر سبب از درس باقی، در کارنامه دانش آموز ثبت می‌گردد، پس از آن که معرفی مفهوم و درک او از مفاهیم و مباحث اساسی و اصلی باشد. ترمیمی با نشانی از بسرفقت و لقب تحصیلی او باشد. در واقع چهارمبارگر قدرت حافظه او است، ترمیمی و تکی نیست که ذهن او قادر نیست مجموعه‌ای از اطلاعات خام را آنگونه بخسونه و باقی را ترکیب کند و به ساخت و ترکیب هر چند جزئی و نهایی، دست یابد.

**شخصیت پروری در تاریخ:** سبب دیگر تخصص در تاریخ و علم تاریخ به حوزه سیاست و جنگ، ناگفته و غرض پس از حد بر نقش شخصیتها و جنگجویان سیاسی و نظامی در تاریخ است. این سنت تاریخی، تاریخ و علم تاریخ را عملاً به ارتباط قدرت و محدود در حصار جنگ دربارها منحصر می‌سازد. مرده در چنین تاریخی به تنها هیچ جایگاه و خسی ندارد. سبب سبب و اطلاعات نمی‌شوند و به حساب نمی‌آیند. فلسفه است که سبب و مردمان عادی جامعه را حسن در آن از تاریخ که گذشته آنان را انعکاس می‌دهد، خواند، بنده و غنچه می‌نویسد. برقرار سازند البته معنا و مفهوم این سخن این است که تاریخ سیاسی و نظامی، فقط به حکومتگران متعلق است، بلکه منظور آن است که یعنی درک باقی و ابزار تاریخ سیاسی، ابانه می‌شود که این ذهنست نامرست را اتفاق می‌کند.

**تکرار مطالب و موضوعات:** کارهای تکراری و سلال آور، ویژگی دیگر وقایع نگاری‌های سیاسی و نظامی است که اصطلاحاً می‌توان عبارت «تسب و قسجی» از آن می‌تواند بوسیله بسیاری از آن‌ها به کار برد، تکرار نگاه مطالب و مباحث کتابهای درسی تاریخ تئوری ابتدایی در کتابهای درسی تاریخ تئوری راهتمایی و تکرار مطالب این دو تئوری در تئوری سلسله، ریشه در همین نگاه تاریخی دارد.

**ناپیوستگی و انفصال بدیده‌های تاریخی:** ویژگی دیگر وقایع نگاری‌های سیاسی و نظامی، انفصال و پراکندگی رویدادها و حوادث است. وقایع و رخدادهای سیاسی و نظامی، به تنها در قالب فرایندی از تحولات صرف و جداگانه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی فقط به ارزیابی نمی‌شوند، بلکه حتی سبب بر مفسر و جدا ساختن رویدادهای سیاسی و نظامی از مقدمه و مخرجهای خود گریزی دارند. در این رابطه بغیری از تاریخ، تاریخ موجودی، توان، سبب



رهیافت نظری سنتی از تاریخ، حتی قادر به تبیین دقیق و درست تحولات سیاسی و نظامی نیست، تا چه رسد به این که بخواند گذشته انسانها و جوامع را درک و تحلیل کند





ویژه نامه آموزش درس تاریخ

راه تفکر منطقی، پژوهش روشمند و اطلاع و آگاهی از مباحث نظری و ثنویک سایر رشته‌های هم بسته و همسایه با تاریخ، یعنی جغرافیا، جامعه‌شناسی، اقتصاد، فلسفه و روان‌شناسی به دست می‌آید.

البته کاربرد و اجرای این نحله تاریخ‌نگاری در پژوهش و آموزش، به سادگی بیان آن نیست. پژوهنده و دبیر تاریخ نیازمند آن است که درباره مبانی نظری و حتی فلسفی این تفکر تاریخی و سازوکارهای روش شناختی آن بسیار مطالعه کند و یا تتبع و تأمل، هم ویژگی و مختصات این نحله تاریخ‌نگاری و هم کارکرد، نتایج و آثار آن را بشناسد بنابراین، اطلاع به روز از حوزه نشر و ادبیات پژوهشی تاریخ و مطالعه آثار و تحقیقات متعدد و متنوع پژوهشگران تاریخ، راز و رمز اصلی رفع کاستی و نارسایی‌های آموزش تاریخ در بخش نظر، نگاه و بینش تاریخی است.

و متحرک نیست و فاقد روح است؛ لذا رخدادهای تاریخی، همانند یک فسیل یا سی، فیزیکی، توصیف و ترسیم می‌شوند. خلاصه این که تاریخ‌نگاری سیاسی - نظامی سنتی، انگیزه و توان درک ربط منطقی و چند سویه فضا یا و تحولات پیچیده تاریخی را ندارد و به روابط علی و معلولی قضایای تاریخی در سطح کلان آن توجه نمی‌کند.

در مقابل چنین نگاه سنتی به تاریخ، می‌توان تعریف و تبیین علمی و به روز از تاریخ و علم تاریخ ارائه کرد. تا اسباب و علل رفع و یا حداقل کاهش نارسایی و نقیصه‌های فوق باشد. نگاهی نو و پویا به تاریخ که در عین حفظ تعادل و توازن در ابعاد سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تاریخ، هدف خود را بر درک روح تاریخ و فهم ارتباط منطقی و ربط علی و معلولی قضایا و تحولات چندگانه و چندجانبه تاریخی استوار سازد؛ و به تاریخ به مثابه جریانی پویا و زنده بنگرد که حال را ساخته و به سوی آینده در حرکت است. در نگاه فرابندی به تحولات تاریخی، هر واقعه و حادثه تاریخی، همانند یک قطعه یازل است که به تنهایی و به صورت منفصل، ارزش، اعتبار و معنا ندارد و فقط هنگامی معنا و مفهوم می‌یابد که در کنار دیگر قطعه‌های یازل قرار گیرد و مجموعه هماهنگ، منسجم و معناداری را تشکیل بدهد. با چنین رهیافت نظری از تاریخ، رخدادهای تاریخی چیزی فراتر از پوسته و ظاهر تاریخ به حساب نمی‌آیند و در مطالعه تاریخ، تنها ابزاری برای شناخت و تحلیل تحولات تاریخی هستند. بر این مبنا، «منظور از تاریخ، رخدادهای و تحولات زندگی انسان‌ها و جوامع گذشته است که تمام عرصه‌های تمدنی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی را که انسان محور و اساس آن بوده است، شامل می‌گردد». «علم تاریخ نیز علم شناخت، تحلیل و تفسیر رفتار و اندیشه افراد، اقوام و جوامع گذشته است که براساس روش‌ها، گزینش‌ها و تفسیرهای مورخان به دست می‌آید».



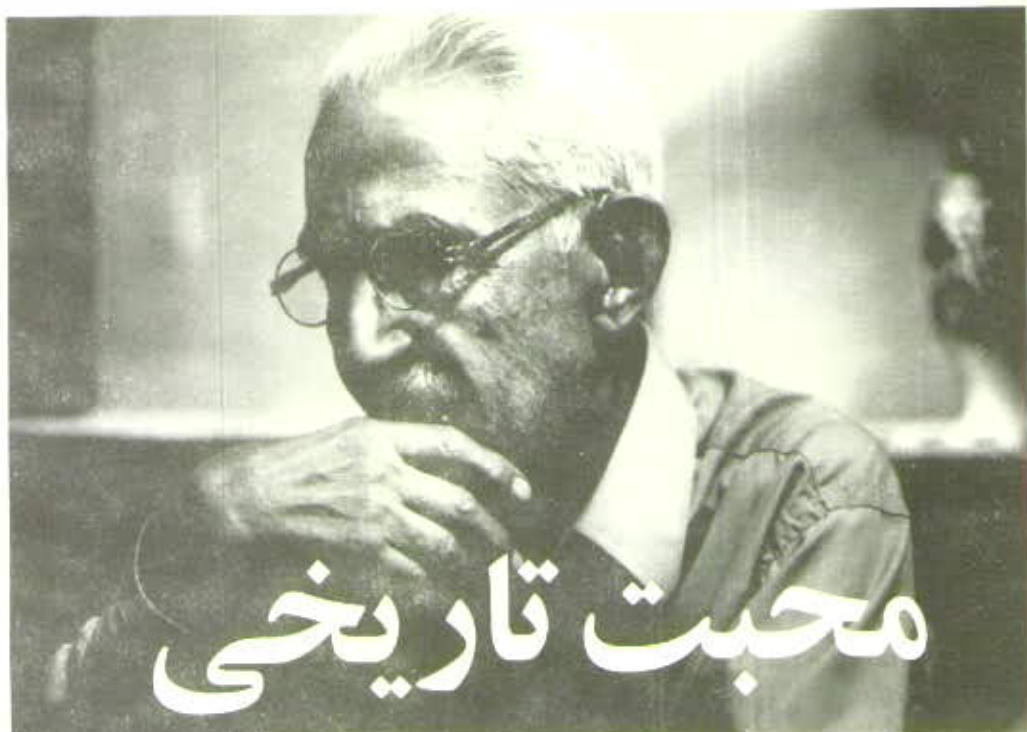
در نگاه سنتی که تاکنون بر آموزش درس تاریخ حاکم بوده است، تاریخ عموماً با گذشته صاحبان قدرت و نخبگان سیاسی و نظامی مترادف است

این رهیافت نظری به تاریخ، با رهیافت پیشین تفاوتی اساسی دارد. اول آن که مردم و اعضای جوامع انسانی محور و مرکز تاریخ هستند و نه اشخاص، قشر و گروه خاصی. دوم آن که تاریخ فقط به رویدادهای سیاسی و نظامی محدود و منحصر نیست، بلکه تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را شامل می‌شود. سوم آن که تاریخ فقط عرصه بودن‌ها نیست، بلکه عرصه شدن‌ها نیز هست و جریانی پویا، پوسته، زنده و متحرک است. چهارم آن که تاریخ مجموعه‌ای از حوادث پراکنده، اتفاقی و شانسی نیست، بلکه سلسله وقایع منظم علی و معلولی است که براساس انتخاب و اختیار انسان‌ها به وقوع می‌پیوندد.

علم تاریخ نیز در این نگاه، وقایع‌نگاری ساده و داستان‌سرایی و یا دانش انبارداری نیست، بلکه علم شناخت، تحلیل و تفسیر اندیشه و عملکرد انسان‌هاست و به راحتی نمی‌توان آن را از طریق جستب و قیچی حاصل کرد، بلکه از



ویژه نامه آموزش درسی تاریخ



# محبت تاریخی

گفتگو: فاطمه خرقانیان

در آغاز تأسیس «مدرسه فخرنامه» در کربلا علی بن ابی طالب (ع) «پهنوی» تعریف پیدا کرد پس از آن اولین «مدرسه» در کربلا به یکی از دانش‌آموزان، «سید» «پیرجمیل» معین نام داشت و پس از مدتی هم منجم حسینی در سال ۱۳۵۱ هم در کربلا در زمینه‌های سخنرانی، علوی، اسلام و تاریخ تاریخ و در سال ۱۳۵۱ در آن جا تدریس کرده.

○ از دوران کودکی خود چه خاطره‌ای دارید.

● کم‌دکی‌ام در دوره رضاشاه سیری شد. موبیخ «مدرسه» از «معدن» را فراموش نمی‌کنم «پرویز» خوش‌نوا هم در آن زمان استاد بودم. «مومیل» مخطی را هم می‌شناسم و در آن زمان بود که رضاشاه، «انوارک» از این جمهوری ترک‌خواه و غیر اسلامی را بنام «فخرنامه» داخل کرد. دولت آمد و پاره‌ها را دور برداشته را امتداد کند.

○ چرا برای ادامه تحصیل رشته تاریخ را انتخاب کردید؟ آیا علاقه داشتید یا علت دیگری وجود داشت؟

● من در دوره ابتدایی علاقه خاصی به تاریخ و جغرافیا نداشتم و بیشتر تشویق معلم و دوستانم به انتخاب این رشته بود. خانواده دینی من بود و من هم در آن زمان به جغرافیا علاقه نداشتم. من برای تاریخ را انتخاب کردم. اما این انتخاب من را از سوی خانواده‌ها و دوستانم به جغرافیا تشویق کردند.

ابراهیم تاریخ که به تاریکی به ۹۰ سالگی رسیده است. بیش از ۴۰ سال عمر خود را در کار تدریس تاریخ صرف کرده است. تاریخ شاکرد مدرسه دارالقون بوده و آخرین سال‌های تدریس خود را در مدرسه «اهتمامی علوی» تهران گذرانده است. سعادت نیست داد ما در منزل «حسن» است. گفتگو با این معلم تاریخ دانسته باشیم.

○ آقای تارخ، مختصری از زندگی خود را بیان کنید.

● من در سال ۱۳۹۹ شمسی در تهران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه «ناصر حسینی» تحصیلات دبیرستانی را در مدرسه دارالقون و تحصیلات عالی را در دانش‌سرای عالی گذراندم. در سال ۱۳۲۱ در رشته تاریخ و جغرافیا فارغ التحصیل شدم.

○ چه وقت و چگونه کار تدریس را شروع کردید؟

● در سال ۱۳۲۲ اردوچ کردم. در سال ۱۳۲۶ به خاطر وجود بعضی مشکلات، به شهرستان آمود رفتم و تدریس آن درس را آغاز کردم. سپس در سال ۱۳۲۲ به تهران آمدم و چون عهد تولتی داشتم، به یک مدرسه دولتی همراه شدم و در تدریس به نام «پهنوی» در نزدیکی «میدان قیام» مشغول به کار خود را ادامه دادم. البته این مدرسه یک ساله تاریخی داشت و دانش

فصلنامه علمی-پژوهشی  
آموزش درسی تاریخ  
شماره ۱۳۳  
پیاپی ۱۳۳  
تابستان ۱۳۹۸





ویژه نامه آموزش درس تاریخ

### ○ در مواجهه با رفتارهای ناپسند دانش آموزان چه عکس العملی نشان می‌دادید؟

● خب بچه‌ها گاهی کارهایی می‌کنند که شاید ما نپسندیم. اما معلم باید گذشت داشته باشد، هم رهبر باشد و هم با عاطفه. معلم نباید اهل خشونت باشد تا شاگرد بتواند از او استفاده کند. زمانی من در شهرستان سر کلاس نشسته بودم و داشتم حرف می‌زدم، یکدفعه یکی از بچه‌ها داد زد، آقا مارمولک! من در حینی که حرف می‌زدم، دیدم که دانش‌آموزی مارمولک را از لباسش درآورد و در کلاس انداخت. گفتم، فلانی! بلند شو مارمولک را بگیر و از کلاس بیرون ببر. اگر خواستی مجدد به کلاس بیایی، بدون مارمولک بیا. او هم همین کار را کرد و به کلاس برگشت. وقتی دفتر رفتم، آمد و گفت، آقا مرا ببخش! گفتم، من همان موقع تو را بحتسیدم، بعد از سال‌ها او را در تهران دیدم، به من که رسید شروع کرد به خندیدن. پرسیدم چرا می‌خندی، گفت شما را دیدم یاد صحنه کلاس و رفتار شما با خودم افتادم. من الان رییس دبستانم و رفتار با دانش‌آموزان را از شما یاد گرفتم.

### ○ هرگز در طول تدریس اتفاق افتاد که دانش‌آموزی را تنبیه کنید؟

● خیر، در تعلیم‌وتربیت گذشت نیاز است. باید دانش‌آموز خطاکار را بخشید. من در تمام مدتی که معلم بودم، اهانتی به دانش‌آموزانم نکردم. هر خطایی کردند، خشونت نکردم، هیچ! فقط راهنمایی کرده‌ام.

### ○ معلم به جز علم، چه نکات دیگری را باید به شاگردانش تعلیم دهد؟

● مهم است که معلم به دانش‌آموزان بیاموزد، متکی به خدای خود نباشند تنها متکی به بازو و مغز نباشند، باید به خدا متکی شوند. دانش‌آموزی داشتم که نمره امتحانش ۹ شد او می‌خواست من به او نمره پنجم تا به ۱۲ برسد چون در غیر این صورت، باید به سرپراری می‌رفت. من قبول نکردم و گفتم بی‌خودی به کسی نمره نمی‌دهم. اما یک کار در حقت انجام می‌دهم. امشب برای دعا می‌کنم. سحر بلند شدم و نماز شب خواندم و گفتم خدایا، من نمی‌توانم مشکل او را حل کنم، اما از تو می‌خواهم راه نجاتی برایش پیدا کنی...

گذشت. منته‌ها بعد او را دیدم. وضع خیلی خوبی پیدا کرده بود و درآمد بالایی داشت. درآمدش دو برابر من بود. گفت بعد از مدرسه، نظام وظیفه اسم نوشتم که گفتند ۲۰۰ تومان بدهید معاف شوید. من هم معاف شدم. به آبادان رفتم. استخدام شدم. بعد هم شبانه درس خواندم و دیپلم گرفتم. گفتم، دیدی از خدا خواستم و او نجات داد.

### ○ درس تاریخ به چه کار دانش‌آموز می‌آید؟ اگر فردی تاریخ نداند، چه ضرری متوجه او خواهد شد؟

● من به دانش‌آموزانم می‌گفتم، شما که هیچ، بقال سر کوچه هم باید تاریخ بدانند. کسی که می‌خواهد در این کشور زندگی

می‌داند. این موضوع باعث شد بی‌گبر باشم تا همیشه درس را بلد باشم. درباره جغرافی هم نقشه‌فاره‌ها را می‌کشیدم و خیلی تشویق می‌شدم. دبیرستان که بودم، در کلاس تاریخ کنفرانس می‌دادیم. یک بار بعد از کنفرانس من، معلم صدایم کرد و در گوشم گفت تو معلم خوبی خواهی شد. به خصوص آن زمان. دانش‌جویان دانشگاه سر کلاس می‌آمدند و برای معلم شدن تبلیغ می‌کردند. خلاصه، همه این عوامل باعث شد که وارد کار شریف معلمی شوم. **دکتر شریعتی** می‌گفت: «اگر کسی بتواند معلم خوبی باشد، گناه کبیره کرده است که به شغل دیگری بپردازد».

### ○ شما زمانی بسیار طولانی صرف آموزش تاریخ دوره راهنمایی کرده‌اید. به نظر شما آموزش تاریخ چه فایده و ضرورتی برای دانش‌آموز راهنمایی دارد؟ و آن‌ها از تاریخ چه استفاده‌ای می‌کنند؟

● اگر تاریخی که برای محصل نتیجه‌بخش است، گفته شود این آموزش سودمند خواهد بود. و الا صرف شرح وقایع، چندان مفید نیست. به خصوص از آن جایی که ما مشغول آموزش و پرورش هستیم و نه تنها آموزش، پس باید روح بچه را پرورش دهیم. این است که باید طوری درس داد تا دانش‌آموز عاشق شود. عاشق که شد، آموزش معلم روی او اثرگذار می‌شود؛ به شرطی که دانش‌آموز در درجه اول نسبت به معلم علاقه‌مند باشد. بنابراین مرحله اول کار، همان شعری است که هفتصد سال پیش **سعدی** علیه‌الرحمه گفته است:  
درس معلم از بود مرمزه محبتی  
جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را



بچه محبت می‌خواهد. این قدر معلم باید با محبت باشد، تا دانش‌آموز عبت و عبیدش شود. مثل فرزند خودش باید بچه‌ها را دوست بدارد. وقتی علاقه به این حد شد، دانش‌آموز حرف‌شنو می‌شود. اگر نصیحتش کنیم، خطاهایش را گوشزد کنیم و... همه را می‌پذیرد.

تشویق معلم، علاقه به رشته تاریخ را در من ایجاد کرد

معلم باید به دانش‌آموز بیاموزد که تنها به مغز و بازوی خود متکی نباشد، بلکه به خدای خود اتکا کند



ویژگی‌نامه آموزش درس تاریخ



با مطالعه تاریخ، از احوالات  
کسان بیشتری آگاه  
می‌شویم که این می‌تواند  
تجربه بیشتری را در اختیار  
ما قرار دهد

کنند باید بداند چه تحولاتی رخ داده است؟ چه طور و چرا رخ داده است؟ فقط می‌گوید مصدق! مصلح! که بود؟ چرا قیام کرد؟ سخنان چه شد؟ هدفها چه بود؟ به هدفها رسید یا نه؟ در کتاب تاریخ سوم راهنمایی، درباره جنگ ایران و روس می‌خوانیم. هم‌چنین درباره قناری که با تجسس و پنهان‌کاری وقت داشت. میرزا تقی خان امیر کبیر. میرزا ابوالقاسم قائم مقام. چرا با این‌ها آن‌گونه رفتار شد؟ چه عواملی وجود داشت که اجازه می‌داد کسی برای این عملیات کار کند؟ فقط همین نبود که امیر کبیر را در حمام کشتل یکسند، هفتاد هفتاد نفر بودند است که نمی‌خواستند کسی بی‌گناه را کشتل کند. قتل‌ها می‌گرفتند و عوامل می‌شور می‌شدند تا همه او قتل کنند. ده‌ها بچه‌ها باید نجات می‌یافتند و تحولاتی را می‌توان

روشن باشد نباید خام باشند تاریخ دانش آموز را چقدر می‌کند؟  
روشن شما در طرح سوالات امتحانی چگونه بود؟  
ایا روی حفظیات تاکید داشتند یا بر محتوا؟

● من هیچ وقت از متن کتاب سوال نمی‌کنم چون می‌خواستم خودم بعضی و تفکر دانش آموز به سمت تحلیل و چرایی بیرون این چرایی را باشد خودش پیدا کند و البته نظر کند که روی اطلاعات و حفظیات تاکید زیادی نداشته

● معلم تاریخ چه طور می‌تواند دانش آموزان را سر ذوق بیاورد تا به درس علاقه مند شوند؟

● تاریخ پر از وقایع است. معلم می‌تواند همه این‌ها را روی تخته تماشایی کند به وضوح تا خیلی خیلی ساده باشد خیلی چیزها را چنگ‌ها و روسها می‌تواند از چنگ‌ها را روی تخته می‌کنیم مثلاً نقشه ایران را می‌کشیم و موسم ورود را مشخص می‌کنیم. چینی برای خبر قتل هم همین گونه می‌می‌کنیم. مسیح‌ها یک ساعت قبل شروع کشتل، به تدریس می‌رویم. نقشه ایران را می‌کشیم. بعد مکان‌های مختلف را با یک رنگی مشخص می‌کنیم. بچه‌ها خیلی نوسان دارند برای مثال، گودها، نه‌ها، رودخانه‌ها، زمین‌ها و... همه خبر روی تخته بیان می‌کنیم. در واقع به سواد سماعی می‌آموزیم می‌توانیم و تدریس فقط تماشایی بود. گاهی نقشه کشورها را روی کاغذ می‌کشیم و به تعداد چهره‌ها می‌گذاریم و از روی کاغذ درس می‌دهیم. با این روش بچه‌ها حس می‌کنند که در این علاقه پیدا می‌کند و هم بسند به درس!

● از حرف‌های شما این طور برمی‌آید که اول خود معلم باید در کارش ذوق و تسوق داشته باشد. ایا معلم بدون علاقه هم می‌تواند تدریس موفق داشته باشد؟

● حیرت‌انگیز، اگر علاقه نداشته، هیچ‌گاه فرد صاحب ذوق نمی‌شود. اگر معلمی صاحب ذوق و تسوق شد، ناخودآگاه این ذوق را در تدریس پدید می‌آورد.

● ایا می‌شود گفت که با تاریخ، هویت دانش آموز را می‌سازیم؟

● با تاریخ، احساس ملیت در دانش آموز زنده و او به کشور علاقه‌مند می‌شود. دانش آموز در کنار کسانی که عوامل مصلحت را تاریخ کردند امیر کبیر را می‌بیند که چه طور به کشور خدمت کرد با این نحوه، انگیزگی می‌کند.

● چه طور می‌توان مزه تاریخ را حسید؟

● من به دانش آموزانم می‌گویم، اگر شما چهار نفر را انتخاب کنید است با این که فقط یک را نفر را انتخاب کنید! تاریخ آن چهار نفر است باید احوالات آن چهار نفر را بشناسیم به هم می‌زنند و چه جاقی داشتند تا تجربه تشریح برای آینده در اختیار داشته باشیم.

بی‌نوشته

دوره اول دبستان، فصل اول، درس اول، صفحه ۱۰۰





یاسین لطفی

# خط زیبا می معلم



اشاره

متنی که پیش رو دارید، آموزش زیبانویسی خط تحریری است که از بین چندین روش که به مربیان و استادان این هنر سفارش داده شده بود، برگزیده ایم. این متن شامل سه درس است: آشنایی با خط زمینه و محل قرار گرفتن حروف نسبت به آن؛ اتصالات حروف و نوشتن کلمات؛ خطوط راهنما و رعایت آن‌ها.

از آن جا که خط و زبان هر ملتی، نماینده هویت ملی آن است، می توان خط را هنری ملی نامید و خوش بختانه خط و کتابت در میراث فرهنگی و هنری ایران نیز ارزش ویژه ای دارد.

از آغاز یادگیری خواندن و نوشتن، آموزش خط با مشق بصری شروع می شود، با تمرین، تکرار و هماهنگی چشم و دست ادامه می یابد و به آموزش قواعد می انجامد.

در دوره راهنمایی تحصیلی لازم است همه دانش آموزان و معلمان به هر شیوه ممکن، این اصول را در نوشتن رعایت کنند تا دست نوشته های

انان چنان زیبا باشد که بر خواننده تأثیر گذارد و او را به ادامه خواندن متن مشتاق کند.

این متن را آقای یاسین لطفی، معلم هنر مدارس راهنمایی تحصیلی منطقه شهر ری، پس از پانزده سال تجربه آموزش خط تحریری، به رقم کشیده اند. ایشان گفته اند، اصل این روش را از زنده یاد دکتر خزانی آموخته و خود مناسب آموزش در کلاس های درس کامل کرده اند.

## درس اول: آشنایی با خط زمینه

انسان برای برقراری نظم در اجتماع و گروه، از قوانین و قواعدی استفاده می کند که در صورت آگاه بودن همه افراد هر جامعه از این قوانین، همه اعضای آن جامعه به سوی آرامش حرکت می کنند؛ البته در صورتی که به آن قوانین عمل کنند. برای مثال، خط های وسط خیابان ها یا پلوارها به عنوان خطوط راهنما، رانندگان و افراد پیاده را به رعایت

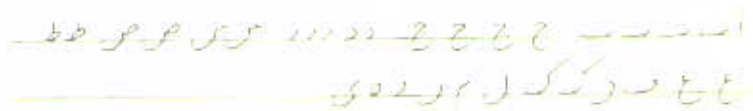


ویژه نامه آموزش درسی

دستورانی دعوت می‌کنند که در نهایت موجب انضباط در رفت‌وآمد و ایجاد آرامش خواهند شد. یا در مدارس، برای آن که کودکان و نوجوانان دانش‌آموز بتوانند هر چه سریع‌تر منظم شوند و با انضباط وارد کلاس شوند، کف حیاط را با خط‌هایی صاف، در حالتی موازی و با رنگی روشن، خط‌کشی می‌کنند. دانش‌آموزان هر کلاس با دیدن خط‌ها متوجه می‌شوند لازم است برای ایجاد صف و رفتن به کلاس، با فاصله‌ای معین از یکدیگر، روی این خط‌های موازی، پشت سر هم بایستند.

نوشته‌های ما نیز شامل این قانون هستند. اگر کلمات و حروف را به مانند دانش‌آموزانی فرض کنیم، لازم است برای خوانایی بهتر، حروف را نیز روی یک خط و به ترتیب و در فاصله‌هایی معین کنار هم قرار دهیم و بنویسیم. تا هم خوانان باشند و هم زیبایی دیده شوند.

هم‌اکنون به دفترهای خود توجه کنید. خطوطی موازی و افقی را می‌بیند که در اصطلاح به آن‌ها خط زمینه می‌گوییم. خط زمینه یا کرسی، خطی است افقی و صاف که محل قرار گرفتن و نشستن حروف یا کلمات را نشان می‌دهد. حروف الفبا (۳۲ حرف) بر اساس خط زمینه به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. حروف روی خط؛ ۲. حروف دایره‌ای شکل.



همان‌طور که می‌بیند، تعدادی از این حروف روی خط زمینه قرار دارند، مانند:



و باقی مانده حروف، غیر از حرف میم، ویژگی یکسانی دارند که همان قسمت دایره‌ای شکل آن‌هاست و به همین دلیل، به آن‌ها حروف دایره‌ای شکل می‌گویند:



حرف میم را به دلیل پایین آمدن انتهاش از خط زمینه، در گروه دوم قرار می‌دهیم.

### تمرین

از آنجاست، هر شب دو خط با رعایت خط زمینه و جای قرار گرفتن حروف و کلمات روی آن، از روی متن درس‌های کتاب فارسی خود با مداد بنویسید. نادان باشد، فقط حروف

دایره‌ای شکل و حرف میم را با زیر خط زمینه بنویسند سعی کنید

- حروفی را که مانند حرف الف قد بلند می‌دارند، هم اندازه و هم قد بنویسند.

- دایره حروف دایره‌ای شکل را هم اندازه بنویسند.

- اندازه حروف زیر روی خط رسمه، حتی در امضات، یکی باشد.



### درس دوم: اتصالات حروف و نوشتن کلمات

به بونه‌های کنار پارک و خیابان نگاه کنید. گاهی بسیار زیباتر به نظر می‌رسند، چرا؟ شاید یکی از دلایل این زیبایی، هم قد و هم اندازه بودن آن‌ها باشند. این‌طور نیست؟ ما عیان برای زیبایی بیشتر ظاهر این بونه‌ها، اجازه نمی‌دهد ارتفاع آن‌ها از یکدیگر بیشتر شود، بنابراین شاخه‌های بلندتر را با قیچی کوتاه می‌کنند، تا همگی هم اندازه و هم قد باشند. اگر به اطراف خود و در طبیعت دقت کنید، در این باره نمونه‌های دیگری نیز می‌توانید بیابید.

در خوش‌نویسی تجربه‌ی هم، برای زیباتر شدن نوشته‌هایمان، نیاز است علاوه بر رعایت محل قرار گرفتن حروف و کلمات، به اندازه و ارتفاع حروف هم شکل روی خط نیز توجه داشته باشیم، برای این کار و هماهنگی بیشتر می‌توانیم به ترتیب زیر عمل کنیم:

در ابتدای سطح با مداد یک الف روی خط زمینه بنویسید. بعد کنار آن، به شکل زیر سه عدد دایره بوحالی به هم چسبیده بکشید (لازم است در کتاب معلم توضیح داده شود که اندازه الف از فاصله بین دو خط دفتر کوبانه باشد). حال با کمک خط‌کش و مداد، از روی دایره‌های دوم و سوم، به موازات خط زمینه، خط‌هایی کمرنگ رسم کنید.



یادتان باشد، لازم است این خط‌ها با خط زمینه موازی و کمرنگ باشند. از این پس لازم است هر شب قبل از نوشتن دو خط تکلیف خوش‌نویسی تجربه‌ی هم، ابتدا به روش گفته شده، روی خط زمینه، دو خط راهنمای دیگر به ارتفاع دو دایره و سه دایره رسم کنید و سپس سعی کنید حروفی را که شبیه الف هستند، تا خط دایره سوم و حروفی را که شبیه حروف زیر هستند، تا خط دایره دوم، هم اندازه بنویسند.







### درس سوم: خطوط راهنما

ایا تا به حال شده است که بخواهید برای چند نفر از دوستان خود، داخل لیوان یا استکان های هم اندازه، جای یا شربت بریزید؟ به حتم تمام سعی خود را خواهید کرد تا در همه طرف ها، به یک اندازه جای یا شربت باشد. نمونه های دیگری از این دست را نیز حدس بزنید و در کلاس درباره آن ها صحبت کنید.

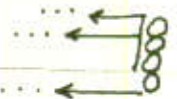
در این درس، برای این که نوشته های ما زیباتر به نظر برسند و از طرفی مزاحمتی برای سطر پایین به وجود نیاید، سعی خواهیم کرد که نیم دایره تمام حروف دایره ای شکل را به یک اندازه تا زیر خط زمینه بنویسیم. بنابراین لازم است به نکات زیر توجه و عمل کنیم:

**اول:** به همان روش قبلی، یک الف در ابتدای سطر می نویسیم و سه دایره توخالی به هم چسبیده کنار آن می کشیم.



سپس خط های راهنمای از روی دایره های دوم و سوم را با خط کش و مداد به موازات خط زمینه می کشیم (خط های عرش).

**دوم:** حالا دایره دیگری به اندازه دایره های قبلی و چسبیده به دایره اول، زیر خط زمینه می کشیم. سپس با خط کش و مداد از زیر آن، خطی به موازات خط زمینه می کشیم.



**سوم:** اکنون می توانیم نیم دایره تمام حروف دایره ای شکل را تا زیر خط، به اندازه خط جدیدی که کشیده ایم، بنویسیم. یادمان باشد، در تمرین خوش نویسی هر شب، این درس ها را نیز تکرار کنید.

#### بی نوشت

۱. کرسی در عربی به محل نشستن، کرسی می گویند.
۲. اتصالات: هر گاه در یک کلمه بیش از یک یا چند حرف، به یکدیگر وصل شوند، اتصال ایجاد شده است، گاهی یک اتصال می تواند بدون معنی باشد و گاهی یک کلمه یا معنی مشخص می تواند بدون اتصال باشد، مانند:

سـر      ررر

۳. خط عرش سه نقطه ای ها
۴. خط عرش دو نقطه ای ها
۵. این خط را خط فرش نامیدند چون مانند زیر انداز و فرشی که زیر پاهمان پهن می کنیم، خط فرش نیز زیر خط زمینه قرار گرفته است.



# کتاب‌های کمک آموزشی تاریخ و هنر

طیبه الدوسی



۱. آرزوی حسن از مجموعه تاریخ جوانان، علی باباجانی، مترجم، تهران، ۱۳۸۷.
۲. باقرجان از مجموعه چهره‌های درخشان از حسن برناون، مترجم، تهران، ۱۳۸۷.
۳. تاریخ مشهور جهان برای بچه‌ها، سارلوت جردیس ترجمه نسیم اسین جان سر می، تهران، ۱۳۸۸.
۴. نقش ایران باستان از مجموعه نقش‌های بزرگ جهان، عبدالرسول خیراندیش، مترجم، تهران، ۱۳۸۷.
۵. تمدن ایران در دوره سقویه از مجموعه نقش‌های بزرگ جهان، حمید نوروری، مترجم، تهران، ۱۳۸۷.
۶. حمله مغولان به ایران از مجموعه تاریخ جوانان، سجاد دادفر، مترجم، تهران، ۱۳۸۸.
۷. راهکارهای آموزش تاریخ، نصرانه صالحی، تهران، ۱۳۸۸.
۸. علم در اسلام از مجموعه تاریخ علم برای بچه‌ها، جرج بشپور، ترجمه حسن سالاری، محراب قلم، تهران، ۱۳۸۷.

وسعت نام‌ها، عرضه و تقاضای کتاب‌های آموزشی که یکی از دغدغه‌های مسئولان علوم و پرست کشور است. بود کارسازان آموزش و پرورش را بر آن داشت تا طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی را به اجرا درآورد. تا این طرح از سال ۱۳۷۸ در دفتر انتشارات کمک آموزشی شروع شد. دفتر انتشارات کمک آموزشی برای سامان بخشی به وضعیت کتاب‌های آموزشی و هدایت پدیدآورندگان ناشران، مؤلفان و مترجمان آن‌ها، به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش و هم‌چنین توجه به سبک‌های واقعی دانش‌آموزان، معلمان و اولیا، یکی از فعالیت‌های اساسی خود را انتشار کتاب‌نامه رشتند به هدف ارائه فهرست جامعی از کتاب‌های آموزشی مناسب و مرتبط با محتوای برنامه درسی دوره راهنمایی قرار داد.

خلاصه کتاب‌نامه رشتند دوره آموزش راهنمایی، فهرستی توصیفی کتاب‌های چاپ اول سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ از دربرداشت که در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسد و در حال حاضر نازدهمین خنث از کتاب‌نامه رشتند است. فهرست توصیفی کتاب‌های هفتم سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ به چاپ رسیده است. در این کتاب‌نامه، پس از بررسی ۲۹۸ عنوان کتاب، فهرست ۳۲۲ عنوان کتاب برگزیده دوره راهنمایی، بر حسب موضوع و رشته درسی آمده است.

در این جا، چند کتاب برگزیده از رشته درسی تاریخ و هنر را معرفی می‌کنیم:

## تاریخ

۱. آرزوی بانگدان از مجموعه تاریخ جوانان، عباس جهانگیریان، مترجم، تهران، ۱۳۸۷.







دفتر انتشارات کمک آموزشی

## با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

### مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد **کودک** (برای دانش‌آموزان ابتدایی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- رشد **خوابز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- رشد **دانش آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- رشد **نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد **دانش** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌ی پیش‌دانشگاهی)

### مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا، رشد مدیریت مدرسه، رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه)
- رشد آموزش قرآن، رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش هنر، رشد مشاور مدرسه، رشد آموزش تربیت‌جسمی، رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش جغرافیا، رشد آموزش زبان، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش زمین‌شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه‌ای، رشد آموزش پیش‌دستی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت‌معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.  
• تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۴-۱۲۷۸

۱۰. علم در ایران باستان از مجموعه تاریخ علم برای نوجوانان، حسن سالاری، محراب قلم، تهران، ۱۳۸۷.
۱۱. گاندری، دمی، ترجمه شهرام اقبال‌زاده، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۸۷.
۱۲. گنجینه یادگیری تاریخ اول / دوم / سوم راهنمایی، جواد باباخانی، مستکران، بيسروان، تهران، ۱۳۸۷.
۱۳. میراث فرهنگی ایرانیان به روایت موزه ملی ایران، ره‌ره بریرخ، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۸۷.
۱۴. میرزا کوچک خان (از مجموعه چهره‌های درخشان)، عصمت گویان، مدرسه، تهران، ۱۳۸۷.
۱۵. نسیم شمال (از مجموعه چهره‌های درخشان)، شهربانو صارمی، مدرسه، تهران، ۱۳۸۸.

### هنر

۱. آموزش خط تحریری (نو حلد)، محمد حسن زاده، برگ نو، تهران، ۱۳۸۷.
۲. آموزش خط نستعلیق (به کمک تیک مگ)، فاطمه شکیب‌پور، انتشارات بین‌المللی گاج، تهران، ۱۳۸۸.
۳. آریگامی (کار با کاغذ)، هادی نفی زاده، ابتکار دانش، قم، ۱۳۸۷.
۴. بیله‌ها، عبدالرضا مزاری جلالی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۸۸.
۵. شابلون و چاپ، دری رابینز، ترجمه محمود مزینانی، پیدایش، تهران، ۱۳۸۷.
۶. کارت‌تون و کاریکاتور، دری رابینز، ترجمه محمود مزینانی، پیدایش، تهران، ۱۳۸۷.

انتظار دفتر انتشارات کمک آموزشی از اجرای این طرح آن است که دانش‌آموزان و اولیای آنان، در هنگام تهیه کتاب‌های آموزشی، با مراجعه به کتاب‌نامه‌ها و همچنین فهرست کتاب‌های مناسب انتهای کتاب‌های درسی، به توصیه کارشناسان وزارت آموزش و پرورش توجه کنند تا زمینه افزایش موفقیت تحصیلی برای دانش‌آموزان بیش از پیش فراهم آید.



## همت مضاعف، کار مضاعف برگ اشتراک مجله‌های رشد

### سرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک ساله مجله‌ی در خواستی.
- به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرجمع‌ساز) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک بایست‌سقفارشی. (گهی فیش را نزد خود نگه دارید.)

♦ نام مجله‌های در خواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد:

♦ میزان تحصیلات:

♦ تلفن:

♦ نسبی کامل پستی:

شهرستان:

استان:

خیابان:

شماره‌ی پستی:

پلاک:

♦ در صورتی که همتا مشترک مجله بوده‌اند، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسند:

امضا:

- صندوق پستی مرکز بررسی آثار: ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷
- صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- نشانی اینترنتی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)
- امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۲۳۶۶۵۶ - ۷۷۲۳۵۱۱۰
- پیام‌گیر مجله‌های رشد: ۰۲۱-۸۸۲۰۱۴۸۲

### یادآوری:

- ♦ هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده‌ی مشترک است.
- ♦ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.

# برندگان مسابقه

رتسند راهنمایی تحصیلی در دوره نهم (سال تحصیلی ۸۹-۸۸) دو مسابقه برگزار کرد: «تفسیر من از من» پرسش مسئولان، پاسخ شما» در این جا، اسامی برندگان هر مسابقه را به تفکیک اعلام می‌کنیم:

### • تفسیر من از من

مریم شمس الدین رادآورزی، قرح حاجی پور جلدایی، فاطمه حسیری، رفیقه نعمتی، عبداله زرنوبه فراهانی، محمدرضا شهبازی.

### • پرسش مسئولان، پاسخ شما

معصومه فرهمندسندیم، ملک اساج خرابی، مریم طاهریان، قریه باقری، عبدالله زرنوبه فراهانی، علی مهربویا.

از برندگان خواهشمندیم با دفتر مجله تماس حاصل فرمایند. شماره تلفن دفتر مجله: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲.



# سرمايه گفت و گو



۱



۲



۳



۴

مجلسه ۳۳ را بخوانید

www.ghazal.com

# دسترسی به روش‌های تدریس آسان است



- معرفی مرحله به مرحله الگوهای تدریس
- بیان نقش معلم در فرایند تدریس
- بیان نقش دانش آموز در فرایند تدریس
- فعالیت‌های معلمان و دانش آموزان در فرایند آموزش
- ارائه نمونه‌های کاربردی در فرایند تدریس، براساس روش معرفی شده
- ارائه راهبردها و توصیه‌های ارزنده برای اجرای تدریس فعال و موفق.
- علاقه‌مندان می‌توانند برای ملاحظه بروشورها به سایت گروه‌های آموزشی دفتر آموزش متوسطه اراهمانی تحصیلی) به نشانی [www.group.rnedu.it](http://www.group.rnedu.it) مراجعه فرمایند

تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین سبدهای بشریت جوامع بشری است و در همین راستا، به کارگیری روش‌های نوین تدریس، از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت فرایندهای یاددهی - یادگیری محسوب می‌شود. لذا معرفی روش‌های نوین و فعال تدریس می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای کیفیت آموزش و پرورش باشد. در این راستا، گروه‌های آموزشی دفتر آموزش متوسطه اراهمانی تحصیلی) با عنایت به مأموریت‌های اصلی خود در جهت توسعه توانمندی‌های معلمان در حوزه فرایندهای یاددهی - یادگیری، با همکاری تعدادی از متخصصان و دبیران مجرب آموزش و پرورش، به تدوین و معرفی برخی از نظریه‌ها و روش‌های فعال تدریس در قالب بروشورهایی با این ویژگی‌ها اقدام کرده‌اند: